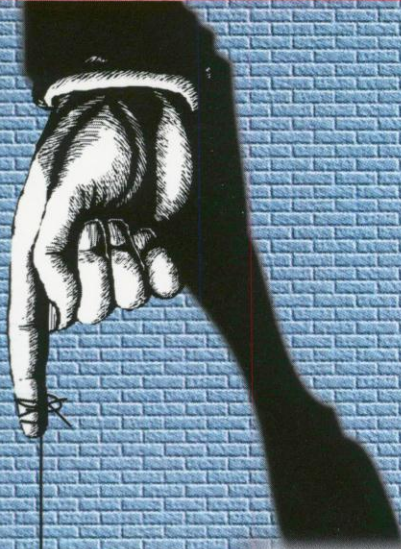


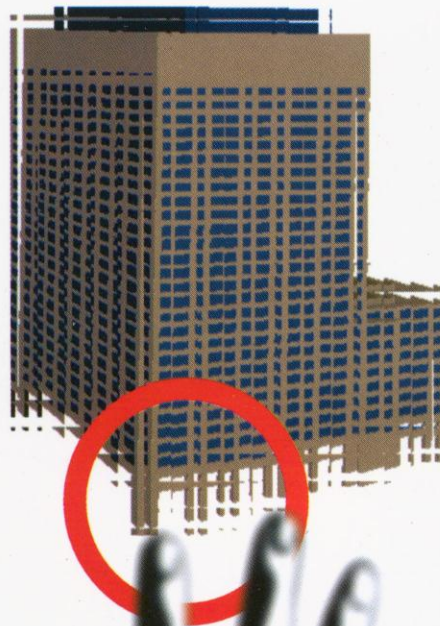


پیام

نظام مهندسی



پی ساختمان های تهران پی کرسی ریاست



DALVAND



از مسدود کردن حساب بانکی چه خبر؟
ابهامات ماده ۳۱ قانون نظام مهندسی

تاریخچه ارشاد چه گذشت؟

منزلت جامعه مهندسی در کفه آزمون مسکن و شهروسازی



نشریه سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران

صاحب امتیاز:

سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران
O مدیر مسئول: بهاءالدین ادب

توضیح ضروری:

انتشار مرتب نشریه پیام یکی از اهداف مدیر مسئول است. نظر به اتفاقاتی که بعد از مجمع عمومی مورخ ۸۰/۵/۲۷ رخ داد و تأثیر آن در تمام جلسات هیات مدیره سازمان مشهود است، مطالب این شماره پیام برای جلوگیری از تعویق، با نظر مدیر مسئول و بدون حضور همکاران محترم و ارزنده شورای دبیران تهیه و تنظیم شد.

سازمان آگهی های پیام: حمیدرضا فریدونی

تلفن: ۰۹۱۱۲۰۲۳۵۹۵، ۸۰۲۸۲۱۴

مدیر هنری: فرزین آدمیت

صفحه آرایی: شرکت هامون

حروفچین: پیک بهار

لیتوگرافی: همپو نقش

چاپ: محمد

شمارگان: ۲۷۰۰۰ نسخه

پیام نظام مهندسی نشریه ای است برای طرح مسائل سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران و انعکاس فعالیت ها و اندیشه های جامعه علمی، اداری و حرفه ای رشته های تخصصی سازمان و تقویت ارتباط میان اعضای سازمان با یکدیگر و با جامعه حرفه ای

- ۱- آرای نویسندگان الزاماً دیدگاه پیام نظام مهندسی نیست.
- ۲- نشریه در حکم و اصلاح و ویرایش مطالب دریافتی آزاد است.
- ۳- مقالات و ترجمه های خود را در روی یک صفحه، خوانا و حتی الامکان حروفچینی شده، در قطع A۴ ارسال کنید.
- ۴- مقالات ارسالی بازگردانده نمی شود.
- ۵- نقل مطالب با ذکر مأخذ آزاد است.

نشانی: تهران، شهرک قدس، فاز یک،

خ مهستان، پلاک ۱۷۶ سازمان نظام مهندسی ساختمان

استان تهران تلفن: ۰۲-۸۰۸۵۰۰۱

در این شماره

سخن مدیر مسئول

جامعه مدنی یا ... ۲

نظر

واژه مهندس و وضعیت مهندسان ۴
نگاهی به سازه های باستانی ۴
تفسیر ماده ی ۳۱ قانون نظام مهندسی ۶
ترانس، ترانسفورمر یا ترانسفورماتور ۸
منشور فیدیک ۹

مقاله ی علمی

ساختمانهای بلند، پایان راه ۱۰
سیستم حرارتی کف تابشی ۱۳

گزارش

مجمع عمومی عادی فوق العاده ۱۶
نخستین همایش معماران صنعتی ۲۰
به یاد مهندس شریعت زاده ۲۲
سالگرد درگذشت استاد حامی ۲۴

میزگرد

وضع موجود در جامعه مهندسی ساختمان ۲۶

دریچه

پاسخ جامعه بسیجیان ۲۹
نظارت استصوابی وزارت مسکن ۳۰
زمزمه انحلال سازمان نظام مهندسی ۳۱
اعتبار جامعه مهندسی در کفه آزمون ۳۲
یک طرح پیشنهادی ۳۶

اطلاعیها

دستور العمل ضوابط صدور پروانه اشتغال ۳۷
نحوه تعیین صلاحیت مهندسان عمران ۳۷
شرایط عضویت در تعاونی مسکن ۳۸
وضعیت بیمه ۳۸

در آینه مطبوعات

۳۹

نامه ها

۴۱



طراح جلد: احسان رضا دالوند

مربوط به سخن مدیر مسئول

جامعه مدنی یا...؟!

تحقق جامعه مدنی، ملازم وجود نهادهای مدنی واقعی و تقویت و توسعه این نوع نهادهاست. از اهم برنامه‌ها و اهداف جناب آقای سید محمد خاتمی، ریاست محترم جمهوری در هر دو دوره انتخابات ریاست جمهوری، که ایشان یکی از نامزدهای آن بودند، ایجاد جامعه مدنی بود. ملت ایران نسبت به کل برنامه‌های ایشان و به ویژه، به بحث جامعه مدنی، رویکردی شایسته و استقبالی بایسته داشت. اقبال عمومی به برنامه‌ها و اهداف جناب آقای خاتمی در آرای ملت در هر دو دوره تجلی یافت.

امروز چهار سال و چند ماه از عمر ریاست جمهوری دوره اول و دوم جناب آقای خاتمی می‌گذرد. میزان تحقق هدف ایجاد جامعه مدنی را با معیار جایگاه نهادهای مدنی می‌توان ارزیابی کرد و به آسیب‌شناسی وضع موجود در این زمینه پرداخت. جدای از چالشهای سیاسی و اجتماعی بر سر راه تحقق هدف جامعه مدنی که از طرف منتقدین و سلاقی‌گوناگون سیاسی می‌توان، تا حدودی طبیعی قلمداد کرد و عادی تلقی نمود. لیکن به نظر نگارنده این سطور، طی ۴ سال و چند ماه گذشته، برابر با تأثیر عملکرد جناح رقیب، در عدم تحقق مناسب جامعه مدنی، عدم همکاری و عدم باور برخی از وزرای کابینه جناب آقای خاتمی نیز به برنامه و هدف مذکور، یعنی جامعه مدنی در عدم تحقق آن تأثیر گذار بود. بهتر است بگویم از آفات مهم عدم تحقق مناسب جامعه مدنی، عدم همکاری و عدم باور برخی از وزرای کابینه جناب آقای خاتمی به این امر می‌باشد. دلیل این مدعا، اقدام در جهت تضعیف نهادهای مدنی و تبدیل این نهادها به زانده‌ای دولتی توسط برخی وزارتخانه‌ها و منجمله وزارت مسکن و شهرسازی است. به همان اندازه که به چالش کشیدن سیاست جامعه مدنی توسط جناح منتقد دولت به نظر طبیعی می‌رسد و تا حدودی توجیه‌پذیر است. عدم باور و عدم همکاری، همکاران رئیس‌جمهور، امری غیر قابل قبول و توجیه‌ناپذیر و به شدت مورد سؤال است!!

سازمان نظام مهندسی ساختمان از نهادهای مهم مدنی کشور می‌باشد. شیوه نگرش و عملکرد وزارت مسکن و شهرسازی در مورد این نهاد مهم مدنی، طی چهار سال و چند ماه گذشته، نشانه میزان اعتقاد و باور مسئولین محترم این وزارتخانه و در راس آن وزیر محترم مسکن و شهرسازی، به ایجاد و تحقق جامعه مدنی است!! به عنوان نمونه، مصادیقی از عملکرد وزیر مسکن و شهرسازی که مبین باور ایشان به نهادهای مدنی و بالنتیجه جامعه مدنی است، در ذیل ذکر می‌گردد:

۱. وزیر محترم مسکن و شهرسازی، به خوبی و بیشتر از هر کس، به نواقص قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان باید آگاه و مطلع باشد!! ظرف چهار سال و چند ماه گذشته، آیانمی شد، در

جهت رفع نواقص این قانون اقدامی کرد؟ آیا اهمیت سازمان نظام مهندسی ساختمان و قانون آن کمتر از دیگر لوایح تقدیمی وزارت مسکن و شهرسازی به دولت و مجلس است؟ راستی اهمیت شهرهای جدید و انتقال زندان‌ها و... که لوایح آنها اخیراً تقدیم مجلس شد بیشتر از قانون سازمان نظام مهندسی و کنترل ساختمان می‌باشد؟ یا زمان چهار سال و چند ماه، زمان کمی برای کاربرد خصوص قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان بوده است؟

۲. وزیر محترم مسکن و شهرسازی که در روزهای اول وزارت خود، اعلام کردند، حتی صدور پروانه ساختمان نیز، باید در دفاتری، نظیر دفاتر اسناد رسمی و توسط، مهندسان عضو سازمان نظام مهندسی ساختمان صادر گردد. چرا یکباره، آنچنان تغییر عقیده دادند، که تاکنون علیرغم پیگیریهای فراوان، حاضر نشده‌اند، به وظیفه و تعهد حداقلی، که در تفاهم‌نامه منضم به نامه شماره ۷۸۱۰/۷۸۴۱۱۲۱۰ مورخ ۱۳۸۰/۱۷۹ بین شهرداری و سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران، به عنوان حکم مرضی‌الطرفین پذیرفته‌اند، عمل نمایند؟

۳. وزارت مسکن و شهرسازی، نه تنها در جهت وفاق اعضای هیئت مدیره سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران و حل مشکل اخیر، اقدامی ننمود، بلکه با ارسال نامه شماره ۴۰۳/۱۴۷۰ مورخ ۱۳۸۰/۷/۲۸ به عنوان شورای امنیت ملی و درخواست جلوگیری از تشکیل مجمع عمومی توهین بزرگی به مهندسان عضو سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران روا داشت و اگر تصمیم حکیمانه مسئولان محترم شورای امنیت کشور نبود، قطعاً اتفاقی ناگوار و ناخوشایند، در روز ۸۰/۷/۳۰ در حسینیه ارشاد، محل تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران، رخ می‌داد!! آیا اتفاق ناگوار موصوف، که باعث و بانی آن در صورتی که اتفاق می‌افتاد وزارت محترم مسکن و شهرسازی بود، در جهت تقویت سازمان نظام مهندسی استان تهران و ارتقای جایگاه این نهاد مدنی بود؟ ناگفته پیداست، که یکی دیگر از تبعات منفی ارسال نامه مذکور در فوق، تعمیق اختلافات در هیأت مدیره و جانبداری آشکار از یک طرف تلقی خاص است.

۴. در گذشته و در زمان دولتی، که، مدعی جامعه مدنی نبود، پروانه‌های اشتغال مهندسان عضو سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران توسط سازمان نظام مهندسی صادر و تمدید می‌گردید و امضای رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان برای اعتبار آنها کافی بود. چگونه است در زمان دولت جناب آقای خاتمی یعنی معمار و مبدع هدف و برنامه جامعه مدنی، حتی این مورد پیش پا افتاده نیز، از هیأت مدیره و رئیس سازمان این نهاد مدنی دریغ شده و کلیه امور از برگزاری آزمون

تا صدور پروانه اشتغال و تمدید آن و رتبه‌بندی مهندسان، توسط وزارت مسکن و شهرسازی انجام می‌شود؟ در حالی که در تمام استان‌ها، سازمان‌های مسکن و شهرسازی استان‌ها مجری انجام امور بوده و کار نیز نسبتاً به خوبی می‌گذرد، به حاشیه راندن سازمان مسکن و شهرسازی استان تهران در خیلی از موارد، منجمله انتخابات هیأت مدیره و عدم پاسخگویی وزارت مسکن و شهرسازی و ستاد وزارتی به ابهامات انتخابات، چه معنایی دارد؟

۵. چگونه است که وزارت مسکن و شهرسازی، وظیفه اجرا و نظارت بر انتخابات هیأت مدیره سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران را خود عهده‌دار شده و برخلاف ماده ۷۰ آئین‌نامه اجرایی قانون، از تحویل اسناد انتخابات به نهاد مدنی سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران، استنکاف ورزیده و به درخواستهای شفاهی و کتبی و مراجعات مکرر در این خصوص وقعی نمی‌گذارد؟

۶. راستی در تمام طول چهار سال و چند ماه گذشته، وزارت محترم مسکن و شهرسازی و شخص وزیر محترم، چند نشست با تشکلهای مدنی صنفی و مهندسی دیگر، نظیر جامعه مهندسان مشاور، انجمن شرکتهای ساختمانی، انجمن شرکتهای تاسیساتی و تجهیزاتی، انجمن مهندسان مشاور، انجمن شرکتهای ساختمانی، انجمن شرکتهای تاسیساتی و تجهیزاتی، انجمن مهندسان مشاور معمار و شهرساز، انجمن صادرکنندگان خدمات فنی و مهندسی داشته است؟ از توان عملی و تجربی و تجهیزاتی این تشکلهای حرفه‌ای، در جهت منافع ملی و حل معضلات ملت در حوزه مأموریت وزارت مسکن و شهرسازی چه بهره‌ای گرفته است؟ آیا این درست است که به جای ارتباط ارگانیک با هیأت مدیره‌های منتخب این انجمن‌ها، با یک عضو از تشکل، ارتباط برقرار و بدینگونه، عملاً در جهت تضعیف مسئولین منتخب اقدام شود؟

۷. آیا با وجود تشکلهای مذکور در ردیف ۶، این همه صرف وقت و نیرو و هزینه کردن در تمام ابعاد، برای تشکیل یک انجمن تحت عنوان انجمن انبوه‌سازان توجیه دارد؟ انجمن انبوه‌سازان انجمن سازندگان انبوه است؟ یا طراحان انبوه‌سازی؟ یا سرمایه‌گذاران انبوه‌سازی؟ اگر بحث طراحی و نظارت و اجرای ساختمان است، که سازمان نظام مهندسی ساختمان و تشکلهای ردیف ۶ وجود دارند و بعضاً از قدمت بیش از پنجاه سال نیز برخوردارند، چه ضرورتی باعث این همه سرو صدا شده است؟ آیا اگر ادعا شود قصد تضعیف و تفرقه در تشکلهای موجود است، ادعای ناواردیست؟

۸. در حالی که علم روز و تجربه، حکم می‌کند که از تمرکز امور جلوگیری گردد و سیاست عدم تمرکز و مدیریت مشارکتی

و سپردن کار مردم به مردم، از اهداف و برنامه‌های رئیس‌جمهور محترم و مورد درخواست ملت می‌باشد، تا آنجا که اکثر پروژه‌های ملی، تبدیل به استانی شده و تقسیمات جدید کشوری به منظور عدم تمرکز مطرح است.

وزارت مسکن و شهرسازی به چه قصد و منظوری می‌خواهد، تمام امور سازمان‌های نظام مهندسی ساختمان استان‌ها را در شورای مرکزی سازمان نظام مهندسی ساختمان متمرکز و همه راه‌ها به این شورا ختم گردد؟ در حالی که بسته به شرایط اقلیم و سنن و آداب اجتماعی در تمام دنیا، هر استان برای خود در زمینه ساخت و ساز شهری دارای آیین‌نامه ویژه و باید و نبایدها خاص خود، که مکمل آیین‌نامه ملی است، می‌باشد. شورای مرکزی از نظر اکثر قریب به اتفاق مهندسان، فقط دفتر امور مشترک سازمان‌های نظام مهندسی ساختمان استان‌ها، می‌تواند باشد و لاغیر!!

تمام آنچه در فوق تلاش شد، به طور خلاصه بیان گردد، دلیلی است بر عدم اعتقاد و باور وزیر محترم مسکن و شهرسازی به نهادهای مدنی، یعنی اصلی‌ترین ابزار تحقق جامعه مدنی. عملکرد وزارت مسکن و شهرسازی در جهت توسعه و گسترش و تعمیق اقتدار فردی و تصدی‌گری دولتی است!! بسط تصدی‌گری و توسعه تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها حتی در عرصه اختیارات و مسئولیت بخش خصوصی و نهادهای مدنی و مردمی به وسیله دولتمردان دولت جناب آقای خاتمی غیر قابل قبول است و پذیرفتنی نیست!! لذا چه بجاست که، از زبان جناب آقای خاتمی، ریاست محترم جمهوری گفته شود، که، «همه از دست غیر می‌نالند، سعدی از دست خویشتن فریاد».

اینک که وزارت مسکن و شهرسازی، از نواقص موجود در قانون فعلی حداکثر بهره را برای نادیده گرفتن و به حاشیه راندن سازمان نظام مهندسی ساختمان، در راستای افکار و عقاید مخالفان جامعه مدنی، و کسانی که سازمان نظام مهندسی ساختمان را مخل منافع خود می‌دانند، می‌گیرد!! از همکاران محترم عضو سازمان نظام مهندسی ساختمان به ویژه طرفداران تقویت نهادهای مردمی و جامعه مدنی می‌خواهد، که از طریق خانه ملت و مجلس اصلاحات در جهت رفع نواقص از قانون موجود که با فکر سازمان نظام مهندسی ساختمان نیمه دولتی تهیه شده است، به اقدامات در شرف انجام به منظور صد درصد مردمی و مستقل شدن سازمان نظام مهندسی ساختمان یاری رسانده و مساعدت نمایند. تا شاهد سازمانی مستقل و مردمی براساس قانون بستر ساز و راهگشا، برای تبیین و حفظ جایگاه مهندسی و مهندسان و صیانت از منافع ملی و نیل به مقصود باشیم.

انشاء...!

واژه مهندس و سرنوشت مهندسان

واژه‌نامه عربی زبان معتبر و معروف المعجم، واژه «الهنداز» را معرب «اندازه» فارسی دانسته و معادل‌های آن را اندازه، مقیاس و حد نوشته و واژه‌های «الهندس» به معنای مرد باتجربه و آگاه، الهندس و المهندس را مشتق از این ریشه می‌داند.

لغت‌نامه دهخدا نیز واژه‌های مهندس و مهندس را معادل هم و مأخوذ از اندازه فارسی دانسته و در رجوع به واژه‌نامه‌های گوناگون متقدم، مهندس به معنای: اندازه‌گیرنده در کاریز و بنا و زمین و جز آن، سنگ تراشی و نجاری و معماری، اندازه‌گیرنده، تقدیرکننده، محاسب، شماردار، مقدر، کسی که در علم هندسه و اشکال عالم باشد، عالم هندسه، هندسه‌دان، مساح، زمین‌پیمای، معمار، متخصص در امور ساختمان، کارنمای بنیان، راهنمای بنایی، متخصص ایجاد طرح‌ها و کارهای ساختمانی و معماری، راهسازی یا کشاورزی و یا ساختن انواع ماشین و منجم و کارسازنده آمده است.

بطوری که ملاحظه می‌شود در این معانی بیشتر کارهای مهندسی امروز مانند طراحی معماری، محاسبه، برآورد، نقشه‌برداری، تأسیسات، نظارت و... بیان گردیده است. از همه جالبتر یادداشت مرحوم دهخدا است که مهندس را «کارساز» دانسته است.

با نگاهی به شواهد و مثال‌ها می‌بینیم که مهندس از نظر شعرا و نویسندگان چه نقش‌هایی داشته است:

○ شماردار:

ز دینار و گوهر هزاران هزار که آنرا مهندس نداند شمار (فردوسی)

گهردادش و چیز چندین ز گنج که ماند از شمارش مهندس به رنج (اسدی)

○ سازنده:

یکی درز آهن بر و ساخته مهندس بر آن گونه پرداخته (فردوسی)

○ ابزارساز (نجار):

مهندس دسته پولاد تیشه ز چوب نارتر کردی همیشه (نظامی)
یوسف نجار کیست، نوح درودگر که بود تا ز هنر دم زنده بر در امکان او
○ خیال عاشقانه:
طرب‌سرای محبت کنون شود معمور که طاق ابروی یار منش مهندس شد (حافظ)
○ عالم هندسه، هندسه‌دان:
این پادشاه... هیچ مهندس را بکس نشمردی (تاریخ بیهقی)
○ مساح (نقشه‌بردار):
و مهندسان آن را (قصر سلطان در قاهره را) مساحت کرده‌اند برابر شهر
میافارقین است (سفرنامه ناصر خسرو)
○ مشکل‌گشای درد: (سعدی)
قصه به هر که می‌برم فایده‌ای نمی‌دهد مشکل درد عشق را حل نکند مهندسی
○ آدم زرنگ:
ملاحظه بفرمایید که در زمان سنائی، مهندسان حق‌الزحمه کافی و حتی
بیش از استحقاق خود دریافت می‌داشته‌اند:

آن ستاند مهندس دانابه یکی دم که پنج مه بنا (سنائی)
معلوم نیست غرض از مهندس «دانا» در این بیت مهندسی است که مسلط
به حرفه خود بوده یا اینکه شم اقتصادی قوی داشته و می‌دانسته است که اولاً
باید ۵ برابر دستمزد ماهانه بنا را طلب کند و دیگر آنکه آن را در «دمی» بستاند،
شاید هم مراد شاعر این بوده که یک دم مشورت یا مهندس (البته دانا) ارزش
خدمت ۵ ماه بنا را داشته است.

حال بپردازیم به تعبیر معنای مهندس از نظر شادروان دهخدا که او را
«کارساز» دانسته است که می‌توان آن را، هم به مفهوم ایجادکننده کار دانست و
هم به معنای حلال مشکلات که از صفات و اسم‌های باری تعالی است:

جهان آفرین ایزد کارساز که دارد بدو آفرینش نیاز (نظامی)

منم که دیده به دیدار دوست کردم باز چه شکر گویمت ای کارساز بنده نواز
(حافظ) بکشیم تا «کارساز» باشیم! ایجادکننده کار و حلال مشکلات!

حسن تابش

نگاهی به سازه‌های باستانی

به نام خداوند جان و خرد
که او قادر و حی فرمانرواست
خرد را هنما و خرد دل گشای
کزین برتر اندیشه برنگذرد
همه چیز بر هستی او گواست
خرد دست گیرد به هر دو سرای

به نام پروردگار یکتا که قلم را پس از خرد و سخن دستمایه آدمی قرار داد. تا به واسطه آن سند مکتوبی بر آینده زند.

و به نام قلم که عصاره‌اش برای وجود پاکان و جوهرش انعکاس طپش قلب اندیشمندان است و حال بر حرمت این آخرین فریاد یاران و این اصیل‌ترین دستمایه آدمی و به پاس همه آنانی که قلم به دست و در تلاش خود ساختگی، بدون تعصب و آزاداندیشی و بدون ترس از شمشیر، در پناه و ایمان به پروردگار یکتا، به دنبال عدالت و راستی، آزادانه فریاد زدند و پایه عرصه نگارش گذاشتند، ما هم فریاد می‌زنیم تا شاید این جوهر نوشته شده را به گوش همگان برسانیم.

درین راه با ایمانی وافر به پروردگار یکتا و پناه آوردن به خالق خود و یاری جستن از او به پیش می‌روم و سعی می‌کنم ترس از شمشیر را از خود دور کنم و از این ترس جدا شوم تا بتوانم در راه راست به پروردگار نزدیک



دخمه یا دادگاه - که در گذشته گورستان زرتشتیان بوده است.



دروازه ای تنها، به جا مانده از شهری، در حومه مهریز

شوم. سعی می‌کنم همه را دوست داشته باشم چه اینکه انسان در نهاد خود بین بدی و نیکی در جنگ است و به دنبال نیکی سرگردان و دارنده افکار متفاوت ولی انسان هرچه باشد می‌توان او را دوست داشت. در همه محیط وجود خداوند را حس می‌کنم و همیشه جز او یاری ندارم به نعمت وجود خود و محیط سپاسگزارم و سلامتی را بالاترین نعمت الهی می‌دانم. همانگونه که زخم دستم خوب می‌شود می‌دانم خداوند ما را راهنمایی می‌کند تا به نعمت هر دو سرای برسیم. هیچگاه روح ایرانی به زندانی شدن در جهان خاکی ارضاً نشده و آفاق نورانی عالم ملکوتی و مینوئی و یکتاپرستی از نظر او دور نشده است و در افق این زیبایی، خود اثبات حقیقت و راستی است. زیبایی و سازه زیبا و باشکوه هدیه‌ای به پروردگار یکتا برای سپاس و ستایش و نزدیک شدن به خداوند بزرگ است.

شاپور

اگر به دنبال شاپور برویم در سازه‌های این نیکومرد، بزرگی تفکر، شجاعت و رشادت و مردانگی اش را در دفاع از مرز و بوم و شکست دشمنان بی‌شمارش می‌بینیم. همه چیز او با فر و شکوه و جلال و اوج بوده است. خرد والای او بی‌همتا و کم‌نظیر است و فرمانروای مردم و مالک دل ایرانیان بوده است. مردم رانه تنه‌زیر دست نمی‌دانسته از همه چیزی بیشتر آنها را دوست داشته و خرد خود را جز برای حفظ و پیشرفت بی‌حد و آسایش و آرامش آنها به کار نمی‌برده است. این همه شور و دانش و ابداع جز در سایه یگانه‌پرستی او و ایمان به خداوند امکان‌پذیر نبوده است و خداوند نیز آثار و سازه‌های او را به خاطر ایمانش در مقابل دشمنان تخریب‌گر اهریمنی حفظ نموده است که ما بدانیم او که بوده و چگونه تفکری داشته است و با جست‌وجویی اندک در سازه‌های باقی مانده پی به والایی او ببریم و با افتخار خود در دل جان او را بزرگ بدانیم و محترم، و خداوند را سپاس گوئیم که چنین بنده‌ای را به ما ارزانی داشته است. بنده‌ای نیکو که در سایه پروردگار جز فر و شکوه برای این مرز و بوم و مردمش چیزی نخواسته و از هر مشقتی گریزان نبوده است و خداوند نیز او را و خرد پاکش را در جهت مردم یاری داده است. سپاس فراوان بر خداوند جان خرد.

ابتدا اگر از خرم آباد شروع کنیم می‌بینیم دژی در بلندای کوهی با دیواره‌های خدادادی ساخته شده است که سالم و حفظ شده از اهریمنان و دشمنان ایران، ماندگار است و استوار و پر فر و شکوه به نام دژ شاپور خواست.

سازه در بین دورشته کوه است که در میان رودی پر آب دارد، فلک را به افلاک دوخته است و هیبت شاپوری را نمایان می‌کند که در زمان خود بی‌نظیر بوده است. در خرد شاپور پیدا کردن چنین محلی برای چنین کاری اندیشه‌ای است بزرگ و مشتقی فراوان برای ساخت آن برده شده است که دژی باشد بر علیه دشمنان مردم مرز و بوم میراث شده‌ای در بلندی کوه و انتخابی است دانشمندان که دسترسی دشمنان را غیر ممکن می‌کرده است. به بلندی دیواره سنگی بلندای ۳۶۵ کنگره دیواره‌های دژ استوار اضافه گردیده است و دوازده برج دیوار محافظ دور آن معمایی است در علم نجوم و معماری که خود کاوشی بزرگ را خواهان است.

آب به وسیله کانالی از زیر دژ و چاهی در دل سنگ در دسترس بوده است. گویند که راهی زیرزمینی از دژ به پل خرم‌آباد قرار دارد که کمکی بوده برای ارتباط مخفی و دیگر رموز کشف نشده.

دوم/اگر به دنبال پلهای شاپوری برویم ابتدا به پل موجود در خرم‌آباد و یا شهر شاپور «خواست» می‌رسیم که با شکوه و جلال و فر به ما خیره شده است و بدون محافظت در مقابل سیلابها استوار است و پابرجا و زلزله‌های بسیار را پشت سر گذاشته است و علت خرابی آن فرسودگی و عدم مراقبت است. سنگ است و ساروج و رازهای نهفته در آن. اگر به

طرف شوش و کازرون برویم در ملاوری پلدختر در راه کنونی که اصلی‌ترین راه منطقه است و در راه شاپور گام گذاشته است به پل‌های دیگری برمی‌خوریم که پل‌های جدید را در کنار آنها ساخته‌اند و بهترین محل انتخابی همان انتخاب شاپوری است. پلهای بی‌نظیر عظیمی که فقط پیشکش به مردم است برای آسایش و راحتی عبور و مرور و مهندسی بی‌نظیر و مدیریت و وزارت جداگانه‌ای را می‌خواسته هر یک شکلی دارد و اسرار بی‌شمار و نگاهش به ما.

سوم/اگر به شوشتر برویم می‌بینیم که شاپور در اراده خود می‌بیند که در پناه ایمان به پروردگار می‌توان برای آسایش مردم خود رودخانه‌ای را به دو نیم نماید و میان آبی بسازد که گندم و آرد ملتی را تأمین نماید. بنابراین در میان آب بدون ترس و هراس شروع به اجرای سخت و پر مشقت خود می‌نماید و رودخانه عظیمی را دو نیم می‌کند و بند و سد آسیاب و کانال و تسطیحی عظیم به وجود می‌آورد که نقشه جغرافیایی منطقه را تغییر می‌دهد و رودخانه گرگر و شطیط را جاودان می‌نماید و مزارع گندم مابین این رود را در آسیابهای محل خود ارزانی ملتش می‌نماید فر و شکوهی بی‌نظیر، این حرکت در تفکر هر کسی نمی‌گنجد و اراده و ایمان قوی و کوشش بی‌حد و زیاد می‌خواهد که کم‌نظیر است و بی‌مانند نیکویی که فقط در پناه ایمان به خداوند و یاری از او امکان‌پذیر است.

چهارم/اگر به گندی شاپور برویم به محل مرگ بزرگی از تاریخ مرز و بوم خود می‌رسیم یعقوب لیث صفاری مردی که مرگ و زمان و تاریخ و بیماری او به او اجازه نداد که بزرگتر از آنچه انجام داده است انجام دهد. گندی شاپور. دانشگاه. دانشگاه تمام ممالک روی زمین. اولین شهر دانشگاهی بزرگ، محلی برای تبادل نظر دانشمندان و اندیشمندان بزرگ و ممالک آن زمان. خردی والا که مشابه ندارد و کمک کننده به پیشرفت مردم در علوم پزشکی، نجوم، مهندسی، ادبیات، کشاورزی، آبیاری سازه و سازندگی و پیشرفت در حد کمال و والای حکیمی همه رشته‌ها بوده است. پنجم/شهرهای دیگر و سازه‌های دیگر و رازهای دیگر نیز باشد که به دنبال آن برای افتخار ایرانی موجود و تذکر و کاوش آن لازم که مانند نیشابور... است.

ششم/اگر به وه شاپور برویم کتیبه‌های شاپور و جنگهای او را با دشمنان و مهاجمین که در پی غارت ثروت مردم پاک ایرانی بوده‌اند

مشاهده می‌شوند که همه خوار و ذلیل در زیر پای فرمانروای مردمی پیشکش مردم شده‌اند و این اتحاد و اعتماد دو طرفه بین مردم و نماینده مردم را به تصویر کشیده است، اتحاد و افتخاری که جز در اعتماد دو طرفه به وجود نیامده است و نمی‌آید.

هفتم/اگر به «به شاپور» برویم باز به دژی طبیعی می‌رسیم که کوه‌های سر به فلک رسیده مانند کاسه‌ای منطقه‌ای را دربر گرفته است که دو ورودی تنگ به نام تنگ چوگان دارد که رودی از آن می‌گذرد و تندیس این مرد بزرگ در بلندای غاری که دسترسی به آن در حال حاضر کوهنوردی کوتاهی را ایجاب می‌کند وجود دارد. مردی که از دهانه غار به بیرون نگریسته است و نگاهش سرافراز به بیرون غار و اشکفت است که بنگرد که دیگران چه می‌کنند و چگونه مردم را به آرامش و آسایش و جلال می‌رسانند و از شر اهریمن و دشمن حفظ می‌کنند و چگونه خرد خود را در سایه ایمان به پروردگار بدون ترس از مشقات و زحمات به پیش می‌برند و ایمانشان در این راه تا چه حد است و چه میزان افتخار کسب می‌کنند. افتخار به شاپور که یک ایرانی است، یک نماینده است، یک خدمتگزار، یک شجاع جنگجو بر علیه اهریمن و دشمن و یک انسان والا برای فر و شکوه ملت خود کوشیده است نیکو مردی که خداوند نیز راه نیکوی او را یاری داده است و سپاس او را بی‌اجرا نگذاشته، برای ما واجب است. و خداوند یکتا را سپاس می‌کنیم که به ما ثابت می‌شود که نیک مردان به وسیله پروردگار یاری می‌شوند و از هیچ چیز نباید هراس داشته باشند و باید به پیش بروند تا به نعمت و رستگاری درین دنیا و آخرت برسند.

چو شاپور بنشست بر تخت داد
چنین گفت با نامور انجمان
وزین هرچه گویم پژوهش کنید
اگر خام باشد نکوهش کنید
کلاه دل افروز بر سر نهاد
بزرگان فرزانه و موبدان
اگر خام باشد نکوهش کنید

اگر شاه با داد و فرخ پی است
خرد پاسبان باشد و نیک خواه
همه جستش داد و دانش بود
دگر آنکه از آزمون خرد
بدانش ز یزدان شناسد سپاس
به آسایش و نیک نامی گرای
زدهقان نخواهم جز از سی یکی
مرا خوبی و گنج آباد هست

یکی شارسان نام شاپور کرد
همی برد یک سال از آن شهر رنج
یکی شارسان کرد آباد بوم
در خوزیان داد آن بوم و بر
به پارس اندرون شارسانی بلند
کهن دژ به شهر نیشابور کرد
یکی رود بر پهن در شوشتر

به جز داد و خوبی مکن در جهان
به دینار کم ناز و بخشنده باش
نزن بر کم آزار بانگ بلند
به یزدان گرای و سخن زو فزای
پناه کهان باش و فرمهان
همان داده ده باش و فرخنده باش
چو خواهی که بختت بود یارمند
که اوست روزی ده و راهنمای
حکیم ما فردوسی

مرتضی ضیاء قزوینی (آرا)

تهدیدی علیه مدیرعاملان شرکت‌های مهندسی

تفسیر دوگانه و ابهامات ماده ۳۱ قانون نظام مهندسی ساختمان

قطعاً تعداد زیادی از اعضا به ویژه تعداد از مدیران عامل شرکت‌های مهندسی اطلاع دقیقی از ماده ۳۱ قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان ندارند. لذا قبل از شروع بحث متن این ماده از قانون بازگو می‌شود: «ماده ۳۱. در مواردی که نقشه‌های تسلیمی به شهرداری‌ها و سایر مراجع صدور پروانه ساختمانی و تفکیک اراضی توسط اشخاص حقوقی امضا و یا تعهد نظارت می‌شود مسئولیت صحت طراحی و محاسبه و نظارت به عهده مدیرعامل یا رئیس مؤسسه تهیه کننده نقشه است و امضا وی رافع مسئولیت طراح، محاسب و ناظر نخواهد بود، مگر اینکه نقشه‌ها توسط اشخاص حقیقی دیگر در رشته مربوطه امضا یا تعهد نظارت شده باشد».

از این ماده قانونی دو نوع برداشت مختلف شده است. یک برداشت آن است که مدیرعامل یا رئیس مؤسسات مهندسی در تمام موارد در مقابل خطا و اشتباهات سایر افراد شرکت، اعم از شریک و غیرشریک مسئول می‌باشد. حتی اگر نقشه‌ها توسط سایر اعضای صاحب صلاحیت شرکت محاسبه - طراحی و تهیه و تعهد داشته باشد. برداشت نوع دوم آن است که اگر نقشه‌ای توسط هر یک از اعضا شریک و یا کارمند صاحب صلاحیت و دارای پروانه اشتغال معتبر و قانونی انجام گرفته باشد مسئولیت با فرد محاسب و طراح یا کنترل و امضا کننده نقشه‌ها می‌باشد. زیرا بار مسئولیت

مدیرعامل و با رئیس مؤسسه به حدی زیاد می‌شود که قبول این سمت از سوی افراد با مشکل زیادی مواجه می‌شود و عملاً تأسیس شرکت‌های مهندسی که امروزه به دلیل نوع پروژه‌ها یک ضرورت می‌باشد و گسترش دامنه تخصص‌های لازم برای یک پروژه و ابعاد وسیع آن می‌تولید که با یک کار گروهی ابعاد مختلف یک پروژه را بررسی نمود با مشکل جدی مواجه می‌شود. شاید به همین دلیل است که به نظر می‌رسد اجرای این بند زیاد هم جدی گرفته نشده است مگر در موارد خاص.

البته مسئولیت مدیرعامل در زمانی که نقشه‌ها توسط افراد صاحب صلاحیت بررسی و امضا نشده باشد و مدیرعامل بدون بررسی و کنترل نقشه‌ها خود راساً آن را امضا نموده باشد با حالت قبلی فرق دارد. در این حالت مسئولیت با مدیر و یا رئیس مؤسسه امضاکننده نقشه می‌باشد، چرا که اولاً کار به افراد غیر واجد صلاحیت واگذار نموده است، ثانیاً اگر در مقابل اشتباه‌ها هیچ کس مورد بازخواست نشود معلوم نیست برای انتظام به امور مهندسی و نظارت بر کار و فعالیت‌های آنها چگونه خواهد شد.

برداشت نوع اول از ماده ۳۱ قانون از واقعیت‌ها به دور است زیرا چگونه می‌توان انتظار داشت که مدیرعامل یک شرکت مهندسی که عموماً تنها در یکی از رشته‌های مهندسی تخصص دارد مسئولیت کارهای همکاران در رشته‌های مختلف را داشته باشد؟ حتی اگر فرض را به یک روش غیرمتعارف بگذاریم که شرکت‌ها فقط یک رشته از کار را که مدیرعامل در آن رشته تخصص دارد را قبول نمایند یعنی اگر مدیرعامل مهندس معمار است تنها مسئولیت و تعهد طرح‌های محدود به حوزه معماری را بنماید و برای سایر تخصص‌ها از شرکت‌ها دیگر یعنی شرکت‌های با تخصص محاسبات و تأسیسات استفاده شود و عملاً کارفرماها و مالکین به دنبال افراد حقیقی یا حقوقی دیگر بروند (روشی که مشکلات مختلفی را در پی دارد) که به نظر نمی‌رسد مورد نظر هیچ یک از

آیا اگر در یک پروژه ساختمانی

ناظری در کارگاه

عمداً یا سهواً

مبالغ اضافه‌ای را

در صورت وضعیت‌ها

تأیید نمود

مدیرعامل

باید پاسخ گو باشد؟



مدرک مشابه دیگر، تخلف از درجه سه تا درجه پنج محسوب می‌شود، آیا منطقی است که همه این موارد مسئولیت‌ها با مدیرعامل شرکت باشد؟

اضافه می‌شود طبق قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان مرجع رسیدگی به تخلفات حرفه‌ای و انتظامی مهندسین شورای انتظامی استان و در مرحله بعدی شورای انتظامی کشور می‌باشد. در ماده ۱۷ قانون مهندسی پیش‌بینی شده است این شورا مرکب از ۵ نفر می‌باشد. یک نفر حقوقدان به معرفی رئیس دادگستری استان دو تا چهار نفر مهندس خوشنام که به معرفی هیأت مدیره و با حکم شورای مرکزی سازمان نظام مهندسی ساختمان برای مدت ۳ سال منصوب می‌شوند. در حالی که در قانون نظام مهندسی ساختمان مصوب سال ۱۳۷۱ (مشهور به قانون دوره آزمایشی) برابر ماده ۶ آن ۳ عضو اصلی و دو عضو علی‌البدل شورای انتظامی استان مستقیماً توسط اعضا و تنها یک عضو اصلی و یک عضو علی‌البدل توسط هیأت مدیره سازمان انتخاب می‌گردید. حال که در قانون جدید نحوه انتخاب از روش انتخاب مستقیم اکثریت اعضا شورای انتظامی به روش صد درصد انتسابی تبدیل شده است، در این شرایط اهمیت تفسیر دقیق این بند از قانون پیش از پیش لازم است!

ماده ۹۱ آیین‌نامه اجرایی قانون که تخلفات را مشخص نموده و معضل دیگر می‌باشد. برای نمونه نگاه کنید به بند الف این ماده که می‌گوید «عدم رعایت ضوابط شهرسازی و مقررات ملی ساختمان و... مجازات انتظامی از درجه یک تا پنج را در پی دارد». با اجرای این بند از قانون شما فکر می‌کنید چند نفر در حال حاضر مقصر باشند؟ آیا اصولاً مقررات شهرسازی این کشور که تفسیرهای مختلفی دارد باعث نخواهد شد مدیرعاملی را مقصر بشناسد؟

حال چه باید کرد عدم اطلاع از قانون رافع مسئولیت نیست با این وجود حال که از اهمیت و حساسیت موضوع آگاه شدیم نباید مشترکان با تدوین پیشنهادات لازم موضوع اصلاح این گونه بندها و در مجموع قانون را پی‌گیری نماییم؟ مدیریت سازمان در هدایت این امر ضروری مسئولیت عمده‌ای دارد و می‌تواند با یک فراخوان عمومی مشکلات و محدودیت‌های قانون را بررسی و پس از نظرخواهی از اعضا مشترکان پیگیری تصویب آن شویم. مجله پیام برای طرح دیدگاه‌ها و اصلاحات مورد نیاز قانون نیز نقش ویژه‌ای دارد. باشد که در این دوره مجلس شورای اسلامی که خود را به نام مجلس اصلاحات می‌نامد اصلاحات قانون نیز انجام پذیرد. بی‌تردید اعضا در این راه با منتخبین خود همراه خواهند بود.

محمد عدالتخواه

متولیان سازمان نظام مهندسی و امور مهندسی کشور باشد. زیرا در این صورت ضرورت تشکیل شرکت‌های مهندسی به ویژه با دارا بودن کارشناس‌های مختلف چگونه قابل پذیرش است؟

اگر افرادی تأکید بر جدایی رشته‌ها و اصرار بر تشکیل شرکت‌های یک رشته‌ای بنمایند، برای پروژه‌های یک رشته‌ای مثلاً معماری به دلیل آنکه نیاز به مشاوره‌هایی با تخصص‌های دیگر در طول کار می‌باشد، سؤال می‌شود آیا تمام ابعاد پروژه‌های بزرگ را یک فرد می‌تواند انجام دهد؟ آیا ضرورت همکاری بین افرادی که در زیر حوزه‌های معماری فعالیت می‌کنند وجود ندارد؟ بی‌تردید پاسخ منفی است، زیرا بخش‌های هر یک از رشته‌ها در حدی می‌باشد که تصور کار غیر گروهی عملاً منتفی است.

منطقاً مگر نه آنکه هر کس باید مسئول فعالیت‌های خود باشد؟ مگر کارهای پیچیده یک مهندس سازه با توجه به تفکیک رشته‌ها در دنیای امروز از سوی یک مهندس غیر سازه قابل بررسی و اظهار نظر می‌باشد؟ چرا نباید هر کس در حوزه فعالیت خود مسئولیت داشته باشد؟ آیا این بند از قانون با تفسیر از نوع اول آن خطراتی را برای مهندسین حتی مهندسین خوشنام که شرکت‌های بزرگ را مدیریت می‌کنند در پی ندارد؟ آیا اگر در یک پروژه ساختمانی یک ناظر در کارگاه عمداً یا سهواً مبالغ اضافه‌ای را در صورت وضعیت‌ها تأیید نمود مدیرعامل باید پاسخ گو باشد؟ (نگاه کنید به بند ج ماده ۹۱ آیین‌نامه) این ابهام تفسیر این گونه از قانون مسئولیت‌پذیری را با مشکل مواجه می‌نماید. لازم است قانونگذار در مورد این بند از قانون تفسیر دقیق‌تری ارائه نماید تا هر کس در هر زمان در خطر مسئولیت دیگران گرفتار نباشد و شمشیری در بالای سر خود احساس نکند.

برای مثال نگاه کنید به رشته شهرسازی که اصولاً این رشته یک فعالیت بین‌بخشی است مثلاً اگر در تهیه یک طرح، جمعیت‌شناس برآورد و پیش‌بینی جمعیت را دقیق انجام ندهد و پیش‌بینی‌های نادقیق باشد که امروزه شاهد آن هستیم، آیا مدیرعامل و رئیس مؤسسه باید مسئول شناخته شود؟ آیا اطلاع نداریم که بیش از ۵۰ درصد جمعیت‌های پیش‌بینی شده از سوی متخصصین در بررسی‌های دوباره به سفارش مسئولین سازمان‌های متولی بودجه طرح‌های شهرسازی غلط از آب درآمده است. در مورد سایر رشته‌ها نیز این مسئله صادق است. به پرونده صدها پروژه ساختمانی و صورت وضعیت مالی آنها نگاه کنید که میزان عملیات انجام شده در پروژه نادرست رسیدگی شده است. مدیرعامل که با نامه نهایی این صورت وضعیت را تأیید و ارسال داشته و در مواردی توسط کارفرما مجدداً رسیدگی و اصلاح شده و در مواردی نیز بدون آنکه به آن توجه شود کارها ادامه یافته است. حال برابر ماده ۹۱ آیین‌نامه که اعلام می‌دارد: «تأیید غیرواقعی میزان عملیات انجام شده جهت تنظیم صورت وضعیت‌ها یا

تحول جدید در این خلاصه می شود که توجه غالب ایرانیان از زبان فرانسه به انگلیسی تغییر جهت داد.

نسل های جوانتر اساتید و دانشجویان، انگلیسی زبان شدند به نحوی که اینک فرانسه زبانان، انگشت شمار شده اند. بسیار خوب اما چه بر سر «ترانسفورماتور» و «ترانس» خودمان آمد؟ زبان جدید یعنی انگلیسی، به جای اسامی فرانسوی و لاله زاری، اسمی جدید به ارمغان آورد و آن هم «ترانسفورمر» بود. خدا را شکر که با وجود روابط تنگاتنگ ایران با آلمان در زمینه های برقی، «TRAFO»ی آلمانی وارد این آش شله قلمکار نشد و الاچی می شد!

حالا خودمانیم بالاخره چه باید کرد؟ البته جز نشستن در انتظار رسیدن «گودو» از فرهنگستان. شخصاً قبول دارم که «ترانسفورماتور» طولانی و «ماتور» آن هم طنین خوشایندی ندارد اما با سابقه ترین نامی است که تا به حال مورد استفاده بوده است. قبول دارم که اگر نجیبم لاله زاری ها کار خود را می کنند و ترانس را به کرسی می نشاندند اما راستی از این بی معنی تر اسمی پیدا می شود. آن هم با توجه به این اصل که معنای اساسی «TRANS» در زبان های «فرنگی» یا درست تر بگوییم لاتین که از آن ریشه گرفته است، «ماورا یا از طریق» است که در ترکیب با کلمات دیگر ده ها معنای جدید به وجود می آورد و استفاده خالی از آن برای دستگاه مورد نظر خودمان گذشته از نظرات دیگر، خجالت آور است. می ماند ترانسفورمر که بی شک و شبهه انگلیسی است. خود شخصاً فکر نمی کنم این بحث به این زودی ها به جایی برسد لذا کماکان از ترانسفورماتور استفاده خواهم کرد اما به نظر شما چه باید کرد؟ اگر در این مورد نظری دارید بنویسید تا شاید از این بحث ولرم نتیجه ای داغ به دست آید.

آلدیک موسسیان

ترانس، ترانسفورمر یا ترانسفورماتور

وضعیت غریبی است! بالاخره این دستگاهی که ولتاژ را بیشتر یا کمتر می کند و نام فارسی فرهنگستانی ندارد، بهتر است با چه اسمی نامیده شود؟ خیالپردازی و واژه سازی شخصی به کنار، از سه اسمی که این دستگاه با آنها شناخته می شده یا می شود کدام یک را باید انتخاب کنیم تا «رایانه» گونه ای برای آن اختراع شود و تازه مسأله را پیچیده تر کند. اول قدری راجع به سوابق سه اسم عنوان صحبت کنیم:

ترانسفورماتور، قدیمی ترین نامی است که از آن استفاده می شده است. جالب اینجاست که بسیاری از دوستان فکر می کنند که «ماتور» یعنی دو بخش آخر کلمه، به نحوی به وسیله گردنده ای که انرژی الکتریکی را به مکانیکی تبدیل می کند ولی بد تلفظ می شود، بستگی دارد و خیالات نامربوط دیگر احتمالاً از همین جاست که مخالفت و ضدیت با آن سرچشمه می گیرد. در حالی که واقعیت چیز دیگری است. بسیاری از سابقه داران که سنی از آنها گذشته است و تعدادشان در برابر تازه واردین کم و کمتر شده و صدایشان به جایی نمی رسد یا بحث در این مورد را بی مورد می دانند، با آن آشنا می باشند. اما واقعیت چیست؟

در آن هنگام که علوم جدید از اروپا شروع به سرازیر شدن به ایران نمود، بیشترین تماس ایرانیان با آنها از طریق فرانسه بود. هنگامی که نویسنده این سطور در دانشکده فنی مشغول تحصیل بود و رسماً با «ترانسفورماتور» آشنایی پیدا کرد، اغلب اساتید از دانش آموختگان مدارس فرانسه بودند و طبعاً کلمات زبان فرانسه را وارد زبان فارسی کردند. در این زبان «ماتور» معنی «کننده» دارد و بسیاری از کلمات این زبان که فاعل بودن را می رساند با «ماتور» - البته با تلفظ مخصوص ادا می شود - خاتمه می یابد.

برای مثال:

خازن - ذخیره کننده = Condensateur

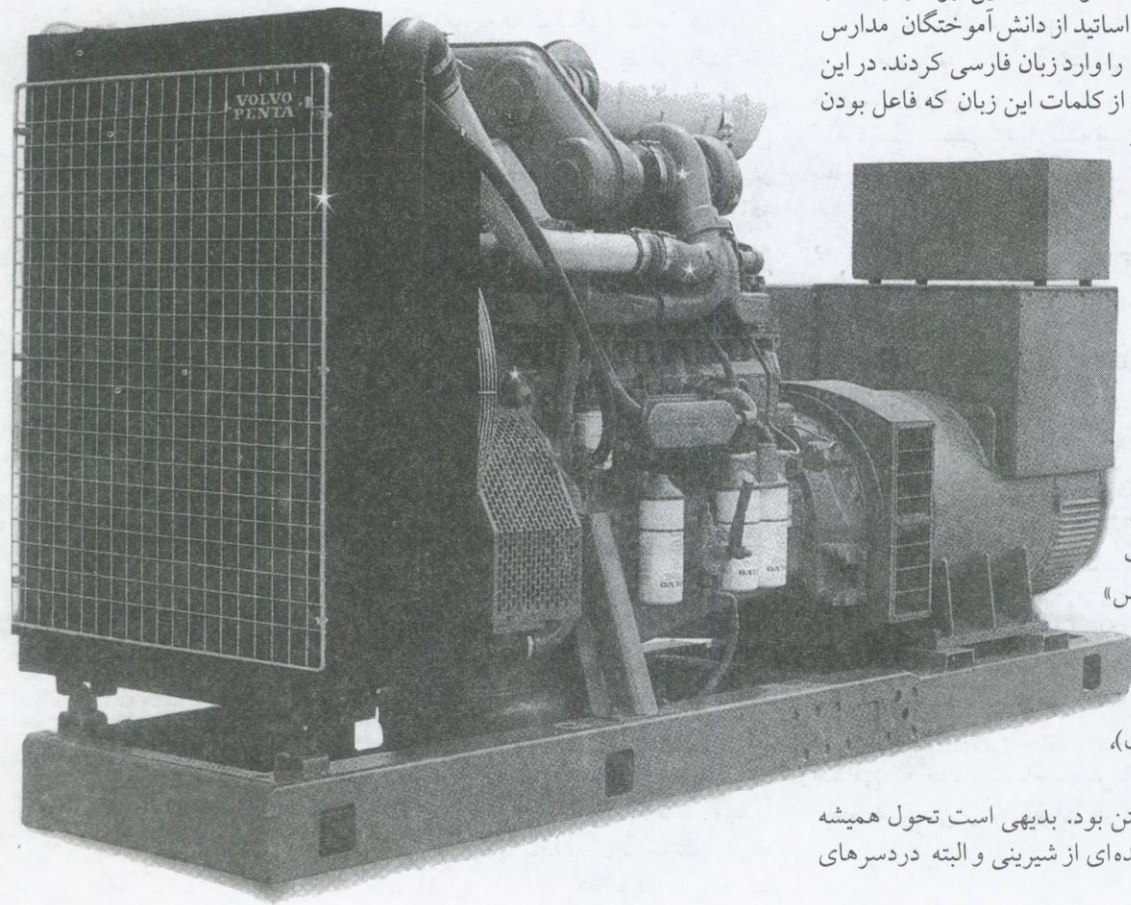
ماتور = Moteur

و البته

ترانسفورماتور = Transformateur.

اما دیری نپایید که «لاله زاری» ها وارد عمل شدند و اسامی و اصطلاحات را از طرفی به آن نحو که زبان شان می چرخید و از طرف دیگر برای سرعت بخشیدن به پول درآوردن با انتخاب اسمی کوتاه، ترانسفورماتور را به «ترانس» تبدیل کردند. البته از نظر ایشان پیچیدگی هم که در راه اندازی لامپ های فلورسنت رل اصلی آن محدود کردن جریان است (چوک)، «ترانس» نامیده می شود.

اما تحول دیگری در حال شکل گرفتن بود. بدیهی است تحول همیشه و در همه احوال وجود دارد و بخش عمده ای از شیرینی و البته دردسرهای زندگی از همین جا سرچشمه می گیرد.



اخلاق مهندسی

منشور فیدیک در مورد رعایت اخلاق حرفه‌ای توسط مهندسان مشاور

- 1- Accept the responsibility of the profession to society. ۱. مسئولیتی را که حرفه او در قبال جامعه دارد، بپذیرد.
- 2- Seek solutions that are compatible with the principles of sustainable development. ۲. راه‌حلهایی را جستجو کند که سازگار با اصول تداوم توسعه باشد.
- 3- At all times uphold the dignity, standing and reputation of the profession. ۳. همواره شرافت، پایداری و خوشنامی حرفه را حفظ کند.
- 4- Maintain Knowledge and skills at levels consistent with development in technology, legislation and management, and apply due skill, care and diligence in the services rendered to the client. ۴. دانش و مهارت خویش را هماهنگ با پیشرفت تکنولوژی، قوانین و مدیریت حفظ کند و مهارت، دقت و جدیت لازم را در عرضه خدمات به کار برد.
- 5- Refrain from performing any services unless competent to perform them. ۵. از قبول هر کاری که توانایی انجام آن را ندارد خودداری کند.
- 6- Act at all times in the legitimate interest of the client and perform professional services with integrity and faithfulness. ۶. همیشه در جهت منافع مشروع کارفرما اقدام کند و خدمات خود را با شرافتمندی و وفاداری انجام دهد.
- 7- Be impartial in the provision of professional advice, judgement or decision. ۷. توصیه‌های فنی، قضاوتها یا تصمیماتش بیطرفانه باشد.
- 8- Inform the client of any potential conflict of interest that might arise in the performance of the commission. ۸. اگر در انجام وظایفش تضادی احتمالی با منافع کارفرما احساس می‌کند، او را از آن با خبر کند.
- 9- Not accept remuneration which prejudices independent judgement. ۹. از قبول وجه یا حق‌الزحمه‌ای که قضاوت بی‌طرفانه او را تحت تأثیر قرار دهد، خودداری کند.
- 10- Promote the concept of "selection by ability". ۱۰. اصل «انتخاب براساس توانایی» را اشاعه دهد.
- 11- Neither carelessly nor intentionally do anything to injure the reputation or business of others. ۱۱. چه از روی بی‌توجهی و چه تعمداً کاری نکند که به شهرت یا کار دیگران خدشه یا لطمه‌ای وارد آید.
- 12- Neither directly nor indirectly attempt to take the place of another consulting engineer, who is already appointed for a specific work. ۱۲. اگر مشاور دیگری برای کار بخصوصی در نظر گرفته شده، چه مستقیم و چه غیرمستقیم، تلاشی در گرفتن آن کار بخصوص نکند.
- 13- Not take over the work of another consulting engineer before notifying the consulting engineer in question, and without being advised by the client of the termination of the prior appointment for that work. ۱۳. اگر از مشاور دیگری در کاری خلع ید شود، قبول آن کار حتماً با اطلاع مشاور قبلی و تأیید کارفرما مبنی بر خلع ید از مشاور قبلی باشد.

ساختمان‌های بلند؛ پایان راه*

بخش ترجمه و تحقیق مهندسان مشاور شهر و برنامه**



تکنولوژی ساختمانی غرب آزمندانه جمع آوری شده است بدون آنکه به خطرات چنین بناهایی بر شهرهایشان آگاه باشند. این مقاله به نقد ساختمانهای بلند می‌پردازد ضمن آنکه راه‌های عملی نیز نشان خواهد داد.

آسیب‌های اجتماعی

در مقاله تئوری بافت شهری "Web Theory Of Urban" در مجله طراحی شهری (شماره ۳ سال ۱۹۹۸) نیکوس آ. سالینگاروس اصول ساختاری فرم شهری را این گونه خلاصه می‌کند: در فرایند ایجاد بافت شهری گره‌ها، ارتباطات بین نقاط و نیز نظام سلسله مراتبی آنها دخیل است. نتایج حاصل از مطالعه بافت شهری، ارتباطات چند گانه‌ای است که هر شهری جهت حفظ سلامت خود به آن نیاز دارد. سلامت شهر در عین حال اجتناب از تمرکز گره‌هاست. مشکل بعدی زمانی اتفاق می‌افتد که یک منطقه (زون) شهری منفک و یا آسمان خراش تک منظوره بافت شهری را به نابودی می‌کشاند. این مشابه همان پدیده در ریاضی "Mathematical Singularity" است که در نتیجه میل یک یا دو کمیت به سمت بی‌نهایت اتفاق می‌افتد. بسیاری از ناهنجاری‌های شهرهای معاصر محصول نظریه‌های طرح ریزی مدرن بوده است که در دهه ۱۹۲۰ در زمینه‌ای کاملاً غیر

آن بود از درون متلاشی شده و هر دو آسمانخراش و هزاران شهروند نیویورکی را که اجساد آنها هرگز پیدا نخواهد شد به دود و تلی از خاک تبدیل کرد.

در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آمریکا هدف حمله‌ای تروریستی قرار گرفت و این تراژدی زمینه آن را فراهم کرد تا با هشیاری بیشتر، شیفتگی آمریکا و جهان به آسمان‌خراشها را ارزیابی کنیم. ما عمیقاً احساس می‌کنیم که تنها تروریست‌ها نباید سرزنش شوند بلکه این حادثه دهشتناک از وجود یک ناهنجاری پنهان در "طرح ریزی محیط و ساختمان سازی" حکایت می‌کند.

ما معتقدیم که عصر آسمان‌خراشها به پایان رسیده است و از بناهای بلند باید به عنوان تجربه‌ای شکست خورده در تیپولوژی ساختمان یاد کرد. دیگر چه کسی از کار و فعالیت در طبقه یکصد و دهم، شصتم و یا حتی بیست و هفتم احساس آرامش خواهد کرد. پیش بینی می‌کنیم که دیگر آسمان‌خراشی ساخته نخواهد شد و سرنوشت محتوم آنچه از گذشته باقیمانده بلااستفاده بودن و بلاخره تخریب است. این موضوع به تغییرات بنیادی در مراکز شهرها خواهد انجامید که خود قدم مثبتي در بهبود کیفیت زندگی شهری خواهد بود. تنها سازه‌های بلند در کشورهای جهان سومی خواهد ماند که در این چند سال از ته مانده دستاوردهای

اکنون می‌توان گفت که دوران ساختمانهای بلند به پایان رسیده و از بناهای بلند باید به عنوان تجربه‌ای شکست خورده در تیپولوژی ساختمان یاد کرد. ما پیش بینی می‌کنیم که دیگر آسمانخراشی ساخته نخواهد شد و سرنوشت محتوم آنچه از گذشته باقیمانده بی‌استفاده بودن و در نهایت تخریب است.

دنیای مادگرگون شده است

فیلم ویدیویی برجهای مشتعل مرکز تجارت جهانی قبل از آن که هر دو فروریزند، همه تاریخ آسمان‌خراشها را در یک تابلوی پر راز و رمز به تصویر می‌کشد. در بلوکهای واقع در شرق و جنوب مرکز تجارت جهانی، اولین نسل آسمان‌خراشهای قرن بیستم از جمله مشهورترین نمونه‌های آن قرار دارد. همه این ساختمانهای بلند متعلق به سالهای قبل از ۱۹۳۰ با بامها، کلاهکها و سرپوشهای بلند و با طرحهای خاص و استثنایی خود می‌خواستند به دنیای روحانی، معنوی و غیرقابل دسترس برسند. در این فضا و دو برج مشتعل مرکز تجارت جهانی با سقف‌های مسطح قرار دارد که مکمل همان رویاهای قرن در رسیدن به دروازه‌های بهشت است. عدم موفقیت در رسیدن به چنین رویایی را ابتدال دوئیت برجهای مرکز تجارت جهانی بیشتر تشدید می‌کند که بلاخره هر دو بنا و هر آنچه در

واقع بینانه شکل گرفت. در اینجا فزونی از مقاله تئوری بافت شهری را می آوریم:

«بدون تراکم کافی و تنوع، نقاط فعالیت و مسیرهای پر جنب و جوش هرگز نمی توانند در شهرها شکل بگیرند. لذا در اینجا با موضوع جداسازی و یا تمرکز فعالیت ها که اساس شبکه شهرهای مارا تخریب می کنند روبه رو می شویم. در یک منطقه شهری یکنواخت گره های مختلف که بتوانند بافت شهری ایجاد کنند بقدر کافی وجود ندارد و اگر جایی این امکان وجود داشته باشد رابطه آنها به لحاظ وجود قوانین منطقه بندی نادرست قطع شده است. عناصر مشخص شهری هم چون مناطق مسکونی، تجاری و غیره باید طوری به هم دوخته شوند تا فرایند ارتباطات را تسریع کنند. شهرهای ناکارا بر نقاط فعالیت همگون، یکنواخت و مشابه و در مقابل شهرهای کارا بر نقاط فعالیت غیر همگون و مرتبط استوارند. در کلیه موارد ساختمانهای بلند عملکرد شهری و نیز سلامت شهر را به مخاطره می اندازند و این به دلیل گران بار کردن زیرساختها و نیز اخلال در قلمروهای عمومی خیابانهایی است که این گونه بناها در آنها قرار دارند.»

در تمام موارد ساختمانهای بلند، کیفیت، عملکرد شهری و سلامت شهر را به دلیل گران بار کردن زیرساختها و نیز قلمروهای عمومی خیابانهایی را که در آنها قرار می گیرند، تهدید می کنند. کریبر (Krier) از این مقوله با عنوان "Hypertrophy" و یا "رشد ناموزون شهری" یاد می کند که در آن گسترش بیش از حد یک فعالیت خاص توسعه ارگانیک مرکز را تحت الشعاع قرار داده و سلامت بافت مختلط شهر را حتی در ورای مرکز شهر به مخاطره می اندازد. به خاطر داشته باشیم که برخی از زیباترین و از نظر زیبایی شناسی دل انگیزترین بناهای بلند اوایل قرن ۲۰ اکنون به پایان عمر خود رسیده اند. حال این سؤال پیش می آید که سرنوشت آنها چه خواهد بود؟

در تخریب بافتهای شهری بناهای بلند تک منظوره بیشترین سهم را دارند. اما به ظاهر این بناها به نماد پیشرفت و مدرنیزم تبدیل شده اند. چگونه میتوان نمونه بناهای مانده از دهه ۱۹۲۰ را مدرن و پیشرفته دانست. تأثیرات چنین افکار مخربی است که ساختمانهای شیشه و فلز لودویک میس وندروهه به غلط بناهایی "کارا" شناخته می شوند. در میان اعتراض ها و در مخالفت با آسمان خراشها به گفته های کنستانتین داکسیادیس به روایت از پیتر بلیک اشاره می کنیم.

«بزرگترین گناه من ایجاد ساختمانهای بلند بوده است. موفق ترین شهرهای قدیمی آنهاهی

هستند که مردم و ساختمانها در تعادل پایدار با طبیعت بودند. اما ساختمانهای بلند مرتبه بر ضد طبیعت و یا به عبارتی دیگر در تقابل با محیط زیست عمل می کنند. ساختمانهای بلند در تقابل با انسان نیز هستند زیرا که او را از دیگران جدا می سازند و این جدایی عامل مهمی در میزان ارتکاب به جرایم است. در اینجا کودکان بیشتر از همه آسیب می بینند زیرا که تماس مستقیم با طبیعت و همسالان خود را از دست می دهند. ساختمانهای بلند مرتبه در ستیز با اجتماع نیز هستند زیرا که عملکرد و روابط طبیعی جامعه را آنگونه که در قبال وجود داشت نابود می کنند و مانع پیوندهای اجتماعی، خانوادگی و همسایگی می شوند. همچنین ساختمانهای بلند مرتبه بر ضد شبکه حمل و نقل، ارتباطات و سایر تأسیسات و تجهیزات شهری کار می کنند زیرا که بلند مرتبه سازی به تراکم زیاد می انجامد تراکم زیاد موجب تحمیل بار بر مسیرها، نیاز به تأمین شبکه وسیع توزیع آب و از همه مهمتر نیاز به شبکه های تأسیسات شهری شده که مشکلات عدیده ای را ایجاد می کنند.»

پیتر بلیک آسمان خراشها را در "Fiasco Form Follows" از چند نظر مورد انتقاد قرار می دهد. یکی خمشهای خطرناک در نمای ساختمانها در اثر باد است، دیگری آتش سوزی خارج از کنترل و مشابه آتش سوزی دو آسمان خراش در آمریکای لاتین می باشد. بلیک در مورد خطرات بناهای بلند می گوید:

«بسیار دردناک و تکان دهنده است که گفته شود آسمان خراشهایی با بیش از ۱۰۰ طبقه ساخته می شود بدون آنکه هیچ مهندس و یا معمار با صدقتهی در هیچ جای جهان با اطمینان بتواند بگوید که این سازه های عظیم با محیط پیرامون خود از قبیل راهها و خطوط ارتباطی، تونلهای باد حاصل در پیاده روها، سفره های آب زیرزمینی، خطرات آتش سوزی، همچنین از دید انهدام بافت شهری و زیبایی های بصری و خط آسمان شهرها و بلاخره از دید خطراتی که به ساکنین و یا همسایه ها به هنگام تخریب ممکن است وارد آورند چه خواهد کرد؟»

دیدیم که چگونه دو تا از بلندترین ساختمانهای جهان در آتش سوخت و از هم پاشید و تمام مصالح ساختمانی به اضافه اثاثیه و انسانها ذره ذره شده و خاکستر آنها در پارکینگ های زیرزمینی مدفون گشت. تمام اینها در چند دقیقه اتفاق افتاد. آیا هیچ کس اخطار بلیک را نخوانده بود؟ حتماً بسیاری خوانده بودند. اما شوق معماری مدرن و تصور ایجاد برجهای براق و صیقلی که همگی به اولین اسکیس های

لوکوربوزیه در اوایل دهه ۱۹۲۰ بر می گردد، اغواکننده تر از توجه به واقعیات اجرایی و خطرات ناشی از ایجاد این گونه ساختمانها بوده است.

حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ حکم می کند که دیگر نمی توان بی تفاوت بوده و در خلسه تقدیس مدرنیزم به سر برد. هر کودکی که بزرگ می شود می تواند از طریق دیدن تصاویر باورنکردنی برخورد دو هواپیما با آسمان خراشهای مرکز تجارت جهانی تبدیل به یک تروریست شود.

حیات شهری جدید

شهرگرایان جدید راه حلهایی ارائه می دهند که می تواند در بازگرداندن حیات به محیط های زیست شهری بی روح و بدون تحرک کمک نماید. این نظریه به سالها قبل و به کارهای کسانی چون کریستوفر الکساندر بر می گردد. الکساندر در کتاب "Pattem Language" (۱۹۷۷) به همراه سایر همکارانش ۲۵۳ الگو را پیشنهاد می دهد که می تواند نیازهای انسانی را در یک محیط مصنوع تأمین کند. این الگوها طیف وسیعی از کل سیستم شهر تا ساختمانها و جزئیات ساختمان در یک اتاق را شامل می شود. دو تا از این الگوها با بحث ما بسیار مرتبطند.

الگوی ۲۱: حداکثر ۴ طبقه - شواهد فراوانی وجود دارد که نشان می دهد ساختمانهای بلند در روان پریشی ساکنانش مؤثر است. بنابراین در تمام مناطق شهری هر چند تراکم بهتر است اکثراً ساختمانهای ۴ طبقه یا کمتر ساخته شود. این امکان هست که برخی از این ساختمانها در



ارتفاع بلندتر ساخته شوند ولی قطعاً بناهای بیش از ۴ طبقه برای زندگی و به عنوان مسکن مناسب نیستند.

الگوی ۶۲: مکانهای مرتفع - بالا رفتن از مکانهای مرتفع، جائیکه بتوان به پایین نگاه کرده و دنیای اطراف را جستجو نمود جزو اساسی ترین غرایز انسانی است. بنابراین ساخت مکانها و ساختمانهای مرتفع به عنوان نشانه‌های شهری لازم است. این مکانها می‌توانند بخشی از توپوگرافی طبیعی زمین، برجهای خاص دیده‌بانی و یا بخشی از بام ساختمانهای بلند محلی باشند که در هر موردی باید شرایط فیزیکی بالا رفتن در آنها مهیا باشد.

البته این الگوها به نظر بسیار ایده‌آل و خیالی بوده و در جهان صنعتی امروز اعتبار زیادی ندارد، اما هدف بررسی مجدد بسیاری از جنبه‌های ابتدایی شهریت و مخصوصاً نگاهی مجدد به عواملی از جمله اشتیاق معماران به انجام کارهای بزرگ و نیز آزمندی و فزون خواهی بساز بفروش‌ها و سوداگران ساختمان است که به تباهی شهرها انجامیده است. شهرها به ساختمانهای بلند هم نیاز دارند اما نباید همه آنها بلند بوده و اساساً باید دارای اختلاط کاربریهای مورد نظر باشند.

به طور قطع و یقین نمی‌توان گفت که ارتفاع بهینه ساختمانها باید چقدر باشد. ساختمانهای بلندتر از ۱۰ طبقه محصول تجربه صنعت و تکنولوژی هستند و تکنولوژی خود تجربه‌ای است که اثرات آن هنوز بدرستی روشن نیست. می‌دانیم که مراکز شهرهای پاریس، لندن و رم به تراکم مناسب و عالی رسیده‌اند و دارای ساختمانهای متنوع و اغلب ۱۰ طبقه هستند. این مراکز شهری دارای رونق کافی بوده بدون اینکه تسلیم ویژگیها و رشد ناهنجار شهرهای آمریکایی شوند.

با در نظر گرفتن حداکثر ارتفاع مجاز ساختمانهای سنتی و باددوراندیشی بیشتر ساخت و سازهای آینده را می‌توان به ساختمانهای ۱۰ طبقه مسکونی یا خدماتی منحصر کرد که ۴ طبقه پایین آن کاملاً مسکونی است. به همراه ساختمانهای گروه اول ساختمانهای ۵ طبقه مسکونی مناسب است که طبقه همکف آن تجاری بوده و به مغازه‌های خرده‌فروشی و رستوران اختصاص دارد. هر دو اینها با بافت‌های سنتی بسیار سازگارند. در مقابل راه حلهای آرمانی مطلوب که توسط الکساندر پیشنهاد شده متأسفانه طرح ریزی مدرن، نوعی شهرسازی با موجودیتی غریب، غیرانسانی و بد فرجام تولید کرده است.

یکی از مهمترین سوالاتی که بلافاصله بعد از حادثه منتهن مطرح شده اینستکه جهان

سرمایه داری کجا و چگونه می‌تواند صدها هزار متر مربع فضای اداری جایگزین پیدا کند؟ پاسخ این سؤال پیش روست و آن اینکه در فاصله بسیار کمی از محل آسمان خراشهای مرکز تجارت جهانی مناطق بی رونقی وجود دارد که مستعد توسعه است. این مناطق با وضع ضوابط ساختمانی مناسب و صحیح و کاربریهای مختلط می‌تواند حیات شهری و خیابانی را تضمین و مسکن مناسب مردم را تأمین نماید. این خود می‌تواند سبب احیا بخشهایی از شهر شود که سالها ظاهر و شکل مخروبه‌های مانده از مرکز تجارت جهانی را داشته و دارند با این تفاوت که هیچوقت در اخبار عصر نشان داده نشده‌اند.

بیل کلینتون رئیس جمهور سابق آمریکا با انتقال دفترش به "Harlem" بدعت جالبی را به جا گذاشت. آیا مرکز تجارت جهانی به نشانه اعتراض مردم آمریکا آنگونه که گروهی احساساتی پس از انهدام آن عنوان می‌کنند بازسازی خواهد شد. یقیناً بازسازی تله‌های مرگ به زیان انسانیت است و بازگشت به الگوهای ناموفق گذشته دستاوردهای معماری بشر را مورد سؤال قرار می‌دهد. به علاوه این کار همسویی با تعصب هراس انگیز از گونه‌ای است که تروریستها را به انجام اعمال جنایتکارانه هدایت و رهبری کرد.

معماران خطاکارند

چرا در حالی که تمام راه‌حلهای فوق که از چند دهه قبل در دسترس بوده‌اند، اجرا نشده‌اند تا شهرهای ما اصلاح شوند. عوامل متعددی از جمله منطقه بندی، سوداگری و تجارت زمین و ساختار مالیاتی دولتها، همه فضای مطلوبی برای ایجاد آسمان خراشها بوجود آورده بود. آن فضا و شرایط اکنون از بین رفته است. نتیجه می‌گیریم که معماران و ساختمان سازها مسئول تخریب شهرها و انداختن مردم در تله‌های آتشی هستند که فرصت کافی برای رهایی از خطرات را نیز نمی‌یابند. (برنارد رودوفسکی. مردم و خیابانها، ۱۹۶۹)

بر خلاف پزشکان، معماران امروزی به نتایج طرحهایشان که باید در جهت رفاه عموم باشد بی‌توجهند و وجدان خود را درگیر عواقب دهشتناک شهرهای در حال خفقان نمی‌کنند. معماران همچنین اشتیاقی به رعایت اصول اخلاقی در حرفه شان ندارند و مانند پزشکان سوگند نمی‌خورند. سوگند نامه بقراط هم برای آنان وجود ندارد. قسم نامه بقراط می‌گوید: "حرفه من تا آنجا که بتوانم در جهت بهبود بیماران خواهد بود نه برای آزردن آنها و یا عمل خلاف" در فرهنگ معماری چیزی مشابه این وجود ندارد. همه مردم از انتقاد معماران، یعنی

تنها راه ممکن برای ایجاد حس مسئولیت پذیری در میان آنها، با استانداردها و ضوابطی که توسط خود معماران وضع می‌شود نهی شده‌اند و دست آخر اینکه با ناچیز شمردن تقصیراتی که متوجه آنهاست خود را به هیچ قانون اخلاقی در کشور آمریکا پایبند نمی‌دانند. معماران در جهت حفظ خودخواهی‌های خود به یکدیگر جایزه می‌دهند و سینه‌های خود را به مدالهای طلایی مزین می‌کنند.

پرنس چارلز با شهامت تمام بر علیه آسمان خراشها سخن گفت و نتیجه اینکه معماران او را به مخالفت با پیشرفت و ترقی متهم کردند. واکنشها آنقدر شدید بود که جانشینی او در تاج و تخت بریتانیا مورد شک و تردید قرار گرفت.

عبارات انتخابی او در نقد آسمان خراش "Canary Wharf" در لندن که در آن زمان هنوز ساخته نشده بود امروز نوعی پیشگویی به نظر می‌آید.

«چه امید و آینده‌ای برای لندن می‌توان داشت؟ طرح آسمان خراش سزار پلی "Cezar" پیرو ایده‌های مدرن شود اما عمق فاجعه آنجاست که سایه آن بر روی نسلهای آینده لندن که اکنون بقدر کافی از معماری پر نخوت آسمان خراشها رنج برده‌اند سنگینی خواهد کرد.»
بیش از یک دهه طول نکشید که اظهارات پرنس چارلز به واقعیت پیوست.

* منبع: اینترنت

نیکوس آ. سالینگاروس (A. Salingaros) استاد رشته ریاضیات در دانشگاه تگزاس، مؤلف مقاله‌های علمی متعدد و همکار کریستوفر الکساندر تئوریسین صاحب نام معماری و شهرسازی است. سالینگاروس مطالعات ارزشمندی در خصوص رابطه ریاضی با مسائل شهری دارد و یکی از مقاله‌های ایشان با نام تئوری بافت شهری "Theory of Urban Web" که فزازهایی از آن نیز در این نوشتار آمده است توسط بخش ترجمه و تحقیق مهندسان مشاور شهر و برنامه در سال ۱۳۷۹ به فارسی ترجمه شده‌است که جهت مطالعه علاقمندان قابل تکتیر است. وی عقیده دارد که روابط میان عناصر شهری و بافت شهر از منطق ریاضی پیروی می‌کند.

جیمز هوارد کانستلر (Howard Kunstler) نویسنده کتاب‌های "The Geography of Nowhere" و "Home From Nowhere" است و کتاب "The City in Mind: Notes on the Urban Condition" را در دست چاپ دارد.

** ترجمه‌ای از اسماعیل توکلی مهر، کارشناس ارشد معماری و طراحی شهری و عضو سازمان نظام مهندسی استان تهران، و نرگس حاج کاظمی‌ها، کارشناس ارشد محیط زیست.



سیستم حرارتی کف تابشی در ساختمان

امیرمسعود پاکروان*

مربع نصب کف حرارتی ۹۹٪ درصد از روش هیدرولیک و ۱/۶ درصد از روش الکتریکی بوده است.

در کف با سیستم هیدرولیک، آب گرم از یک دیگ منبع آب جوش به سمت لوله گذاری زیر کف پمپ می گردد و دمای هر یک از اتاقها توسط دریچه های منطقه ای یا ترموستات با تنظیم جریان آب گرم داخل هر یک از حلقه های لوله گذاری کنترل می شود.

روش هیدرولیک خود براساس نحوه نصب به انواع دیگری تقسیم می شود: نصب مرطوب و نصب خشک که در نصب مرطوب لوله ها در داخل دال بتنی کف و یا در داخل بتن سبک روی کف قرار می گیرند.

در نصب خشک، لوله ها در زیر کف بین تیرچه ها قرار می گیرند به همراه عایق بندی انعکاسی در زیر لوله ها (جهت هدایت گرما به سمت بالا) و یا لوله ها بین دو لایه پلی وود روی کف در بین زوارهایی جهت حمل وزن کف تمام شده قرار می گیرند در این حالت ماسه یا سیمان جهت ذخیره و انتشار انرژی حرارتی بین زوارهای کف ریخته می شود و پس از نصب نیوپان یا پلی وود، کف نهایی فرض یا سرامیک می گردد.

در روشهای قدیمی تر از لوله های مسی یا فولادی در داخل بتن کف استفاده می شد که اگر

کف را به صورت یک رادیاتور کم حرارت و با کارایی بالا تبدیل می کند که حرارت را به صورت انرژی تابشی به سمت بالا منتشر می کند.

این روش قرنها قدمت دارد. رومیها از کانال هوای گرم در زیر کف ویلاهایشان استفاده می کردند و همچنین کره ایها دود حاصل از سوخت را قبل از خروج از دودکشی از زیر خانه هایشان عبور می دادند. و در سال ۱۹۳۰ مهندس معمار، فرانک لوید، لوله های آب گرم را از زیر کف ساختمانهای خود عبور داد.

تحقیقات صنایع ساختمان سازی نشان داده است که بیشتر صاحبان منازل جدید، سیستم کف تابشی را به عنوان یک روش برتر به سایر روش ها از لحاظ آسایش و کیفیت ترجیح می دهند.

به طور کلی سه نوع کف تابشی موجود است: کف با هوای گرم، کف با جریان الکتریسیته، کف با آب گرم (هیدرولیک).

به دلیل اینکه هوای گرم می تواند گرمای زیادی را در خود نگاه دارد روش هوای گرم در موارد مسکونی چندان به صرفه نیست و روش الکتریکی نیز فقط زمانی مقرون به صرفه است که شرکت برق نرخهای متفاوتی برای زمانهای استفاده در پیک و خارج آن داشته باشد تا بتوانیم کف را در زمانهای خارج پیک مصرف (معمولاً بین ساعت ۹ شب تا ۶ صبح) شارژ نماییم.

در مقایسه با دو روش هوایی و الکتریکی، سیستم هیدرولیک مقرون به صرفه ترین و محبوب ترین روش می باشد که برای دهه های متوالی در سراسر دنیا در حال استفاده است و در اروپای غربی پنجاه درصد تمام ساختمانهای جدید از این روش استفاده می کنند. تحقیقی در سال ۱۹۹۸ نشان داد که در بین ۷/۵ میلیون فوت

با توجه به اهمیت و لزوم بهینه سازی مصرف انرژی، بکارگیری سیستمهای حرارتی با مصرف انرژی بهینه در ساختمانها، نقش بسزایی در کنترل و میزان مصرف انرژی دارا می باشد.

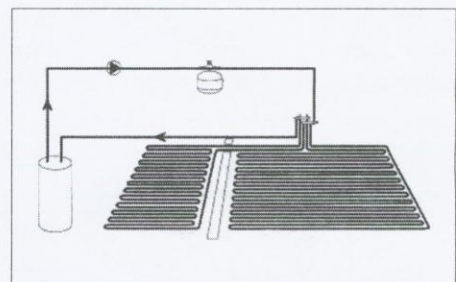
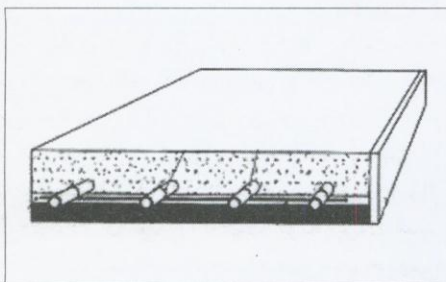
سیستم کف تابشی که اساس آن انرژی تابشی است، در مقایسه با سایر سیستمهای حرارتی نه تنها در صرفه جویی انرژی بلکه در مقوله رفاه و آسایش ساکنان ساختمان دارای برتری های چشمگیری است.

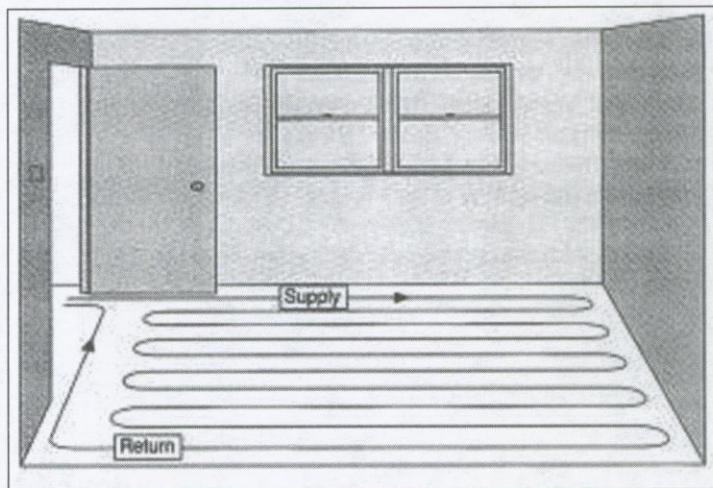
انرژی تابشی

انتقال انرژی تابشی توسط انتقال حرارت از یک سطح گرم به سطحی سردتر صورت می گیرد، زمانی که بین دو سطح اختلاف دما وجود دارد هر دو سطح به سمت ایجاد تعادل پیش می روند. انرژی تابشی از طریق فضا عبور می کند و زمانی به گرما تبدیل می شود که با یک سطح سردتر برخورد کند. خورشید ۵۵۴۰ درجه سانتیگرادی نیز انرژی خود را از طریق تابش به سمت زمین ۱۶ درجه سانتیگرادی می فرستد و انرژی خورشید توسط زمین جذب و به صورت گرما آزاد می شود.

سیستم حرارت کف تابشی

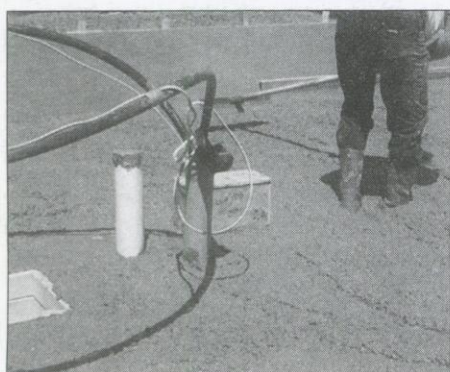
در این سیستم جریان گرم مانند آب گرم از طریق لوله گذاری در زیر کف حرکت می کند و





سلامت‌ترین و طبیعی‌ترین گرمای موجود شناخته شده است.

همانطور که مردم در یک روز سرد توسط گرمای خورشید احساس گرما می‌نمایند در این روش نیز گرمایی دلپذیر خواهند داشت. به نحوی که از ایجاد نقاط سرد و هوای خشک در منزل جلوگیری می‌شود و در مقایسه با روش گرمایش هواساز مشکلات ایجاد گرد و خاک، ذرات معلق و باکتری در هوای منزل را ندارد. به دلیل کنترل دمای هوا و انتقال گرما به اجسام اطراف، سیستم تابشی محیطی بسیار دلپذیر برای ساکنین فراهم می‌آورد. هرچه سطح تولیدکننده گرما وسیع‌تر باشد به همان نسبت با درجه حرارت کمتری می‌تواند به گرمایش محیط بپردازد. یک رادیاتور دیواری ممکن است دارای دمای سطحی ۶۰ درجه سانتیگراد باشد در حالی که یک کف حرارتی ۲۷ درجه سانتیگرادی می‌تواند به همان اندازه موجب گرمای محیط گردد. سیستم کف تابشی معمولاً بین دمای ۲۷ تا



۶۰ درجه سانتیگراد کار می‌کند که در مقایسه با سایر روشهای حرارتی که بین ۵۴ تا ۷۱ درجه سانتیگراد کار می‌کنند، باعث ذخیره انرژی بین ۱۵٪ تا ۲۰٪ می‌گردد.

توسط کف حرارتی، اتاق و تمام وسایل داخل آن به یک رادیاتور تبدیل می‌شود. دما در یک سیستم با کف حرارتی با دمای پوست شما یکسان می‌شود که از به هدر رفتن گرما از بدن شما جلوگیری می‌نماید و به همین دلیل اتاق گرم‌تر احساس می‌شود در حالی که گرمای واقعی هوا ممکن است سردتر باشد.

لذا ما می‌توانیم ترموستات را چندین درجه پایین‌تر تنظیم نماییم که نمایانگر کاهش مصرف انرژی و هزینه سوخت به همراه برخورداری از گرمایی دلپذیر می‌باشد. کف تابشی دمای ایده‌آلی برای اتاق ایجاد می‌کند به نحوی که اتاق از پایین به بالا و ابتدا پاها و بدن شخص گرم می‌شود.

در سطح کف، دمایی حدود ۲۴ درجه سانتیگراد که تا سطح چشم به ۲۰ درجه و در سقف به ۱۶ درجه کاهش می‌یابد. یکی دیگر از

نصب کنید.

با توجه به سایز لوله مورد استفاده، فاصله لوله‌ها از یکدیگر ۲۰ تا ۴۰ سانت می‌باشد. در محل‌های چرخش لوله و تغییر جهت آن، اجازه دهید لوله تحت شرایط طبیعی خودش تقریباً شعاع ۴۰ تا ۶۰ سانت خم شود.

پس از لوله‌گذاری و نصب اتصالات و قبل

از بتن‌ریزی، سیستم را تحت فشار ۵۰ پوند بر اینچ مربع قرار داده و چندین ساعت منتظر شوید، بعضی اوقات به دلیل وجود هوا در لوله‌ها قسمتی از فشار افت می‌کند اگر فشار سنجها بیشتر از ۵ پوند بر اینچ مربع افت فشار نشان دادند باید لوله‌ها را از نظر نشتی چک کرد، اگر سوراخی پیدا کردید آن را توسط اتصال قطعه اضافه تعمیر کنید و یا اگر اینکار خیالتان را راحت نمی‌کند کل حلقه را عوض کنید (تعویض یک حلقه کامل کمتر از ۲۰۰ دلار هزینه دارد).

پس از اطمینان از عدم تراوش، فشار را کاهش و در ۲۰ پوند بر اینچ مربع تا انتهای بتن‌ریزی نگاه دارید، تا اگر در حین بتن‌ریزی افت فشار مشاهده و سوراخی در سیستم ایجاد شد، آن را در همان لحظه تعمیر و یا دور محل سوراخ را قالب‌بندی کرده و در فرصت مناسب پس از بتن‌ریزی آنرا ترمیم کنیم اما به خاطر داشته باشید به دلیل عدم حساسیت و عدم ظرافت لوله‌ها، سوراخ‌شدگی حین بتن‌ریزی بسیار نادر است.

یک حلقه کامل نباید بیشتر از ۱۲۰ متر به کار رود و برای لوله قطر ۷۵ سانت، طول ۸۵ متر بیشترین طول پیشنهادی است. چرا که هرچه طول لوله بیشتر باشد افت گرما افزایش می‌یابد. اندازه میانگین برای یک منطقه حرارتی حدود ۲۵ تا ۴۰ متر مربع می‌باشد.

در نهایت اجرای هرگونه کف‌سازی بر روی کف تابشی امکان‌پذیر است. ولی در رابطه با کفهای چوبی به دلیل گرمای موجود در کف که باعث خشک شدن و نهایتاً ترک خوردن آن می‌شود باید از چوبهای مخصوص استفاده کرد. و همچنین در رابطه با فرش و قالی بهتر است از فرشهای نازک روی کف تابشی استفاده کرد تا انتقال حرارت بهتر صورت گیرد.

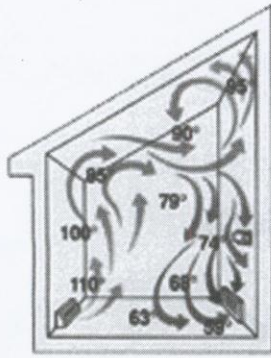
آسایش و مصرف بهینه انرژی

گرمایش تابشی به عنوان آرامش‌بخش‌ترین،

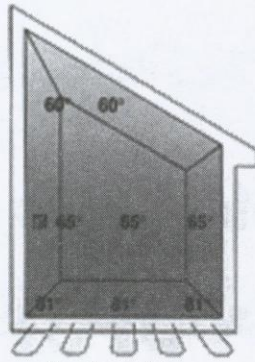
لوله‌ها توسط ترکیبات محافظ آغشته نمی‌شود، فعل و انفعالات شیمیایی بین بتن و آهن باعث نشت لوله‌ها در مدت زمان طولانی می‌گردد. امروزه اکثر تولیدکنندگان، لوله‌های پلی‌اتیلن چند لایه که دارای مقاومت کافی برای قرارگیری داخل بتن و قرارگیری همزمان در معرض آب با حرارت بالا یا پایین می‌باشند طراحی و عرضه می‌نمایند. این لوله‌ها در رول‌های ۱۰۰ و ۳۰۰ متری دارای قطرهای متفاوت با دوام و پایداری بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ سال می‌باشند، که لوله با قطر ۷۵ سانت به دلیل ایجاد تعادل مناسب بین عامل هزینه و افت فشار، بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

به دلیل استقبال ساختمان‌سازان ایرانی از کف‌های بتنی و استفاده کمتر از کف‌های چوبی، روش مرطوب اگر چه دارای نکات اجرایی بیشتری است ولی بیشتر مورد نظر مهندسان ایرانی قرار خواهد گرفت، در این روش ابتدا بر روی دانه‌بندی تحکیم شده (اگر سطح زیرین زمین باشد) و یا روی دال کف، مانع تبخیر پلی‌اتیلن ۶ میل کشیده و پس از نصب لایه عایق حرارتی، شبکه آرماتور تقویت و لوله‌گذاری اجرا می‌گردد.

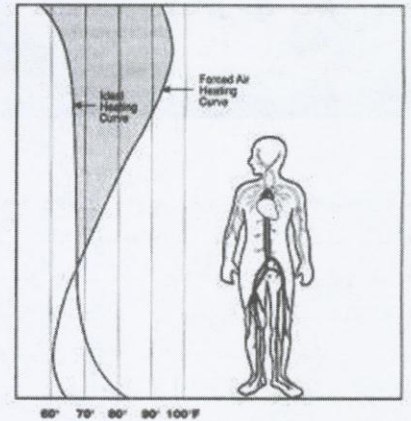
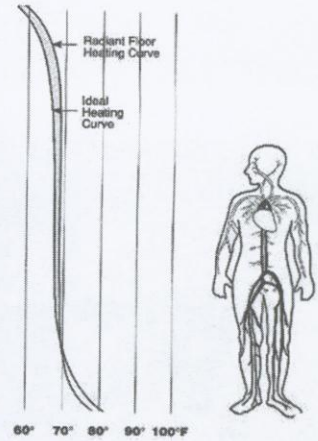
حتی می‌توان پس از قالب‌بندی دال کف و عایق‌کاری کناره‌ها و نصب شبکه آرماتور و لوله‌گذاری، بتن دال و کف حرارتی را توأم ریخت. اساساً کف‌های حرارتی به جای پایین، به بالا تابش می‌کنند بنابراین عایق‌کاری حرارتی کناره‌های دال خیلی مهم می‌باشد. در صورتی که مانند اکثر کفهای حرارتی بیشتر از یک حلقه لوله‌گذاری مورد نیاز باشد باید از اتصالات که درون جعبه‌های قالب چوبی داخل بتن قرار می‌گیرند و دور آنها بتن‌ریزی می‌شوند، استفاده کرد. وقتی بتن‌ریزی روی لوله‌ها که باید بین ۱۰ تا ۱۵ سانت باشد تکمیل شد و تست فشار انجام گرفت اتصال لوله را (جهت کوتاه کردن مسیر رفت و برگشت، ترجیحاً نزدیک منبع حرارتی)



Forced Air



Radiant Floor



* دانش آموخته دانشکده عمران دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی، عضو نظام مهندسی ساختمان استان تهران و انجمن مهندسی ساختمان ایران.

maspk@yahoo.com

منابع:

- concretenetwork.com, 2000
- hammerzone.com, 2001.
- Energy Efficiency and Renewable Energy Network(EREN), 2001.
- Parrish Construction Co., 2000-2001.
- Watts Radiant Industries 2001.
- U.S. Department of Energy, 2001.

راحتی برای ساکنان باعث کاهش مصرف انرژی و سوختی بین ۱۵ تا ۲۰ درصد می گردد که در سطح وسیع رقم قابل ملاحظه ای می باشد. با توجه به نیاز و اهمیت سوخت و انرژی در سطح جهان به نحوی که در حال حاضر به صورت عاملی تأثیرگذار در سیاست دولتها و رقابت بین آنها تبدیل گردیده، لازم است تا متخصصین روشهایی را که حتی به مقدار ناچیز باعث کنترل و صرفه جویی انرژی می گردد بررسی و به مرحله عمل برسانند. امید است با توجه به عدم موانع اجرایی و طراحی در ایران و در نظرگیری میزان صرفه جویی انرژی و کیفیت موجود در این روش، شاهد رشد آن در کشورمان باشیم.

مزایای کف تابشی، آرامش و عملکرد ساکت این سیستم در مقایسه با روش هواساز (وجود صدای فن و هوای با فشار) می باشد. کف تابشی از طریق کل کف بدون آنکه فضای خاصی را در منزل به خود اختصاص دهد به صورت نامرئی باعث گرمایش منزل می گردد و هیچ منبع حرارتی یا رادیاتوری در اتاق نمی باشد که باعث به هم خوردن طراحی داخلی و محل قرارگیری مبلمان گردد که از این جهت مورد علاقه مهندسان معمار می باشد.

در ضمن کف حرارتی در مقایسه با سیستم هواساز مدت زمان بیشتری می تواند گرما را در اتاق منتشر نماید.

در ساختمانها با سقف های بلند این روش در مصرف انرژی بسیار به صرفه است، چرا که در سایر روش ها هوای گرم با فشار به سمت بالا می رود که فایده گرمایی برای ساکنین ندارد و در آنجا گرمای خود را از دست داده و باعث مصرف بیهوده انرژی می گردد. در روش کف تابشی، گرما از کف به سمت بالا می رود و ابتدا قسمت پایین که مورد نیاز اصلی ساکنین می باشد را گرم، و سپس با گرمای کمتری به بالا می رود که این نحوه گرمایش مطابق میل ما بوده و موجب صرفه جویی انرژی نیز می گردد (در شکل زیر درجات بر حسب فارنهایت می باشد).

همانطور که ملاحظه می شود سیستم کف تابشی علاوه بر دارا بودن مزایای آسایش و



مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران

جلسه مجمع عمومی غیر رسمی است و اگر کسی برای اداره جلسه داوطلب است اعلام نماید (و چون کسی داوطلب نشد) برای ادامه جلسه توسط ایشان رأی گیری نمودند که با اکثریت قریب به اتفاق آرا تصویب شد.

رئیس جلسه از آقای مهندس غرضی دعوت کردند تا به عنوان اولین سخنران به جایگاه تشریف بیاورند، مهندس غرضی پس از استقرار در پشت میکروفون اظهار داشتند: بنده نویسنده قانون نظام مهندسی و مجری این قانون هستم. ماده ۵۳ می گوید که جلسات مجمع عمومی سالی یکبار و به طور فوق العاده در دفعاتی که در اجلاس عادی مجمع عمومی تعیین می شود به دعوت هیأت مدیره تشکیل می شود. و خطاب به آقای مهندس ادب فرمودند چون مجمع قبلی تأیید کرد که دو ماه بعد مجمع داشته باشیم، بخشی از قانون اجرا شد. چون مجمع قبل ترازنامه را تصویب نکرد، تصویب جلسات فوق العاده را که در دستور بود، تصویب نکرد. بنابراین تا هیأت مدیره تصویب نکند، جلسات مجمع تشکیل نمی شود. توضیح مطلب به این ترتیب است که چون در مجمع شخصیت هایی حضور دارند که تغییر می نماید. به لحاظ حقوقی چون افراد مجمع تغییر می کنند...

این بحث در همه جا حاکمیت دارد که مجمع در رأس امور است بنابر قانون - هیأت مدیره رأی مجمع را دارد و به لحاظ رأی مجمع مکلف است تصمیم گیری نماید. اما مجمع عمومی چون افرادش متغیر است، دموکراسی ایجاب می کند که حقوق اشخاص محترم بماند. مجامع دیگر نمی توانند تصمیم بگیرد. این یک تناقض است و اختلاف نظر بین بنده و مجموعه کسانی که گفتند تشکیل مجمع به تصویب هیأت مدیره نیاز ندارد، همین است. آقایان هم در

علاوه یک نفر جلسه را رسمیت می بخشد که بنا بر اعلام نظر محترم و با توجه به اشکال قانون ما معمولاً در نوبت اول مجامع از نظر تعداد به حد نصاب قانونی نمی رسیم و مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده از این لحظه پایان می یابد ولی تا ساعت ۱۹ بعد از ظهر سالن در اختیار ما است و می توانیم از سخنان عزیزان منجمله جناب آقای مهندس غرضی بهره مند شویم. لذا چون این مجمع به نصاب قانونی نرسیده است برخلاف مجمع قبلی مورخ ۸۰/۵/۲۷ که مصوب کرده بود که ۲ ماه بعد جلسه مجمع عمومی به طور فوق العاده داشته باشیم و بنا به این حکم به عنوان حکم مجمع عمومی به عنوان بالاترین مرجع تصمیم گیری سازمان که حتی نیاز به مصوبه هیأت مدیره نداشت، جلسه را تشکیل دادیم ولی تشکیل نوبت دوم این مجمع به تصمیم هیأت مدیره بستگی دارد و اگر دیدید که بین این مجمع و مجمع دوم فاصله افتاد، تقصیر را به گردن کسی نیاندازید. متأسفانه بعضی از دستگاههای دولتی که برابر این قانون ناقص دارای اختیارات فراوانی هستند دنبال اختیارات فراقانونی هستند و در مصوبه مجمع عمومی که برای سازمان و شخص رئیس سازمان لازم الاجرا است، دخالت ناروا کرده بودند. هیأت مدیره شأن و مأموریتش ناشی از رأی اعضا است و اعضا هستند که رأی می دهند و بنده عضو هیأت مدیره شدم. چگونه است که رأی مجمع در مورد انتخاب هیأت مدیره نافذ است اما در جایی که مجمع باید تصمیمی بگیرد رأی این مجمع باید برای تصویب به ارکان زیر دست برود. خوشحال هستم که مجمع برگزار شد و از ایجاد یک بدعت ناروا جلوگیری شد، اگر ما تن به فشارهای وارده داده بودیم هر قدرتی برای خودش حق و توری مصوبات مجمع عمومی سازمان را قائل می شد. از این لحظه

پس از تلاوت آیاتی از کلام... مجید و اعلام برنامه از آقای مهندس بهاءالدین ادب به عنوان رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران دعوت شد تا برای اداره جلسه در جایگاه حضور یابند. وی پس از حضور در جایگاه با تشکر از خانمها و آقایانی که تشریف آورده اند و در مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت کرده اند و در اجرای مصوبه مجمع عمومی عادی مورخ ۸۰/۵/۲۷ با هیأت مدیره همکاری نموده اند تشکر کردند، ایشان تذکر دادند که این جلسه پیرو حکم مجمع و مصوبه مجمع عمومی عادی مورخ ۸۰/۵/۲۷ و مطابق قانون افتتاح می شود و ادامه دادند برابر قانون و آیین نامه لازم است اعضا حاضر از بین خود دو نفر را به عنوان ناظر و یک نفر را به عنوان منشی جلسه انتخاب نمایند. [در این لحظه آقای مهندس غرضی از بین حضار با صدای بلند بیان داشتند که جلسه قانونی نیست و نباید شروع شود و رئیس مجمع را غیر قانونی می دانست. که اظهارات وی مورد اعتراض حاضران قرار گرفت].

آقای مهندس ادب به آقای مهندس غرضی اظهار داشتند که در موقع خودش وقت برای اظهار نظر به ایشان داده خواهد شد. ناظران جلسه دکتر محمد عدالتخواه و دکتر رضا بهبهانی پیشنهاد شدند و با اکثریت آرای حاضران انتخاب شدند. دکتر طغرل میرابراهیمی نمین برای منشی جلسه داوطلب شد و با اکثریت آرای حاضران انتخاب گردیدند.

مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده با حضور دو نفر ناظر و یک نفر منشی منتخب مجمع عمومی کار خود را آغاز نمود. آقای مهندس ادب اظهار داشتند برابر آمار دریافتی سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران حدود ۲۵۰۰۰ نفر عضو دارد که حضور نصف به

روزنامه نوشتند بنا بر مصوبه هیأت مدیره... باید به عرض سروران برسانم، که دعوت و تشکیل این جلسه غیر قانونی است و ۵۰۰ نفری که اینجا هستند نمی‌توانند برای ۲۵۰۰۰ نفر تصمیم‌گیری نمایند. بنده به عنوان رئیس نظام مهندسی کشور دارای مسئولیت‌هایی هستم. برطبق ماده ۱۱۹ آیین‌نامه اجرایی قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان نظارت بر عملکرد نظام مهندسی استانها برای حفظ شئون و اموال سازمان... و ارائه توصیه‌های لازم به نظام مهندسی استانها از مسئولیت رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان کشور می‌باشد. بنده هم تکلیف دارم. هم قانون را ارائه کردم... نه این هیأت رئیسه و نه این رئیس اختیارات ندارند بعد از آن که در رأی‌گیری که آقای مهندس ادب ۱۲ رأی و آقای دکتر ماجدی هم ۱۲ رأی آوردند هیأت رئیسه فعلی ساقط است.

سپس مهندس ادب در پاسخ اظهار داشتند: مجمع تعریف دارد و اشخاص در اینجا نقشی ندارند. لذا تا انتخابات هیأت رئیسه بعدی این هیأت مدیره رأی به انجام وظیفه هیأت رئیسه داده است. اگر ما به فرمایشات آقای مهندس غرضی عمل می‌کردیم، این مجمع را چه کسی اداره می‌کرد و اعمال روزمره سازمان را چه کسی انجام داد؟

سخنران بعدی مهندس برخوردار بود که گفت: بنده اولین بار است که پشت تریبون آمده‌ام... به عنوان یک کوچکتر در جمع پیشکسوتان یک سؤال دارم. نباید نشریه پیام فقط برای گرفتن پول باشد. بیاید در سازمان یک سیستم ایجاد نمایید. بنده موظف هستم حرف دل مهندسان را بزنم. این برگه‌ها متأسفانه عملاً دست خود مهندسان نمی‌رسد، کار در دست مهندس نیست و تعرفه عملی نیست. چطور برای گرفتن تراکم فیش داده می‌شود. در رابطه با این تعرفه‌ها، سیستمی را اجرا کنند که مهندسان از طریق شهرداری معرفی شوند و وجه مربوط به مهندسی با یک فیش پرداخت شود. این راه حل منطقی است. مشکلات و سیستمی که داریم قدرت اجرایی کامل ندارد... می‌دانیم که زحمت می‌کشند. من نمی‌دانم که مشکلات در اجرای سیستم در سازمان چیست؟

سخنران بعدی مهندس فاطمی بودند، وی گفت: بنده یک بحث را می‌خواهم مطرح کنم و آن این است که یکی از وظایف مجمع بررسی عملکرد هیأت مدیره است. در این گرد و غباری که در روزهای اخیر پیش آمده... خیلی جالب است که چند گروه مشکلات خود را به این قانون ارجاع می‌دهند. دوستان می‌دانند که در انتخابات هیأت رئیسه رأی ۱۲، ۱۲ شده است. فرض کنید که رأی ۱۵، ۱۰ شود. آیا کاری از پیش

می‌رود و...؟ در حالی که کارگاه پنچرگیری در تهران کار خرید و فروش برگه را انجام می‌دهد و... من و شما می‌دانیم که در هیأت مدیره چه مسائلی وجود دارد. این نمی‌تواند بدان علت باشد که همه اعضا هیأت مدیره به فکر منافع درازمدت مهندسان هستند. در هر صورت ۲۵ نفر انتخاب شده‌اند... خیلی بهتر بود که این ۲۵ نفر همدل بودند... حالا چنین نشده است. فرض کنید که یک گروه با یک رأی بیشتر در هیأت رئیسه انتخاب شود. آیا ۱۰ نفر دیگر بیکار می‌نشینند. انتخاب هیأت رئیسه نظام مهندسی مگر انتخابات ریاست جمهوری است؟ اگر نیت آنها منافع جمعی مهندسان باشد، می‌توان توافق کرد و اگر نیت چیز دیگری است که والسلام.

پس از مهندس فاطمی، مهندس تقوی شروع به سخن کرد وی اظهار کرد: دوستان مجمع عمومی با توجه به اینکه هیأت مدیره برای اولین بار شرح فعالیت مالی‌اش را برای مجمع عمومی ارسال کرد، شما دوستانی که در مجمع عمومی حضور داشتید به عدم تصویب ترانزنامه رأی دادید که با انتخاب حسابرس حسابهای سازمان بررسی و رسیدگی شود. بنابر این فکر نمی‌کنم هیچ یک از دوستان این تداعی را در ذهن داشته باشند که مجمع هیأت مدیره را منحل کرده باشد. والا مجمع عمومی گذشته هیأت مدیره را مأمور پیگیری کار حسابرسی و رسیدگی به حسابهای سازمان نمی‌کرد. همانطور که می‌دانید انتخابات هیأت رئیسه در سازمان در یک جلسه رأی‌گیری به نتیجه نرسیده است و آقای مهندس غرضی و دوستان ایشان در جلسات بعد شرکت نکرده‌اند و به دلیل عدم رسمیت جلسات هیأت مدیره، انتخابات هیأت رئیسه انجام نشده است. آقای مهندس غرضی شما که می‌خواهید مانع تجمع قانونی مهندسان شوید به کدام مجوز ده میلیون تومان در جریان انتخابات شورای شهر تهران هزینه نمودید... [در این لحظه آقای مهندس ادب، به عنوان ریاست جلسه از سخنرانان خواهش کردند که از صحبت‌های تفرقه افکن پرهیز کنند و شأن جلسه را حفظ کنند].

وی ادامه داد که کشیده شدن پای شورای امنیت ملی با درخواست وزارت مسکن قابل تأمل است، بعد از چهار سال که در دولت آقای خاتمی برای ایجاد و گسترش نهادهای مدنی تلاش شده است. تقاضا دارم که مجمع حاضر با ارسال نامه‌ای به ریاست محترم جمهوری نسبت به برخوردهای وزارت مسکن با سازمان و واکنش لازم صورت بگیرد و همچنین خواسته شود که هرچه زودتر مدارک انتخابات هیأت مدیره از سوی وزارت مسکن به سازمان ارسال گردد.

سخنران بعدی مهندس جهانشاهی بودند، وی ضمن اشاره به تقلیل حضور اعضا در مجمع عمومی اظهار داشت: بنده یکسالی است که عضو سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران شده‌ام. قبلاً در شهرستان فعالیت مهندسی داشتم. آنچه در دو جلسه‌ای که حضور داشتم دیدم جدالی است که برایم روشن نیست و منافع جمع و منافع ملی در آن نهفته نیست. ما یک سازمان صنفی هستیم که منافع خودش را می‌خواهد. این سازمان باید پیشرو سازمان فنی مملکت باشد. عزیزان من حرفی بزنید که به درد مهندسان بخورد. چرا جلسه شما باید چنین ریزی داشته باشد. طبیعی است که اعضا منافع خودشان را در این جلسات نمی‌بینند. بنده دیدم که آقای مهندس ادب از موکلان خودش دفاع می‌کند، نسبت به ایشان حسن ظن دارم و از ایشان می‌خواهم که مشکلات را شفاف بیان نمایند.

اگر وضع چنین شود که در زاویه بسته منافع خودمان به یکدیگر اتهام بزنیم. به نتیجه نمی‌رسیم. الان در نابسامانی برگه‌ها، به چه دلیل آقای مهندس غرضی، فارغ‌التحصیل رشته دکور می‌بایستی توسط وزارت مسکن و شهرسازی اجازه نظارت بر ساختمان داشته باشد. گمان می‌کنم قوانینی که به آن اشاره کردید باید دگرگون شود. امروز آن زمان نیست که شما نظام مهندسی ساختمان را دایر کردید. در شلوغی مشکل کسی حل نمی‌شود.

سخنران بعدی مهندس علیرضا سرحدی بود که پشت تریبون قرار گرفت وی اظهار داشت: بنده در مورد خود این نکته را بگویم که عضو علی‌البدل هیأت مدیره هستم و بدون حق رأی در جلسات هیأت مدیره حضور دارم و نسبت به مسائل آشنا هستم. می‌خواهم مسئله را برای دوستان توضیح دهم. آنچه که ما می‌فهمیم وضع نابسامانی است که می‌بینیم. ساخت و سازهای شهری روز به روز به قهقرا می‌رود. در حال حاضر یک سری ساختمان در شهر در حال ساخت می‌باشد که هیچگونه کنترلی بر آنها نیست. وضعیت آزمون‌هایی که در حال برگزاری است ناراحت‌کننده است. ما در این شرایط سازمان نظام مهندسی داریم که به مسائل اعضا نپرداخته است. هیچ کدام از ما هیچ سایه‌ای از نظام مهندسی ساختمان در زندگی حرفه‌ای خود احساس نمی‌کنیم با قانونی که بند ناف آن به وزارت مسکن وصل شده است. در گذشته همیشه مسائل سازمان به خوبی و خوشی حل می‌شده چه شده که امسال مسائل این سازمان تبدیل به مشکل شده است. عزیزان یک سال است که در سازمان آدم‌های جدیدی آمده‌اند که حرف می‌زنند و این اتفاق خوبی است که در کشور و در سازمان افتاده است و باید اصلاحات

جناب آقای مهندس غرضی خواهش می‌کنم که بحث قانون و قانون مداری را به وزارت مسکن گوشزد نمایند که ما سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران هستیم. باید سازمان مسکن استان تهران بر طبق قانون بر کار ما نظارت عالی داشته باشد. به چه مناسبت وزارت مسکن در بخشی از موارد خودش وارد عمل می‌شود و بر کار آن نظارت می‌نماید ولی آن زمان که ما باید به نسبت اعضا در شورای مرکزی نماینده داشته باشیم، وزارت مسکن این حق را ادا نمی‌نماید. چرا وزارت مسکن انتخابات ما را برگزار می‌کند؟ و چرا بر طبق ماده ۷۰ قانون مدارک انتخابات را به ما تحویل نمی‌دهد؟ و چرا هر وقت که می‌خواهد وزارت محترم مسکن و شهرسازی به شورای امنیت کشور نامه می‌نویسد و... ببینید اگر فضا آرام باشد بحث می‌کنیم و پاسخ اندیشه را با اندیشه می‌دهیم.

بعد از آقای مهندس ادب سرکار خانم سربازی تقاضا کردند تا مجمع عمومی بازرسی‌هایی را تعیین کنند که به دفاتر واسطه‌ها سرکشی کنند و جلوی فعالیت مخرب این دفاتر را بگیرند همچنین مجمع عمومی سازمان در تاریخ و زمان مشخص همه ساله برگزار شود تا دوستان بتوانند حضور داشته باشند.

سخنران بعدی مهندس هاشم زاده همایونی بودند وی گفت: صحبت‌هایی مطرح شد در عین حال فکر می‌کنم برای تعداد زیادی از اعضا بسیاری از مسائل سازمان هنوز مبهم است. معلوم است که اختلافاتی وجود دارد. باید اول به اختلافات احترام بگذاریم و اکثریت حق اقلیت را ضایع نکند و... مهمترین موضوع در جلسات هیأت مدیره که بنده به عنوان بازرسی علی‌البدل در آن جلسات شرکت می‌کنم این است که متأسفانه در این اختلافات خیلی از قوانین رعایت نمی‌شود. استفاده ابزاری از قوانین قابل قبول نیست... بنده بخشی از تناقض‌هایی را که در این جلسات وجود دارد عرض می‌کنم. جلسات هیأت مدیره بعد از برگزاری مجمع عمومی عادی مورخ ۸۰/۵/۲۷ با ابستراکسیون اقلیت مواجه شد. بعد از اینکه رأی ۱۲ به ۱۲ و یک رأی سفید داشتیم، یکی از آقایان به صراحت اعلام کرد که این هیأت مدیره غیرقانونی است.

و برای این که جلسات هیأت مدیره برای انتخاب هیأت رئیسه حد نصاب لازم را نیاورد در جلسات بعدی شرکت نکردند و این بار گفتند که هیأت رئیسه غیرقانونی است. عزیزان راه حل ارائه دهید... یک راه حل اجرایی شفاف ارائه دهید... مسئله دیگر اعلام عدم رسمیت این جلسه است، درست است که مجمع عمومی عادی باید به دعوت هیأت مدیره برگزار شود، سؤال این است که چرا تعدادی از اعضای



گرفته و اظهار داشت: طبیعی است که وقتی یک نفر بیست سال کاری را دنبال می‌کند، مسائل و مشکلات را به همراه می‌برد و طبیعتاً نمی‌تواند همه را هم قانع نماید. فرض کنید بنده رفته و نظارت را از متری ۱۵۰ تومان به رقم ۳۰۰۰ تومان رساندم و طبیعی است که فکر کردم که در سراسر کشور حتماً نظامات مهندسی ساختمان بروند در شورای شهر قرار بگیرند. الان در کمتر شهری است که اعضای سازمان عضو شورای شهر نباشند بله بنده رفته و کاندیدا شدم، رأی آوردم و عضو شورای شهر شدم و بعد استعفا دادم. من امروز ذهنیتیم بعد از ۶۰ سال و اینکه ۴۰ سال متوالی کار اجتماعی کرده‌ام این است که حتماً باید سازمانها بر اساس قانون حاکم و موجود عمل نمایند و نه بر اساس مفاهیمی که از ذهن اشخاص بیرون می‌آید تا یک نقطه اتکایی داشته باشیم. از من که گذشته است اما نقطه اتصال اصلی در ارتباط با سازمان و اعضا حتماً باید قانون باشد. ذهنیتی که می‌گوید قانون خود به خود می‌تواند اجرا شود به لحاظ سازمانی غلط است. حتماً باید ناظر داشته باشیم. منطقاً در تأیید ناظر بحث است. می‌گویند چرا وزارت مسکن ناظر باشد. چرا اعضای خودمان ناظر نباشند. جواب حقوقی این است که ناظر باید بر رأی قاطع مردم متکی باشد و نمی‌تواند بر رأی گروه موجود متکی باشد. مادر سال گذشته این طور نبودیم و در یک سال گذشته اختلاف باعث شد که این اتفاق بیافتد. می‌خواهم به عرض عزیزان برسانم که قانون بعد از ۲۰ سال با صرف وقت فراوان نوشته شد و در اجرا دچار مشکلاتی است.

در ادامه، آقای مهندس ادب در پاسخ به اظهارات آقای مهندس غرضی، گفت: بنده از

صورت بگیرد. این اعتراض‌ها به هیأت مدیره هم رفته است. کسانی که به مشکل قبل عادت داشته‌اند و سازمان رئیس و تعدادی اعضا داشته و مسائل با سلام و صلوات حل می‌شده، حالا باید پاسخگو باشند. دوستان در شرایطی که ما مشکل داریم نباید هیأت مدیره ۲ ماه تعطیل شود سر این که چه کسی رئیس باشد و اگر من نباشم سازمان نباشد و...

پس از سخنان وی مهندس ادب توضیح دادند که حتماً باید اختلاف سلیقه وجود داشته باشد و اقلیت و اکثریتی باشد و اقلیت کار اکثریت را نظارت کند. فضای پرسشگری فضای خوبی است و بسیار مبارک است. سخنران بعدی سرکار خانم مهندس حکمی بودند، وی با اشاره به شأن و منزلت مهندسان گفت: ما تکنوکرات‌های جامعه هستیم و نیامده‌ایم که دعوا کنیم. شهرداری یک ارگان علمی و تخصصی نیست و نهایتاً سازمان نظام مهندسی باید به این ساخت و سازها نظارت کند. نباید نظارت به شکل فعلی باشد... عملاً هیچ آدم حرفه‌ای این طرح‌های موجود را که در حال اجرا است نمی‌پذیرد... مسلماً مهندس تازه کار شده نمی‌تواند کارهای با مترآزهای بالا را انجام دهد. اما می‌تواند در طراحی مترآزهای متداول فعال و خلاق باشد. خواهشمندم نظام مهندسی قدرت اجرایی داشته باشد... و با حذف دلالتان، بازار را به دست بگیرد. مهندس ناظر باید باشد ولی باید روی مجری ذیصلاح تأکید شود. واقعاً نباید مجوز قانونی برای استفاده از کارگرهای غیرماهر داده شود و... باید به این مسائل بیشتر بها دهیم.

سیس آقای مهندس غرضی برای پاسخ به مسایل مطرح شده مجدداً پشت تریبون قرار

محترم هیأت مدیره به تصمیم مجمع عمومی احترام نگذاشتند و حتی در جلسات حضور نیافته‌اند. بنده اعتقاد دارم که نظام مهندسی در حال پوست انداختن است و کم کم دارد به استقلال و مراحل غیرسیاسی شدن می‌رسد.

پس از ایشان مهندس ادب خاطر نشان ساخت درخصوص تشکیل شرکت تعاونی مسکن اعضا اطلاعیه‌ای در نشریه چاپ شده است. که انشاءالله اعضا سازمان به عضویت این تعاونی مسکن دربیایند.

سخنران بعدی مهندس یکی تا گفت: بزرگترین سازمان یا نهادی که در ایران وجود دارد، سازمان نظام مهندسی است. در تمام دنیا این مهندسان هستند که جوامع را اداره می‌کنند. بنده از این نوع جلسه‌ای که از ۲۵۰۰۰ نفر این تعداد حدود یکهزار نفر شرکت کرده‌اند برداشت و تحلیلی دارم که عرض می‌کنم، بیایم و به تعاریف توجه کنیم... بنده قبول دارم که سازمان نظام مهندسی که به لحاظ معدل تحصیلات بالاترین سازمان است، حتی بالاتر از وزارت مسکن است.

به فرض اینکه وزارت مسکن بخواهد بر عملکرد این سازمان نظارت نماید، از نظر عملکرد باید خود وزارت مسکن و شهرسازی ابواب جمعی همین سازمان باشد. ببینیم که وزارت مسکن و شهرسازی این آیین‌نامه‌ها را رعایت می‌کند یا خیر؟

مشکل ما اینجاست که وزارت مسکن و شهرسازی اجازه نمی‌دهد که سازمان یک نهاد مدنی واقعی باشد. ما در قرن ۲۱ زندگی می‌کنیم و انتخابات ما را مانند انتخابات قرن ۱۹ انجام می‌دهند. ما باید بتوانیم انتخابات خودمان را داشته باشیم و بعد یکی از ابواب جمع‌های این سازمان باید وزارت مسکن و شهرسازی باشد و بر عملکرد آن نظارت نماید.

در این زمان یادداشت‌های واسله در خلال جلسه مجمع عمومی، توسط مهندس ادب قرائت و توضیح داده شد. به شرح زیر:

به واقع حق اعضا است که از همه چیز مطلع باشند. بنده به عنوان یک عضو کوچک سازمان می‌گویم که نشریات سازمان را ببینید که در همه موارد در خط قانون حرکت کرده‌ایم. خصوصاً هیأت مدیره و هیأت رئیسه... ببینید که ما چند نامه به وزارت مسکن و شهرسازی نوشته‌ایم و به مسائل اساسی ما جواب نداده است ولی می‌خواهد وزارتخانه به جای اعضای هیأت مدیره تعیین تکلیف نماید.

رئیس جمهور محترم نامه سرگشاده اینجانب را ظرف مدت دو روز به وزارت مسکن و شهرسازی ارجاع فرمودند... که وزارت مسکن و شهرسازی تا امروز که دو ماه از تاریخ

نامه می‌گذرد هنوز در این رابطه پاسخی نداده است. بر بنده که نارسائی قانون رادیده‌ام تکلیف است و انشاءالله به صورت طرحی که به مجلس تقدیم می‌شود نقاط ضعف قانون برطرف شود. ما حق تفسیر قانون را نداریم همانطور که کارکنان وزارت مسکن هم این حق را ندارند. برابر ماده ۱۲۳ قانون وزیر مسکن اختیاراتی دارند، چرا وزیر محترم مسکن و شهرسازی در این رابطه اقدامی نکرده‌اند و مدیرکلی که اصلاً حقی نداشته‌اند، دخالت کرده‌اند... بنده در حضور جمع شما اعلام می‌کنم که بنده وزیر محترم مسکن و شهرسازی را در این مجمع و جمع‌های بزرگتر برای دفاع از مهندس و مهندسان به مناظره دعوت می‌کنم.

سازمان نظام مهندسی یادگرفته که ابزار دست کسی نباشد. کما اینکه امروز حضور شما باعث شد که برخلاف نامه مدیر کل وزارت مسکن و شهرسازی که به شورای امنیت نوشته بود، این جلسه برگزار نشود، لیکن، باحضور و همت شما مجمع برگزار شد. یک نفر از اعضای حاضر پیشنهاد داده‌اند که امتحان از پایه ۲ به بالا حذف شود و براساس سوابق کار عمل شود و... یادداشتی داده‌اند راجع به شرح خدمات مهندسان نقشه‌بردار که در این رابطه اقدامی توسط وزارت مسکن و شهرسازی انجام نشده است. بنده از کسانی که در جهت وفاق تلاش

می‌نمایند، تشکر می‌کنم. یادداشتی داده‌اند که جمع فرهیختگان باید شأن والایی داشته باشند که چنین است. یادداشتی داده‌اند و خواسته‌اند که اعضا برای حضور در جلسات مجمع عمومی به روش معین الزامی شود. در گذشته خیلی نزدیک کمتر از ۵۰ نفر به مجمع می‌آمدند که حالا جای سپاس و تشکر دارد که تعداد حدود یکهزار نفر در جلسات شرکت می‌کنند... یادداشتی که عیناً می‌خوانم و قضاوت را برعهده شما می‌گذارم.

جناب آقای مهندس ادب، باسلام، جنابعالی که به عنوان نماینده مجلس اعتقاد دارید که استاندار کردستان باید کرد و سنی باشد، و آن بازی‌ها را در مجلس درآورده‌اید پس باید رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران تهرانی و شیعه باشد. بنده به این دوست عزیز می‌گویم که اینجا بنده با رأی مردم انتخاب شده‌ام. در کردستان هم نماینده مردم و مبین نظریات مردم هستم. مردم می‌گویند که چرا از شایستگان کرد استفاده نمی‌شود؟ دفعه بعد هم اگر رأی دادید در خدمت شما هستم و بنده برای تمام مردم ایران، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، شیعه و سنی و کرد و غیرکرد آرزوی توفیق و سلامتی دارم.

نخستین همایش معماری صنعتی ایران

مادر و تولید کالایی موجود ایران را در خود جای داده‌اند بر میلیون‌ها متر مکعب فضای ساخته شده بالغ می‌گردد. به استثنای بخش کوچکی از آن که بر اساس اصول و مبنایی قابل قبول و روزآمد فنی به طور اعم و معماری به طور اخص بنا گردیده است، بخش اعظم آن را یا ابنیه کهنه، فرسوده و از رده خارج قدیمی تشکیل می‌دهند و یا اصولاً به ساده‌ترین شکل و کم‌هزینه‌ترین مصالح ساختمانی سرهم بندی شده‌اند.

ابنیه از رده خارج، صنایع قدیمی ایرانند که نه تنها از لحاظ ساختمانی بل از لحاظ فن آوری و ماشین‌آلات نیز کهنه و قدیمی‌اند و نیاز به نوسازی و یا حتی دوباره‌سازی گسترده دارند. صنایع نساجی نمونه بسیار روشنی از اینگونه صنایع به شمار می‌آیند.

بزرگترین و پرتعدادترین بدنه ابنیه صنعتی ایران به بیش از ۲۵۰۰۰ واحد جدید الاحداثی تعلق دارند که در قالب حدود ۲۵۰ شهرک صنعتی و یا درون بافت‌های شهری شکل گرفته‌اند. این بناها در بهترین حالت چیزی جز یک سالن سوله ساده با حداقل فضاهای خدماتی نیستند که به دلایل متعدد از جمله کمبود منابع و اعتبارات مالی سرمایه‌ای و ناچیزی نسبی بازده اقتصادی و نامطمئن بودن برگشت سرمایه و بالاخره نبود فرهنگ استفاده از معماری شکل گرفته‌اند. منابع مالی و سرمایه‌ای قلیل تنها کفاف تأمین ماشین‌آلات اصلی و غیر قابل اجتناب و تأسیسات اولیه را کرده است تا در این حال بدیهی است ملاحظات معمارانه، زیبایی شناسانه، رفاهی و سایر جنبه‌های دور نگرانه از آخرین اولویت‌ها برخوردار گردند. آشکار است چرا استفاده از سالن سوله، که کم‌هزینه‌ترین و سریع‌ترین وسیله دستیابی به یک فضای سرپوشیده می‌باشد، در این سطح گسترده مورد اقبال صاحبان صنایع تازه متولد واقع گردیده است و رعایت ملاحظات اصول معمارانه در ساخت این فضاها به فراموشی سپرده شده است.

اما نکته مهم در این میان آن است که این فضاهای سرهم‌بندی شده و فاقد اصول اولیه معماری، فنی و کیفیتی همچون جینی در بطن خود، نطفه اغلب صنایع حیاتی و به شدت مورد نیاز اقتصاد ملی را می‌پرورند. دیری نخواهد گذشت که با مساعدتر شدن شرایط اقتصادی و



دکتر اصغر ساعد سمیعی و دکتر علی اکبر صارمی

۴. ... جور دیگر باید دید- مهندس کیومرث بیات
 ۵. شهرک‌های صنعتی و ضوابط قانونی احداث آن- مهندس مهین جعفری
 ۶. داشتیم صنعتی می‌شدیم- دکتر سیروس باور
 ۷. چگونگی طراحی برای صنعت- مهندس سوسن یزدانی
 ۸. نیروگاه برق آبی کرخه- مهندس مهدی فروغمند اعرابی
 ۹. فضای صنعتی و روابط انسانی- دکتر بهروز بیرشک
 ۱۰. ساختمان‌های هوشمند- مهندس عباس اکبری
 ۱۱. فضاهای صنعت و نارسایی‌های موجود- دکتر سیاوش تیموری
- در فواصل ارائه مقالات، چند فیلم از ساختمان‌های صنعتی که اخیراً در ایران اجرا گردیده است به نمایش گذاشته شد.
- در پایان، جلسه پرسش و پاسخ به سرپرستی دکتر سیاوش تیموری و مهندس سید علیرضا قهاری (دبیر همایش) و خانم مهندس انوشه منصوری (رئیس هیأت مدیره کانون) برگزار گردید و پیام اختتامیه توسط دبیر همایش، به شرح زیر قرائت شد:
- حجم کنونی ابنیه‌ای که تنه صنایع زیربنایی،

نخستین همایش معماری صنعتی ایران در تاریخ ۱۴ آبان ماه جاری به همت کانون مهندسان معمار دانشگاه تهران در سالن اجتماعات خانه هنرمندان ایران برگزار گردید. در این همایش که جمعی از استادان و صاحب‌نظران عرصه معماری و علوم وابسته و نیز صاحبان صنایع و کارفرمایان حضور داشتند، مباحث مربوط به معماری ساختمان‌های صنعتی و لزوم نگرش جدید به این مقوله مورد بررسی قرار گرفت.

هیأت علمی همایش عبارت بودند از آقایان دکتر ایرج اعتصام، دکتر سیروس باور، دکتر سیاوش تیموری، دکتر اصغر ساعد سمیعی، دکتر ایرج شهروز تهرانی، دکتر علی اکبر صارمی، دکتر محمد منصور فلامکی و دکتر حسین گلابیان.

در این همایش که موضوع‌های مربوط به معماری صنعتی ایران در سه محور مفاهیم و آموزش، طراحی و ساخت، و بهره‌برداری و ارزشیابی مطرح گردید، مقالات ارائه شده عبارت بودند از:

۱. معماری صنعتی و معماری برای صنایع- دکتر محمد منصور فلامکی
۲. صنعت و مسئولیت اجتماعی معماران- مهندس مهدی عباسی
۳. معماری صنعت، توسعه و آموزش - مهندس سید حمید نوحی



طی شدن دوران گذار کنونی، این نطفه هارشد و توسعه سریع خود را آغاز نمایند. بدیهی است که رسیدن به صنعت پیشرفته و روزآمد که بتواند ضمن تأمین نیازهای به سرعت فزاینده بازار ملی، ورودی موفق و پایدار به بازارهای جهانی داشته باشد، بدون تأمین استانداردهایی که در آن جنبه‌های محیط زیستی، مطالبات نیروی کار و مدیریتی و حداکثر بهره‌وری رعایت گردیده شده باشد، ممکن نخواهد بود. و این امری است که بر خوردی مسئول و دورنگرانه را طلب می‌کند. بدین ترتیب می‌توان ابعاد مشروحه زیر را برای شناخت توسعه معماری صنعتی ایران ترسیم نمود:

۱. معماری صنعت دارای ابعاد تخصصی، حرفه‌ای و آموزشی ویژه خود است، پاسخ‌های معمارانه مناسب به نیازمندی‌های در حال گسترش این رشته، نیازمند پیشرفت و ارتقای روش‌شناسی، دانش علمی، تجربیات فنی، روانشناسی فردی و اجتماعی، روانشناسی کار، جامعه‌شناسی تولید، بهداشت محیط، امنیت حرفه‌ای و به طور کلی علوم رفتاری است.

۲. با رشد شتابان و گسترش و پیچیدگی روزافزون عرصه‌های علمی و توسعه فن‌آوری‌ها و تنوع فرایندهای تولیدی روز به روز بر تنوع و پیچیدگی طراحی و اجرای این گونه ابنیه افزوده می‌شود. به علاوه مطالبات اجتماعی عوامل انسانی تولید اعم از مدیران، کارگران، کارمندان، مهندسین و صنعتگران و فرهنگ و سلیقه عمومی در این زمینه مرتباً در حال افزایش است.

۳. به سبب نیاز کشور به صنایع و کارخانجات پیشرفته و مدرن و غنی بودن سرزمین ما از لحاظ منابع اولیه خداداد ناگزیر حرکت بخش طراحی به ویژه معماری به عنوان آغازکننده طرح‌ها به سمت صنعت اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. علیهذا هرگونه سرمایه‌گذاری بیشتر حول تربیت معماران صنعتی و اهمیت دادن به نقش آنها، کشور را در آینده از پشتوانه محکمی در حیطه یکی از نیازهای حتمی آن برخوردار خواهد ساخت.

۴. اولیاً امور و مجریان پروژه‌های بزرگ و کوچک در کشور، حضور معماری را از ابتدای پروژه جدی تلقی کنند تا هر پروژه در جای خود یک اثر پرمعنا و دارای مفاهیم ارزشمند فرهنگ غنی ایران باشد. اگر در معماری صنعت عناصر به جا و با تفکر انتخاب شوند، حتی بحث هویت ملی را می‌توان با بکارگیری عناصری که متذکر هویت‌ها باشند، مطرح کرد.

۵. اگر هر تکنولوژی وارداتی را یک اثر بدانیم، این اثر بایستی در مکانی استقرار یابد. مکان مربوطه، معماری می‌خواهد و معماری

۹. فرهنگ تولید و توسعه و آموزش حین کار در فضای تولیدی میدان خوبی برای رشد دارد. به علاوه واحد تولیدی، مرزهای فضایی-طبقاتی را موقتاً (در مکان و زمان) و به طور مقطعی در هم می‌ریزد و فضایی فراهم می‌آورد که عوامل انسانی تولید از طبقات گوناگون (فردست و فرادست و میانی) در یک فرایند تولیدی با هدفی مشترک گردهم می‌آیند و رابطه‌ای ارگانیک مابین آنها برقرار می‌شود. در این رابطه حیاتی، کیفیت‌های فضایی جدایی ساز، محو و یا قابل عبور می‌گردد. معماری خوب صنعتی می‌تواند کمک بزرگی به ارتقاء روابط انسانی در این سطح نماید.

۱۰. برنامه‌های آموزش عالی در زمینه معماری صنعت می‌بایست گسترش یابد و اگر نمی‌توان آن را به صورت رشته مستقل در درون ساختار دانشکده‌های هنر و معماری شکل داد، این قابلیت را دارد که به عنوان یک گزارش مستقل با دروس ویژه خود در دوره کارشناسی ارشد تلقی شود.

۱۱. اختصاص بخشی از دروس و فعالیت‌های آموزشی در مدارس و رشته مرتبط به موضوع صنعت، محیط زیست و... برای تأمین نیروی تخصصی مورد نیاز ضروری است. در این راه باید از تجربه معدود کسانی که در امر معماری و ساخت بناهای صنعتی صاحب تجربه‌اند نهایت استفاده به عمل آید. به علاوه تشویق، ترغیب و هدایت دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری رشته معماری، جامعه‌شناسی و... برای پرداختن به موضوعات و مشکلات مبتلا به صنعت می‌تواند این مقوله را به طرز مناسب هدایت نماید.

مناسب همراه با تکنولوژی وارداتی می‌تواند مبدع اثر جدیدی باشد که در حوزه هنر و فرهنگ محل جدید حل شده و در تضاد با هم قرار نگیرند.

۶. اقدامات گسترده می‌بایست برای تبدیل به احسن و روزآمد کردن و گسترش توده عظیم ساختمان صنایع کوچک و متوسط که در دو دهه اخیر با توسل به کم‌هزینه‌ترین و ساده‌ترین وسایل و مصالح احداث گردیده و اغلب فاقد حداقل استانداردهای مورد نیاز می‌باشند به عمل آید و بازسازی و نوسازی ابنیه صنایع قدیمی و فرسوده (اعم از دولتی و خصوصی) مورد توجه قرار گیرد.

۷. تقویت و ایجاد نهادها و مؤسسات تحقیقاتی برای بررسی چون و چند مشکلات مربوطه و همچنین تدوین استانداردهای ملی، محلی، موضوعی و بخشی مربوط به ابنیه صنعتی می‌تواند راهگشا باشد به علاوه بازنگری و روزآمد کردن قوانین و مقررات ناظر بر ساخت و سازهای ساختمانی در بخش صنایع (زیربنایی، مادر، و تولید کالایی) به شدت مورد نیاز است.

۸. وظایف معماری صنعتی بسیار فراتر از طراحی سایت و ساختمان‌ها با کاربری‌های گوناگون است. نقش حساس معماران صنعتی ایجاب می‌نماید که در ارائه هر پیشنهاد و طرح، پیش‌نیازهایی را فراهم آورده باشند. شناخت و زندگی در محیط‌های صنعتی و کارگری و درک مستقیم روح و مفاهیم رایج در آنها، طراحی متناسب با ویژگی هر صنعت و فضاهای مرتبط با آن، کنترل و ایجاد نسبت‌های متعادل بصری، از جمله پیش‌نیازهای ضروری برای دست‌یابی به یک طرح مناسب صنعتی است.

مرگ چنین خواجه نه کاریست خرد

اینک از پلکان ابدیت بالا رفته است و به ملاقات خداوندگار عالم شتافته است.

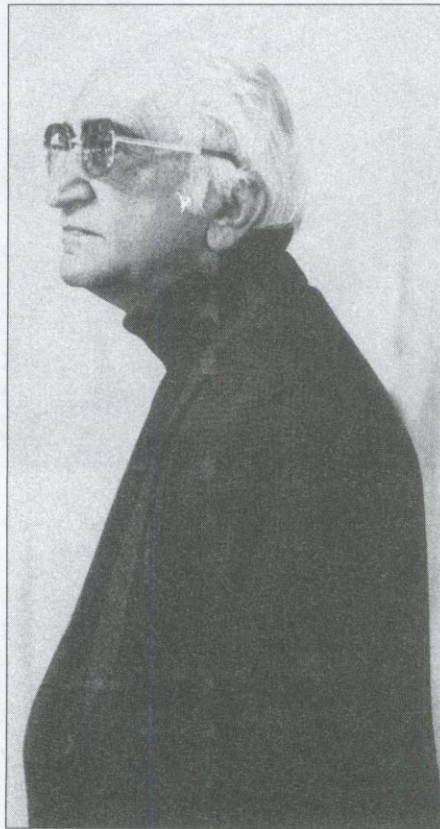
سیمین دانشور

نگاه یک همکار

او ساده بود، به سادگی زندگی کرد. به سادگی کار کرد. از تالارهای اجتماعات و مراسم، که ویتترین های سخنوری، نمایشی و خودنمایی است، گریزان بود. از هیچکس لوح، مدال و سکه نگرفت. به دفتر می آمد، گوشه ای می نشست، ساعتها می خواند و فکر می کرد. به ندرت حرف می زد. نمی شد او را به بحث کشید. حتی درباره ی کار و طرح.

یک روز با قصد، رفتیم که او را به بحث و جدل بکشیم. طرح بیمارستان ۵۴۰ تختی کرمان بود و ما تأسیساتی ها می خواستیم درباره مسیر عبور لوله ها و کابل ها با او بگویم. خندید و گفت: «هرجا لازم دارید لوله ببرید، بعد به من بدهید درستش می کنم». دست خالی برگشتیم. نمی شد او را به بحث کشید. ساعتها آرام و ساکت می نشست و با حوصله می خواند و فکر می کرد. بعد (پیش از حضور سنگین کامپیوتر) با مداد روی کاغذهای کوچک شطرنجی خط هایی جان می گرفت. خطوط کوتاه، مستقیم، زاویه دار و دقیقاً روی مربع های کاغذ شطرنجی. با این خط ها و زاویه ها فضاها آرام آرام شکل می گرفت. فضاهای سکونت، اقامت یا کار انسان.

باز روزها و روزها، و شاید شب ها، ساکت، آرام و بدون حرف می خواند و فکر می کرد و این فضاها رشد می کرد و بال و پر می گشود. مثل کودکی که بزرگ می شود. مثل گلدانی که شکوفه می دهد و به گل می نشیند. و در شکل گیری این فضاها و روابط بین آنها هزاران عامل دخالت می کرد و اثر می گذاشت و به حساب می آمد. اثر گردش خورشید در شبانه روز و در ماه های سال، تأمین نوری طبیعی، استفاده از تعویض هوای طبیعی، رعایت کدهای آتش و دود، حرکت جمعیت، مسیرهای ارتباطی انسان ها، فضاهای مورد نیاز تأسیسات، تناسب اندازه ها و شاید زیبایی و صدها عامل دیگر (اگر چیز دیگری غیر از این عوامل باشد) یک به یک در این شکل گیری دخالت می کرد. و امروز حاصل آخرین دوره مطالعه و فکر او، به صورت کتابخانه ملی ایران، روی بلندی های شمال تهران، نشسته است. توده ای آجری رنگ، بدون ادعا، بدون تکبر و خودنمایی نماهای شیشه ای



یکدم تنهائش نگذاشت، به فرزندانش که در غربت غرب به فراق او مبتلا شدند، به خواهران ارجمند و دل سوخته اش نزهت و اختر تسلیت می گویم. خودم هم نیازمند تسلیم که در اندوه این جدایی بس دلشکسته ام.

خبر را که شنیدم، هرچه شعر تسلابخش در خاطر داشتم برای خود زمزمه کردم. به امید آنکه بخشی از آن شعرها از اندوه داغداران یوسف بکاهد. آنها را برای ختام کلام می آورم.

ابری پدید نی، خسوفی نی
بگرفت ماه و گشت جهان تاری

از شمار دو چشم یک تن کم
وز شمار خرد هزاران بیش

گفت کسی خواجه سنائی بمرد
مرگ چنین خواجه نه کاریست خرد

و با این شعر پروین اعتصامی آرام شدم:
هرکه باشی و به هر جا برسی
آخرین منزل هستی اینست

و به این فکر افتادم که تنها دو مطلق در جهان وجود دارد، یکی خدا و یکی مرگ. و یوسف به هر دو مطلق رسیده است و

یوسف شریعت زاده، معمار برجسته معاصر ایران در سحرگاه پنجشنبه دهم آبان ماه هشتاد، بر اثر عارضه قلبی (در سن هفتاد و یک سالگی) چشم از جهان فرو بست و به ملکوت اعلا پیوست.

سفارش زنده یاد این بود که هزینه های برگزاری مراسم عزاداری، تدارک گل و غیره، کلاً به بخش فرهنگنامه شورای کتاب کودک اهدا شود. یوسف شریعت زاده قبلاً کالبد خود را برای استفاده علمی، پژوهشی و درمانی رسماً به دانشکده علوم پزشکی تهران اهدا نموده بود که بنا به خواست او، کالبدش تحویل دانشکده علوم پزشکی تهران شد.

خانواده ها، دوستان و همکاران شریعت زاده روز چهارشنبه شانزدهم آبان ماه در محل جامعه مهندسان مشاور ایران گرد هم آمدند و خاطره و یاد او را گرمی داشتند.

در رابطه با منش و بزرگی شادروان شریعت زاده، مطالب بسیاری به دست ما رسید که با توجه به کمبود جا، از آن میان سه مطلب نوشته سیمین دانشور، حشمت الله منصف و حمید نوحی را در زیر می خوانید.

نگاه یک دوست

گرگ مرگ، یوسف کنعانی ما، مهندس یوسف شریعت زاده را ربود.

اما او نمرده است، تنها، چشمه های را بسته است و سخن نمی گوید. او تغییر پوشش داده است و از گوشه باغهایی که ساخت به گوشه باغی دیگر رفته است. منتها گونیا و پرگار و قلم طراحی خود را جا گذاشته است. چرا که شتاب کرده است تا مسافری باشد که زودتر از ما به مقصد برسد. بر او نمی باید گریست، که عمری سیر و پر و توأم با بخشش و سازندگی را سپری کرده است و مهرورزی و دستگیری از افتادگان از فضیلت های او بوده است و این هم هست که:

شو تا قیامت آید زاری کن

کی رفته رابه زاری باز آری

تنها حیرتم در این است که یوسف سخاوتمند چرا از این پیری که منم نپرسید و تنها رفت و چهل سال دوستی را نادیده گرفت.

می دانم روح رضا شایان، خلیل ملکی، جلال آل احمد و غلامحسین ساعدی به پیشواز او خواهند آمد و ضیافت ارواح بسی رنگین تر است تا ضیافت بدن ها.

به همسر باوفا و با استقامتش شمسی که

پرطمطراق، بدون ورودی‌های پرزرق و برق که به هر تازه‌واردی فخر می‌فروشد و کوچکی و حقارت او را به رخ می‌کشد، ولی پر از پیچیدگی و راز و رمز و ناشناخته. مثل ارگ بم پر از راز و رمز، مثل تاریخ و فرهنگ این سرزمین پر از ناشناخته‌ها، محصول کار، خواندن و فکر کردن.

او مهربان بود. صمیمی بود. با این که به ندرت حرف می‌زد، به همه لبخند می‌زد. همه او را دوست داشتند. چون او همه انسان‌ها را دوست داشت. و امروز، در این تالار، سایه سنگین ولی مطبوع او، در این روزگار پر غوغا و پر تش، به ما آرامش می‌دهد. آرامش با اندوه. سایه او، به عنوان انسان و به عنوان معمار حضور دارد. یاد و خاطره او حضور دارد و به ما آرامش می‌دهد و نیرو می‌دهد. یاد او: یوسف شریعت‌زاده.

حشمت‌اله منصف

نگاه یک هم‌دانشگاهی

اولین آشنایی من با یوسف شریعت‌زاده به دوران دانشجویی در دهه چهل باز می‌گردد. سال ۱۳۴۱ وارد دانشکده هنرهای زیبا در رشته معماری شدم. درحالی که شریعت‌زاده در سال ۱۳۲۷ وارد دانشکده شده بود و در سال ۱۳۴۲ پروژه نهایی خود را تحت عنوان «ده» ارائه داد. بنابراین دوره دانشجویی او ۱۵ سال به درازا کشید درحالی که در این مدت خود تبدیل به معماری برجسته و مطرح شده بود، به طوری که ما به عنوان دانشجوی سال اول وارد دانشکده شده بودیم قبل از ارائه پروژه نهایی‌اش با نام او آشنا شده و شنیده بودیم که با شناختی که اساتید از کارهای او دارند کسب درجه ممتاز برای او قطعی است. اساساً انتخاب یک پروژه کم حجم در قد و قواره یک روستا در آن هنگام خود یک نوآوری و تحول در پروژه‌هایی دیپلم به حساب می‌آمد و جز از دانشجویی با اعتماد به نفس و صاحب اندیشه بر نمی‌آمد. چه در آن دوران فرض بر این بود که هرچه پروژه به لحاظ کمی بزرگتر و نام آن پرطمطراق‌تر و جنبه نمادین بیشتری داشته باشد دارای ارزش بیشتری خواهد بود؛ پروژه‌های نظیر فرودگاه، استادیوم ورزشی، مجمع توریستی تفریحی با سازه و تاسیساتی پیچیده و... همراه با کار فیزیکی زیاد روی نقشه‌ها و ماکت. درحالی که موضوع پروژه چنان بود که نیاز به کار فیزیکی (نقشه‌های مفصل) چندانی نبود. اما یک جهان‌بینی، اندیشه اجتماعی و پیشرو زمانه پشتوانه این انتخاب او بود.

اندیشه مجتمعات‌های مشاعی یا کولکتیویته‌های روستایی، وام‌گرفته از

کلخوزه‌های شوروی و روستاهای سوسیالیستی اسرائیل، در آن ایام در مجامع ادبی و علمی بسیار مطرح بود.

پروژه او در حقیقت یک پروتوتیپ یا الگویی برای مجتمع‌های زیستی روستایی بود. به همین دلیل هم نام روستای مشخصی به آن تعلق نگرفته بود. «ده» نام پروژه او بود، که می‌توانست در هر روستایی با همان شرایط اقتصادی-اجتماعی و اقلیمی تأسیس شود. پس از ارائه این پروژه شخصیت و کارهای او بیشتر مورد توجه دانشجویان واقع شد به طوری که با تنی چند از هم‌دوره‌ای‌های نزدیک و همفکر به دیدن آثار او در سطح شهر می‌رفتیم. کارهایی که ما را خیلی تحت تأثیر قرار داده بود از سینما ریولی (صحرا) در سه راه طالقانی، تعدادی پروژه‌های مسکونی در شمال شهر تهران، ساختمان مرکزی وزارت کار و سازمان تأمین اجتماعی، ساختمان دفتر مرکزی مهندسین مشاور بنیان و...

ویژگی عمومی کارهای او

عبارت بود از بازی بسیار زیبا و در عین حال منطقی احجام متناسب با عملکرد فضاها، توجه به مفهوم فضا و زیبایی ناب فضایی، توجه به بؤم و محیط، توجه به ضرورت‌های فنی و اقتصادی، توجه به روح ایرانی و مسائل اقتصادی کلان. ویژگی پروژه «ده» او چنین بود: انتخاب الگوی اقتصادی سوسیالیستی، تولید مشاعی، سنت تعاون و نوعی همکاری روستایی که او خود به عنوان سابقه زندگی مشاعی در سنت روستایی ایران از آن یاد می‌کرد، توجه به اصل حرکت

پیاده و نقش حیوانات در حمل و نقل در روستا، ادغام کار و سکنا، وجه تولید روستایی، و هزاران نکته دیگر که شرح یکایک آنها از حوصله این نوشتار مختصر خارج است.

من نیز در سال ۱۳۵۷ که برای بازسازی روستاهای زلزله‌زده جنوب خراسان (منطقه گناباد و طبس) به اتفاق هم‌دانشکده‌ای‌های دیگر و با مدیریت سازمان مسکن به گناباد رفته بودم با انگیزه ضرورت اجتماعی توجه به مبانی تولید در ایران به منظور ایجاد بستر پیشرفت و توسعه، تصمیم گرفتم یکی از روستاهای زلزله‌زده آن منطقه به نام «استاد» را برای پروژه دیپلم خود انتخاب کنم در حین مطالعات عمومی میدانی و آرشئوی به سراغ شریعت‌زاده نیز رفتم. با این که هیچ سابقه آشنایی با من نداشت با روی باز از من استقبال کرد و

دستاوردهای خود و پروژه دیپلم‌اش را به طور کامل در اختیارم گذاشت، بدون آن که بپرسد چه تاریخی آن را بازپس خواهم داد. گرچه من در آن زمان اعتقادی به قابل اجرا و بلکه واقع‌بینانه بودن نظریه مشاعات روستایی در ایران نداشتم و لذا طرح روستای «استاد» که به صورت واحدهای منفرد اما قابل گسترش روستایی از آب درآمد با «ده» شریعت‌زاده که مجتمع یکپارچه‌ای بود، چه از لحاظ جهان‌بینی و چه از لحاظ نگرش اقتصادی اجتماعی متفاوت بود و در نتیجه فضای کاملاً متفاوتی از لحاظ سایت و واحدهای مسکونی به وجود آورده بود، با این حال نوع نگاه او به روستا و متدولوژی انتخابی‌اش و در نتیجه جزئیات ساختمانی بومی نظیر؛ دیوارهای دوجداره، و ضرورت‌های زندگی روستایی برایم بسیار درس‌آموز بود. در سال ۱۳۴۸ فارغ‌التحصیل شدم، بلافاصله به سربازی رفتم، و بلافاصله پس از سربازی



برای ادامه تحصیل در رشته شهرسازی و آمایش سرزمین عازم فرانسه شدم و سال ۱۳۵۹ به وطن بازگشتم. در آن مدت و تا سالها بعد از آن خاطره‌ها را به کلی از یاد برده بودم تا این که در حدود دو سال پیش که به جستجوی پروژه خود رفتم ناگهان چشمم به لوله‌های پروژه شریعت‌زاده افتاد. در اندیشه بودم که پروژه را به او برسانم که شنیدم در خارج از کشور است. بالاخره با خبر درگذشت غم‌انگیز و نابهنگام او مجدداً به یاد بزرگواری، انسانیت، مسئولیت‌پذیری و چیرگی او بر کار حرفه‌ای‌اش و تأثیری که در نسل ما به جا گذاشت افتادم. یادش گرمی و روحش قرین رحمت باد؛ معماری که اینچنین بود.

حمید نوحی





حامی مهندسان ایران

پر شور آمد، ساخت، سازندگان بشمار برانگیخت و در یادها زنده ماند

دانشگاه تهران که لقب استاد برگزیده را به استاد حامی داده است، بیش از هر مکان دیگری با آثار و ارزش‌های بی‌مثال او آشناست: در دانشکده فنی، آزمایشگاهی به نام ایشان نام‌گذاری شده است، پیکر پاک او بر روی دستان رهروانش سال پیش از مقابل دانشکده فنی در میان حزن و اندوه فراوان دانشجویان تشییع شد، و امسال روز ششم بهمن ماه و در میان استقبال صمیمانه رهروان آن آبادگر زنده یاد مراسم یکمین سال درگذشت آن استاد فرزانه برگزار شد.

همه سخنرانان و شرکت‌کنندگان در اظهارنظرهای خود اعتقاد داشتند که استاد حائز ویژگی‌های خاص خویش بود. او هم خاک ایران زمین را خوب می‌شناخت و هم ساکنان دیروز و امروزش را، به ایران عشق بی‌انتهایی می‌بخشید و این عشق و خلوص نیت در آثار سازنده و تربیت و تعلیم هزاران دانشجوی رشته‌های مهندسی راه و ساختمان متجلی بود. او پیوند عجیبی بین مباحث کلاس و نیازهای کارگاه برقرار کرده بود آن‌گونه که هرآنچه آموخته می‌شد در کارگاه به کار می‌برد، نه آن‌که در فراموش‌خانه‌های ذهن بایگانی شود و یا به عبارتی او همان کاری را کرد که امروز بیش از هر زمان دیگری به آن نیاز است یعنی پیوند و نزدیکی دانشگاه و صنعت.

استاد حامی چون پرنده‌ای آزاده و بی‌قرار در هر گوشه‌ای از خاک میهن خانه می‌کرد و آبادگری می‌کرد و با توسعه شبکه راه و راه‌آهن کشور، نقاط دورافتاده میهن را به هم متصل می‌کرد. حلقه‌های اتصال این شبکه‌های مواصلاتی از جانمایه استاد یادها و خاطره‌های فراموش ناشدنی از درک مسئولیت حرفه‌ای و التزام به دانش مهندسی را برای رهروانش به یادگار گذاشته است.

چه زیبا گفت آقای دکتر مهاجرانی در مراسمی که برای پرده‌برداری از تندیس وی در محل انجمن شرکت‌های ساختمانی قبل از فوت ایشان برگزار شد: «سازندگی و خلاقیت، نسبت هویتی با انسان دارند، انسان هراندازه خلاق‌تر باشد، انسان‌تر است، انسانیت انسان‌ها به خلاقیت و کارآفرینی آنهاست نه

مصرف‌گرایی... بین کارآفرین و سازندگی و سیاست باید نسبت معقول را بیابیم، بیش از اندازه به سیاست بها ندهیم و گمان نکنیم محور اصلی در سازندگی حوزه سیاست است، سیاست رو به تاریخ است. عمق تاریخ متعلق به اندیشمندان و فرهنگ و تمدن است. سلاطین صفوی در رویه تاریخ قرار دارند و صدرالمتألهین در عمق تاریخ... سازندگی در عمق یک تمدن شکل می‌گیرد و اثرش جاوید است چون مخاطبش ملت است، نسل‌ها و دولت‌ها جابه‌جا می‌شوند اما ملت‌ها باقی می‌مانند».

حال با این توصیف و به مناسبت یکمین سال درگذشت ایشان شرح مختصری از زندگی نامه استاد را مرور می‌کنیم:

استاد احمد حامی متولد سال ۱۲۸۶ خورشیدی پس از طی دوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه در مدارس توفیق، حسینی و دارالفنون، تحصیلات دانشگاهی خود را در برلن آلمان و کشور سوئیس به اتمام رساند و با درجه دکترای مهندسی برای تدریس و کار به میهن بازگشت. او دانشجوی ممتاز دانشگاه زوریخ سوئیس بود و به دریافت جایزه مخصوص آن نیز نایل آمد. کار خود را از سال ۱۳۱۵ در وزارت راه با پست ریاست راه استان شروع نمود و همزمان به امر آموزش دانشجویان دانشکده فنی که در سال ۱۳۱۳ تأسیس شده بود همت گماشت. استاد حامی یکی از بنیان‌گذاران ساختمان فعلی دانشکده فنی است چرا که قبل از آن طبقه فوقانی دارالفنون به آن دانشکده اختصاص داشت.

وی تا سال ۱۳۶۲ به مدت ۴۶ سال در این دانشکده به تدریس و تعلیم پرداخت. همچنین با دانشکده‌های فنی و عمران، دانشگاه‌های پلی‌تکنیک، تبریز و سایر دانشگاه‌ها همکاری داشت.

استاد حامی در تمامی عمر خویش به چیزی جز آبادانی ایران عزیز نیندیشید و می‌گفت «تا می‌توانید بسازید و ایران را آباد کنید، هرگز نگویید نمی‌شود، بگویید چگونه می‌شود».

استاد دکتر قالیبافیان که خود از جمله دانشجویان استاد حامی بوده‌اند، در مراسم گرامیداشت یاد استاد اظهار داشت: استاد علاوه بر مسائل فنی، عارفانه عشق و مهرورزیدن به

ایران را به دانشجویان می‌آموخت و اعتقاد داشت تنها ایرانیان می‌توانند عقب‌ماندگی‌ها را جبران کنند، او اعتماد به نفس بسیار چشم‌گیری در کار داشت و آن را به دانشجویان نیز منتقل می‌کرد. او جرأت و جسارت و مناعت طبع را همواره با خویش داشت و آن را نیز از دانشجویان مطالبه می‌کرد، استاد عارفانه و پاک و به دور از تجملات زیست.

دیگر سخنران این مراسم مهندس حسن تابش از دانشجویان استاد بود که گفت: روز تولد و روز مرگ مهم نیست، چگونه زیستن مهم است، میهن‌پرستی و آبادگری و سازندگی مهم است که جمله این‌ها از صفات آن استاد فقید بود. اگرچه تمامی راهها برای کسب مقام و نان برای او باز بود ولی وی همواره تنها در اندیشه اعتلای نام ایران بود و برای تحقق این هدف هزاران شاگرد و استاد تربیت کرد. به همین خاطر به حق به او نام پدر مهندسی ایران لقب گرفته است. وی به خاطر علاقه به تدریس چندین بار دعوت از ایشان برای تصدی وزارت راه را نپذیرفتند و همواره از دانش و توانایی مهندس ایرانی در مقابل ادعای عدم توانایی مهندسان ایرانی دفاع کردند و در این راه از هیچ چیز و هیچ کس ابا نداشتند او علاقه و اشراف کاملی به ادبیات فارسی داشت و در عرصه فرهنگ و ادب دارای آثاری مکتوب و معتبر است.

برنامه بعدی قرائت پیام کانون دانش‌آموختگان دانشکده فنی دانشگاه تهران بود که توسط یکی از مهندسان عضو آن کانون خوانده شد.

مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن نیز با ارائه پیامی از یاد و خاطره استاد تقدیر نموده و با یادآوری همکاری‌های بی‌دریغ آن استاد فقید در اجرای پروژه‌های بسیار ارزشمند و پی‌ریزی سیاست‌گذاری‌های مدیریتی و برنامه‌ریزی با آن مرکز، اظهار امیدواری نمود زندگی پربار استاد الگو و سرمشق تمامی رهروان سازندگی ایران زمین قرار گیرد.

دانش‌آموختگان دانشکده فنی دانشگاه تبریز در پیامی ضمن تجلید مراتب عشق و ارادت خود به استاد حامی اعلام کردند، نام و یاد حامی و حامی‌ها همواره در آسمان این سرزمین



حضور عزیزان در جلسه امروز از لحاظ کیفی بسیار بالاست ولی از لحاظ کمی در خور شأن والای استاد نیست، وی ضمن مقایسه تعداد شرکت کنندگان در مراسم سالگرد تجلیل از مرحوم مهندس بازرگان و جهان پهلوان تختی و حضور جمع کثیری از مردم در آن جا یادآور شد که حضور در اینگونه مراسم نشان از حق شناسی ملت شریف ایران از خادمان ملی است.

گردد و از سوی این مؤسسه بورسیه دانشجویان و یا برگزاری مسابقات علمی و سایر تجمعات علمی مهندسی در دستور کار قرار گیرد. دکتر مکنون، دبیر کانون فارغ التحصیلان دانشکده فنی دانشگاه پلی تکنیک نیز، ضمن اشاره به سخنان آقای مهندس ادب اظهار داشت: استاد پدر مهندسی نوین ایران در طی دوران سه نسل آموزش متمادی، از خویش خصلت های برجسته ای چون عشق به ایران و سازندگی را به یادگار گذاشتند و همچنین نگاه کاربردی و دقیق ایشان به مسائلی بود که به ساخت و ساز ارتباط داشت هر چند در این ارتباط هیچ گاه ایشان اخلاق حرفه ای را نیز فراموش نکرد.

مهندس ادب با اشاره به نقاط مشترک بزرگان و نامداران ایران زمین افزود: آنان از همه چیز گذشتند و تمام امکانات را برای ملت و رشد ملی استفاده کردند، همانند استاد حامی، دکتر مجتهدی، دکتر حسابی، مهندس بازرگان... که آثار فراوان و ارزشمندی از ایجاد مراکز علم و دانش و دست پروردگانی برای کشور به وجود آوردند و از خود به یادگار گذاشتند. رئیس هیأت مدیره سازمان نظام مهندسی در ادامه سخنان خویش پیشنهاد نمود که طرح و ایده مؤسسه فرهنگی حامی که از سوی انجمن شرکت های ساختمانی پی ریزی شده است، مورد اهتمام و تشویق همه احاد جامع مهندسی قرار

خواهد درخشید و هدایت گر رهروان راستین راه آنها خواهد بود که همانا تدبیر و اندیشه و ضرورت چاره جویی برای یافتن بهترین راه زندگی در جهان امروز است.

دکتر هرمز فامیلی نیز در پیامی از سوی انجمن بتن ایران، خواستار تدوین و جمع آوری آثار بی شمار آن استاد فرزانه شد و افزود: استاد دائرة المعارف مصالح ساختمانی و اطلاعات راه سازی ایران بود و به خاطر خدمات گسترده ایشان به دانش مهندسی کشور، انجمن بتن ایران استاد حامی را به عنوان عضو برجسته و افتخاری خویش اعلام می دارد.

در ادامه کار این گردهمایی مهندس بهاء الدین ادب رئیس هیأت مدیره انجمن شرکت های ساختمانی و رئیس هیأت مدیره سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران و نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی اظهار داشت: خوشحالیم از این که در زمان حیات استاد این سنت حسنه در خصوص گرامیداشت ایشان از سوی انجمن شرکت های ساختمان رادر کنار مزار استاد حکیم ابوالقاسم فردوسی و در پرده برداری تندیس ایشان در محل انجمن شرکت های ساختمانی برگزار کردیم. وی ضمن انتقاد از عدم حضور درخور توجه مهندسان و شاگردان مهندس حامی در این مراسم افزود:

گزارش از خلیل حکیمی

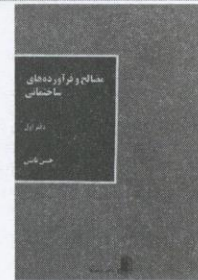
معرفی کتاب

از جمله دانشگاه امیرکبیر و دانشگاه تهران، فعالیت در یک مرکز تحقیقاتی و انجام امور حقوقی ساختمان در قالب کارشناس رئیس دادگستری از مهم ترین ویژگی های علمی ایشان است که شاید در کمتر کسی بتوان آن را به صورت یکجا مشاهده نمود. حاصل تمامی این تلاشها و تجربیات می تواند در مجموعه فعلی که دفاتر دوم و سوم آن نیز به زودی منتشر خواهد شد متبلور شود.

از مهم ترین کارهای انتشاراتی مؤلف می توان به مشارکت وی در تألیف چند فصل از نشریه شماره ۵۵ سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تحت عنوان مشخصات فنی ساختمان و نیز همکاری وی در تدوین مبحث پنجم مقررات فنی ساختمان (مصالح و فرآورده های ساختمانی) اشاره نمود.

مطالعه کتاب مصالح و فرآورده های ساختمانی را به تمامی مهندسی ساختمان و حرفه های وابسته توصیه می نمایم.

دقت علمی، بهنگام بودن مطالب و استناد به آثار و مراجع معتبر علمی تحقیقاتی از مهمترین ویژگی های مجموعه حاضر است که حکایت از تلاش نویسنده برای گردآوری یک اثر ماندنی و قابل استفاده در زمینه مهندسی ساختمان دارد. از ویژگی های دیگر این کتاب می توان به جنبه کاربردی بودن آن اشاره نمود که حاصل از تجربه وسیع نویسنده در امور اجرایی و تحقیقاتی است معمولاً تکیه بر یکی از دو جنبه «اجرا» و «تحقیق» نزد مهندسی و متخصصین امری رایج است، اما هنگامی که علم و عمل با یکدیگر تلفیق گردند حاصل این تلفیق و همخوانی می تواند قابلیت کاری و بهره گیری مناسب تر داشته باشد. مهندس تابش از آن گروه از محققین کشور است که امور اجرایی را پیوسته با تحقیق و تفحص پیوند داده و صرفاً متکی بر آموخته های تجربی خود نبوده است. چندین سال کار اجرایی در سازمان مسکن، تدریس در دانشگاهها و مؤسسات آموزشی مختلف



مصالح و فرآورده های ساختمانی، دفتر اول
تألیف: حسن تابش
نشر ارتباط، ۱۳۸۰

کتاب مصالح و فرآورده های ساختمان، اولین دفتر از مجموعه ای است که دفتر اول آن منتشر شده و دفاتر بعدی آن نیز به زودی منتشر خواهد شد. دفتر اول آن شامل ۵ فصل سنگ، آجر، سرامیک، نسوزها، بلوک های سیمانی یا بتنی می باشد.

در هر فصل، پس از ذکر تاریخچه و مقدمه، به بررسی مشخصات مختلف مصالح پرداخته شده و انواع مختلف آن مورد شناسایی قرار گرفته است. کاربردهای مختلف هر یک از فرآورده ها نیز از جمله جنبه هایی است که در این کتاب مورد توجه ویژه قرار گرفته است.



بررسی وضع موجود جامعه مهندسی ساختمان

اولین جلسه میزگرد «بررسی وضع موجود جامعه مهندسی ساختمان» در روز پنجشنبه ۸۰/۹/۸ از ساعت ۹/۳۰ الی ۱۷/۳۰ در محل دفتر مرکزی سازمان با حضور مهندس امیر دادخواه، مهندس سیدعلی اصغرطاهری بهبهانی، دکتر حسن فریداعلم، مهندس یونس قلی زاده طیار، مهندس بیژن کاموری و مهندس الدیک موسسیان تشکیل گردید. مشروح صحبت‌های مطروحه در جلسه به شرح زیر است:

دکتر فریداعلم: این اولین جلسه ما در خصوص بررسی مشکلات مهندسی و مهندسان است و می‌خواهیم این جلسات ادامه داشته باشد و موضوع مشکلات مهندسان و حرفه را بررسی نماییم و برای حل این مشکلات راه کار پیدا نماییم. از مشروطه به بعد مهندسان در همه حکومت‌ها همه کارهای بزرگ و مهم را انجام داده‌اند و بدنامی‌هایش را هم کشیده‌اند. بعد از انقلاب هم مهندسان علاوه بر کارهای سازندگی پست‌های مختلف از وزارت، نمایندگی مجلس و... را داشته‌اند. کارهای بزرگ انجام داده‌اند، اما جامعه مهندسی سامان ندارد. امید است ابتدا وضعیت فعلی مهندسی و مهندسان را بررسی کنیم و سپس به ارائه طریق برای بهبود وضعیت پردازیم.

مهندس دادخواه: اجازه دهید جلسات با حضور دعوت شدگان انجام شود و اگر بخواهیم درست نتیجه بگیریم باید تمامی دعوت شدگان حضور داشته باشند. ممکن است اعضای غایب جلسه دیدگاهی داشته باشند که مطرح شدن این دیدگاه‌ها مسیر بحث را عوض نماید. جلسات زمانی پربار است که همه آقایان حضور داشته باشند.

دکتر فریداعلم: خواهشمندم این جلسه را ادامه دهیم. حتماً مشروح مذاکرات این جلسه برای تمامی اعضای میزگرد ارسال خواهد شد تا ایشان نسبت به آنچه مطرح شده است اظهار نظر نمایند. همچنین اگر فکر می‌فرمایید صاحب‌نظران دیگری نیز می‌توانند با حضور در این میزگرد بر غنای بحث‌ها بیافزایند، لطفاً اسامی ایشان را اعلام فرمایید تا از ایشان دعوت شود. باید این جامعه مهندسی سرو سامانی داشته باشد و برای این کار باید فکر اساسی شود.

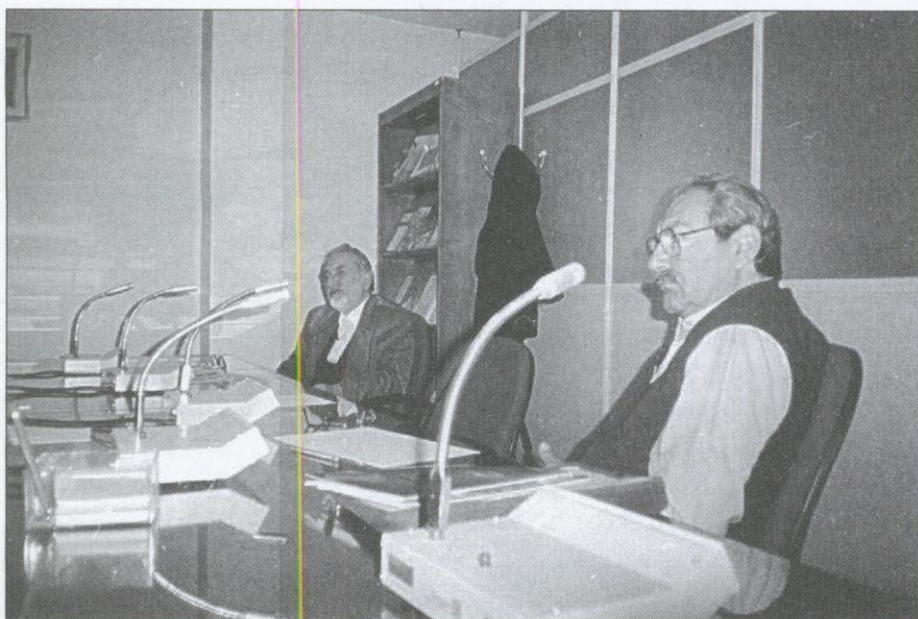
مهندس دادخواه: این بحث اساسی سال‌های سال ماست، بحثی نیست که امروز یا دیروز به آن رسیده باشیم. تا آقایان حضور نداشته باشند نمی‌توان به طور عمیق وارد موضوع شد. حرف برای گفتن زیاد است، اما مهم این است که نتیجه‌گیری درستی از مجموعه بحث‌ها داشته باشیم.

مهندس قلی‌زاده: وقتی مهندس ادب پیشنهاد تشکیل جلسه را داشتند، ذهنیت ایشان این بود که با مشارکت پیشکسوت‌های حرفه از مهندسان مشاوران، مهندسان اجرایی و بخش دانشگاهیان جلسه‌ای تشکیل شود و چاره‌اندیشی برای مشکلات حرفه ساختمان انجام شود. پیش فرض این بود که در این جلسه ما شاهد پیشنهادهایی باشیم که برای بحث عمومی در جامعه مهندسی و ارائه راه کار مفید باشد. وقتی موضوع را با همکاران مطرح کردیم، اظهار داشتند که تا وضع موجود تحلیل نشود، نمی‌توان چاره‌اندیشی کرد.

مهندس کاموری: اگر همه دعوت شدگان بودند، البته بهتر بود. به هر حال جمع شدن افراد و تنظیم وقت اشکالاتی می‌تواند داشته باشد. بحث روی وضع موجود جامعه مهندسی است.

اگر بحث را بخواهیم به صورت مثبت شروع کنیم باید بگوییم جامعه مهندسی ما نسبت به قبل متحول شده است. اما این تحول مورد قبول فرهیختگان جامعه نیست. واقعیت این است که جامعه مهندسی ما، سامان مطلوب را پیدا نکرده است.

به دلیل یک سخنرانی که در پیش دارم مدتی است که روی تاریخچه مهندسی کشور مطالعه می‌نمایم. اگر چه مدارک مستندی در این زمینه وجود ندارد اما می‌توان گفت که سیر تحول جامعه مهندسی بی‌ارتباط با سیر تحول جامعه از نظر سیاسی، فرهنگی و... نیست. ما از دوران شروع مدرنیته در کشور می‌بینیم که چون علت انقلاب مشروطه بازسازی بود، لاجرم اولین رشته‌ای که مورد توجه قرار گرفت، مهندسی بود. یا قبل از آن هم اگر دارالفنون تشکیل شد به همین موضوع «فن» توجه داشته است. طبیعت بازسازی هم «مهندسی» است. مهندسی مترادف با ساختن است. اصولاً تحولات ایران همراه با توجه به مهندسی بوده است. اولین دانشکده‌های ساخته شده دانشکده فنی و مهندسی بوده است. خیل دانش‌آموختگان که به خارج از کشور فرستاده شدند، شمار زیادی برای تحصیل در رشته مهندسی ساختمان بوده است. طبعاً ایشان در بازگشت در صف اداره کنندگان تراز اول جامعه قرار گرفتند. اگر صف کابینه‌های بعد از مشروطه را نگاه کنیم، حضور مهندسان در این کابینه‌ها پررنگ است. تعداد وزرایی که قبل از انقلاب مهندس بوده‌اند، کم نبوده‌اند. اصولاً کسی که در این کشور ادعای تحول کرده، روی مهندسی صحبت کرده و تکیه کرده است، برگ برنده همین است کسی برای موضوع عدالت برگ برنده‌ای در دست



هر روز روزه عقب می‌رویم. در صورتی که نباید چنین باشد.

مهندس طاهری بهبانی: دو مطلب دارم. یکی اینکه اصولاً جامعه مهندسی ما ایرانی است و طبیعتاً از جامعه ایرانی نشأت می‌گیرد و نمی‌تواند از جامعه مهندسی جدا باشد، که اگر اغتشاشی در این جامعه باشد جامعه مهندسی از آن مصون نیست. یکی از بزرگترین جوامعی که در سیاست ما هستند، مهندسان هستند. در کشورهای جهان سوم اصولاً وضع همین است. ما معمولاً در سیاست افراد آموزش دیده نداریم و همچنین مهندسانی که در سیاست هستند از حرفه جدا شده‌اند. اما در کشورهای پیشرفته وضع چنین نیست، در آنجا اگر مهندسی در سیاست است به واسطه حرفه تخصصی‌اش دارای پست شده است. ما در جامعه پزشکی کمتر سیاست‌مدار داشته‌ایم و می‌بینم جامعه پزشکی، جامعه‌ای موفق بوده است. یکی از مسائل ما عدم تفکیک مهندسی در سطح مدیریت‌هاست. مهندسی ساختمان عموماً یک حرفه صرفاً نون و آبدار تلقی شده است و خیلی از خانواده‌ها علاقمند بوده‌اند که فرزند ایشان مهندس باشد و این مسئله با نیاز ایجاد نشده است. من فکر نمی‌کنم که در هیچ کشور جهان اینقدر مشتاق ورود به حرفه مهندسی داشته باشیم. در مملکت ما اشتیاق فراوانی برای تحصیل در رشته مهندسی ساختمان وجود دارد و تعداد مهندسان در حال حاضر بیش از حد زیاد می‌باشد. وقتی این دانش‌آموخته وارد جامعه می‌شود، ممکن است کار مهندسی نکند، پس مسئله ایشان مسئله مهندسی نیست. علت اینکه جوامع مهندسی در غرب خیلی راحت‌تر حرکت می‌کنند، همین امر است. در غرب به حرفه مهندسی ساختمان به طور جدی توجه

مملکت ضوابطی درست شده که بعضی‌هایش نوشته شده و باقی آن شفاهی است. آیین‌نامه‌ای اخیراً برای مجریان دیدم که سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه کرده بود که چه فردی می‌تواند مجری باشد. ایشان نوشته بودند فقط «مهندسی عمران» می‌تواند مجری باشد. شما اگر به همین نمونه توجه کنید به خیلی از مسائل می‌رسید. مدیرکل‌های وزارت خانه‌های ما الان اکثراً مهندس ساختمان هستند. این طبیعت کار ما شده... فلان اداره می‌خواهد مدیر کل داشته باشد فوراً به دنبال یک مهندس ساختمان می‌گردند. امروزه این بحث‌ها دیگر جایی ندارد. اجازه بفرمایید این شاخه از بحث را بگیریم و روی آن بیشتر صحبت کنیم. اگر سیاست را از جامعه مهندسی دور کنیم و اصول و ضوابط مهندسی را جایگزین کنیم، شاید بتوانیم جلوی نابسامانی را بگیریم. جامعه پزشکان هم مثل ما جامعه‌ای تحصیل کرده است که نظامات ایشان خیلی جامع و دقیق است. ولی وقتی به جامعه مهندسی وارد می‌شویم، به دلیل پاره‌ای مسائل درست عکس آن را می‌بینم. بنده یک بار و فقط یک بار در طول پنج سال گذشته افتخار ملاقات با وزیر مسکن در جلسه‌ای را داشته‌ام که شنیدم ایشان خیلی با اطمینان گفت که چند تا از شرکت‌های خوب مهندسی را فرستادیم تا در خارج از کشور کار بگیرند. بالاخره کار را گرفتند، اما نتوانستند کار را تمام کنند. یک معمار (به مفهوم معمار سنتی و تجربی) فرستادم، کار را به نحو عالی جمع کرد! یک آقای مهندس که خودش وزیر است، چنین اندیشه‌ای دارد. شاید سیاست‌زدگی زیاد، جامعه مهندسی را به این سمت برده است. این همه مهندسان شایسته و کاردان در این مملکت است و همه می‌خواهند جامعه مهندسی سامان داشته باشد که متأسفانه

ندارد اما کسی که کارخانه‌ای ساخته، راهی ساخته و... به علت همین آبادانی از جامعه امتیاز می‌گیرد. ما در یک زمینه فرهنگی صحبت کردیم که بستر مهندسی خیلی حائز اهمیت بوده است. این را می‌توانیم در دوران شروع تحولات نوین در ایران ببینیم. شما و من حتماً با این گفتار هم عقیده هستید. حال به زمان انقلاب می‌رسیم. قبل از انقلاب در صف مخالفان رژیم شمار زیادی مهندس فعال دیده می‌شوند. در مقابل هم می‌بینم که در کودتای ۲۸ مرداد تعدادی مهندس نقش شاخص را در جریان داشتند. همچنین در جریان ملی شدن صنعت نفت باز مهندسان فعال بودند. در صف کسانی که سازش می‌کردند، مهندس وجود داشت و در صف کسانی که آزادیخواه بودند، هم مهندس وجود داشت. انقلاب که به ثمر نشست. اولین شورای انقلاب را می‌بینیم که اکثریت شورا مهندس بودند. بعد از انقلاب تعداد وزرای مهندس بسیار زیاد بوده است. ما حتی نخست‌وزیر مهندس داشته‌ایم. بعد از انقلاب به طور متوسط ۴۰٪ کابینه را مهندسان تشکیل داده‌اند. حالا می‌خواهیم بررسی کنیم که با وجود مهندسان در صف مدیران تراز اول مملکت که بدون شک هدف ایشان بهسازی وضع کلان کشور بوده است، چرا در سامان دادن به وضع جامعه مهندسی، ایشان موفق نبوده‌اند. خود من علت این امر را نمی‌دانم، اما اعتقاد دارم که با گسترش این سؤال موضوع قابل بررسی و فهم است.

مهندس موسسیان: مسئله مشکلات جامعه مهندسی اینقدر پرشاخ و برگ است که نمی‌دانم از کجا شروع کنم. اما به نظر من علت اصل نابسامانی مهندسان مسئله حرفه نیست و مسئله فرهنگ است. ما مهندسان خیلی خوبی داریم ولی فرهنگ باهم کار کردن و منظم کار کردن و تحت ضوابطی کار کردن را نداریم. مطلب دیگری فعلاً به ذهن من نمی‌رسد. الان هم همین کوپن فروشی یکی از ظواهر همین مسئله است. آن سنگینی حرفه مهندسی با این کوپن فروشی اصلاً قابل هضم نیست. من خودم شخصاً فکر می‌کنم که ریشه نابسامانی را باید در این مسائل جستجو کرد.

مهندس دادخواه: ضمن تأکید بر این نکته که بحث با حضور تمام دعوت‌شدگان بهتر پیش می‌رود، فرمایشات مهندس کاموری مطلبی را در ذهن من تداعی نمود که شاید دلیل اصلی نابسامانی وضعیت جامعه مهندسی ما همین اتفاقی است که در جامعه مهندسی افتاده است. مهندسان وارد سیاست شدند و سیاست بر حرفه مهندسی غالب شد و این وضعیت نابسامان را به وجود آورد. حالا اگر با این دید به مسئله نگاه کنیم شاید به پاسخ دیگری برسیم. در این

می‌کنند. اول و آخر زندگی یک مهندس حرفه است. دانشگاه‌های ما به خصوص دانشگاه آزاد به تعداد زیاد دانشجوی مهندسی جذب می‌کنند. ما نمی‌توانیم در یک بهشت مطلق جهنم مطلق بسازیم و بالعکس... چون جامعه مهندسی ما به شدت جزئی از نظام اداره مملکت شده است. بنابراین یک قسمت آن این است. ولی شاید قسمت دیگری که بشود با آن مواجه شد سیاست‌زدگی است. مهندسان باید بین کار سیاسی و فنی تفکیک قائل شوند.

مهندس قلی‌زاده: مطلبی که بعد از بحث دوستان به نظرم رسید این است که جامعه مهندسی طیفی را تشکیل می‌دهد. که یک سمت آن مهندسانی هستند که جزو پایه‌های ارکان سیاسی می‌باشند و حد پایین آن مهندسانی که حتی زیر خط فقر زندگی می‌کنند، به هر حال تعدادی از مهندسان بین این دو طیف به صورت گسترده وجود دارند. در بخش کلان به دلیل نکته‌ای که آقای مهندس دادخواه بیان نمودند، آقایان برای طیف پایین‌تر برنامه کلان و قانون و سیستم را تعیین و تعریف می‌کنند. تا در نهایت ایجاد فرهنگ نمایند. اگر کسانی باشند که از بطن حرفه بیرون آمده‌اند طبیعتاً چارچوب مسائل مربوط به حرفه را درک می‌کنند و نظرات ایشان با چارچوب حرفه هماهنگ خواهد بود. اما نمی‌توان با استفاده از تحلیل دیگران و نتایج مطالعات نقاط دیگر جهان و انطباق نتایج این مطالعات برحسب تناسب درآمد سرانه و... جوابی گرفت و نسخه‌ای واحد را برای همه مهندسان تعیین نمود. طبیعتاً اگر جواب از دل جامعه مهندسان بیرون نیامده باشد و برای ساختار دیگری تعریف شده باشد، پایه‌گذاری ساختار با این سیستم بی‌نتیجه است.

در بخش پایین طیف مهندسان جوان حضور دارند. این مهندسان با امیدها و برنامه‌ریزی‌هایی که برای زندگی خویش انجام داده‌اند، وارد دانشگاه می‌شوند و می‌خواهند حرفه‌ای داشته باشند ولی از آن طرف نه فرهنگ مهندسی وجود دارد و نه ایشان در سیستمی تربیت می‌شوند که کار تیمی به وجود می‌آید و به شکل نابسامانی بروز می‌کند بخشی از همین جا آغاز می‌شود. اما در وسط این طیف به هر حال مهندسانی قرار دارند که نسل میانی را تشکیل می‌دهند. این هادر مسیری افتاده‌اند که به دلایل مختلف نمی‌توانند از آن مسیر خارج شوند و تحت فشار بخش بالای طیف و نابسامانی‌های موجود هستند. اگر کارنامه مهندسان مشاور و کارنامه شرکت‌های پیمانکار را در این دوره بررسی کنیم، افت و خیزهای زیادی را می‌بینیم که اگر معدل بگیریم می‌توان گفت که حرفه مهندسی ساختمان از نظر

تکنولوژی ساخت، کسب تجربه و... عقب افتاده است. ما برای مهندسان جوان نمی‌توانیم در شرایط موجود روش واحد یا سیستمی مشخص تعریف نماییم. اصولاً جامعه شناسانی که آشنا با مفاهیم کار مهندسی هستند، می‌توانند موضوع را بررسی نمایند. ما تنها قادر به بحث در محدوده کلیات هستیم.

مهندس موسسیان: من فقط می‌خواهم دو نکته را به صحبت آقایان اضافه کنم. یکی اینکه وقتی راجع به سازمان یا نابسامانی حرفه صحبت می‌کنیم، باید دو مسئله را تفکیک کنیم. یکی ساماندهی رابطه مهندسان با خودشان و دوم ساماندهی رابطه مهندسان با جامعه به خصوص در حرفه ساختمان. در این جا دو سیستم وجود دارد که باید راجع به آن فکر شود. می‌خواستم نکته دوم را اضافه کنم که علی‌الاصول در مملکت ما نرم‌افزار (فکری که پیاده شده) ارزشی ندارد (من نقشه را یک نرم‌افزار می‌دانم). ارزش نرم‌افزار از نظر جامعه بسیار کم است. بیشتر افراد جامعه ما وقتی سنگ روی سنگ می‌گذاری قبول می‌کنند. کسی که دیوار را بالا می‌آورد دیده می‌شود. اصولاً آن نقشه‌ای که از روی آن این دیوار بالا آمده ارزش کمی دارد. باید به این دو مطلب هم توجه شود.

مهندس کاموری: من یک قسمت از صحبت‌هایم مربوط به توضیح صحبت‌های قبلی‌ام می‌باشد. علت این که تاریخچه را بیان کردم، گفتن ارزشهای مهندسی ماست که چنین بخشی نصیب ماست که در کشورهای دیگر کمتر دیده می‌شود. در کشور ما مهندسان در همه رشته‌ها مورد استفاده قرار گرفته‌اند. حتی هر کس که در جامعه کار موفقی را انجام دهد، ایشان را به نام مهندس می‌شناسند. عمل مدیران جامعه روی اختراعات مهندسی است. لقب سردار سازندگی به نوعی مرتبط با مهندسی است. از آن طرف می‌بینیم که با این همه مدیران مهندس که در سطح بالای جامعه هستند، باید طرفداری از مهندسان بسیار زیاد باشد که چنین نیست. ما نگاه کنیم در این نظام مهندسی که در اولین دوره‌اش ۵ وزیر مقتدر در هیأت مدیره‌اش جمع شدند و کاری برای مهندسان انجام ندادند. بنده به عنوان یک مهندس می‌گویم که تمامی وزرای مهندس که در جمع ما حاضر بودند کاری برای جامعه مهندسی ساختمان انجام ندادند. چگونه است که ایشان با داشتن پست‌های بالا باز هم به سمت پست‌های جامعه مهندسی روی می‌آورند و در هیأت مدیره‌های تشکل‌های مهندسی وارد می‌شوند. ما حرف خود را رک می‌زنیم اما وارد سیاست نمی‌شویم. اگرچه حرف‌های ما به سیاست ربط داشته باشد.

مسئله فرهنگی را همه قبول داریم. باز هم از نظر فرهنگی نکته مثبتی است که هر خانواده‌ای که می‌خواهد فرزند فرهیخته‌ای داشته باشد، ایشان را به سمت مهندسی سوق می‌دهد. مقابل آن من متأسفم که فرهنگ اجتماعی ما رشته‌های علوم اجتماعی را نمی‌شناسد و به ایشان ارجح نمی‌دهد، در حالی که این رشته‌ها بسیار دارای شأن و اهمیت می‌باشند.

می‌رسیم به آنجا که طیف مهندسی مطرح شد که در بالای آن مهندسان در سطح وزرا قرار دارند تا طیفی که عده‌ای زیاد براساس معیارها زیر خط فقر زندگی می‌کنند. ما هنوز نتوانسته‌ایم سیستم مهندسی درستی داشته باشیم. علت چه می‌تواند باشد. چرا ما باید از یک طیف گسترده مهندسی در پایین استفاده کنیم؟ وقتی نظام مهندسی در حال آغاز به کار بود، چرا تمام طیف مهندسان را به کار نینداختیم؟ چرا جوانان را فراموش کردیم؟ به عقیده من خودم زمانی که جوان بودم نسبت به اکنون بیشتر راجع به سازندگی و مسائل حرفه‌ای فکر می‌کردم. این مسائل و دغدغه‌های اقتصادی را نداشتیم. فقط دنبال سازندگی بودم. درست است که سیستم اجتماعی درست کرده‌ایم که جوانان را با امضاء فروشی مواجه کرده‌ایم. اما جوانی که با آن طرز فکر خاص وارد مهندسی کشور می‌شود، علت اصلی‌اش برنامه‌ریزی و دسته‌بندی قبلی مدیران و طیف بالای جامعه مهندسی می‌باشد، که این اشتباه را به وجود آورده است که جوانان با طرز فکر پاک وقتی وارد جامعه می‌شوند به این فکر باشند که چند تا امضا بفروشند.

دکتر فریداعلم: انشأالله این بحث را در جلسه آینده پی‌گیری خواهیم نمود. بنده لازم می‌دانم در پایان جلسه چند نکته را عرض کنم اول اینکه موضوع نابسامانی جامعه مهندسی را به صورت فرهنگی بررسی کنیم. مهندسین جامعه ما از بهترین‌های کنکور دانشگاه‌ها هستند و انتخاب اول آنها عمدتاً رشته‌های مهندسی است. این دانشجویان در دوران تحصیل از فعالترین عناصر علمی، فنی، فرهنگی و اجتماعی در دانشگاه‌ها هستند و در دوران تحصیل بسیار با هم متحد عمل می‌کنند. در کارهای اجتماعی مشارکت فعال دارند ولی پس از اتمام تحصیلات با مشکلاتی مواجه می‌شوند که به صورت رقیب یکدیگر درمی‌آیند. امید است با یک کار کارشناسی و جامعه‌شناسی بتوانیم با همفکری سایر دعوت‌شدگان این بحث را به نتیجه برسانیم.



یک پاسخ

نامه‌ای از دبیرخانه مهندسان بسیجی به امضای مهندس سید مهدی حسینی در پاسخ به مقاله «محرمانه چرا؟» که در نشریه پیام شماره ۱۸ چاپ شده بود در تاریخ ۸/۷/۲۵ به دبیرخانه سازمان رسید که عیناً چاپ می‌گردد. قضاوت در مورد این نامه را به شما خوانندگان گرامی نشریه پیام واگذار می‌نمائیم.

مدیرمسئول محترم مجله پیام نظام مهندسی استان تهران سلام علیکم

با توجه به چاپ مقاله‌ای تحت عنوان محرمانه؟! چرا؟! در شماره ۱۸ شهریور ۱۳۸۰، خواهشمند است دستور فرمایید توضیحات پیوست را در ارتباط با موضوعات مطرح شده در مقاله اشاره شده، برابر قانون مطبوعات در شماره بعدی مجله چاپ گردد.

والسلام

دبیرخانه جامعه مهندسان بسیجی
سید مهدی حسینی

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری امام خمینی(ره) و به منظور بازسازی ویرانه‌های باقیمانده از حکومت ۲۵۰۰ ساله جباران، جمع کثیری از مهندسان متعهد و متخصص به ندای آن پیر فرزانه لبیک گفته و در قالب‌های مختلف به فعالیتهای دلسوزانه‌ای پرداختند که شکل‌گیری نهادهایی مانند جهاد سازندگی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و بخش مهندسی سپاه از جمله ثمرات چنین تلاشی بود. پس از روشن شدن آتش فتنه گروهک‌های معاند و معارض در کردستان که خود به جا گذارنده آثار تخریبی زیاد بوده، انسجام این بخش از مهندسان بیش از پیش هویدا شد و هنگامی که رژیم بعثی عراق به تحریک استکبار جهانی، حمله ددمنشانه خود را به میهن اسلامی شروع نمود و خیل بسیجیان جان بر کف برای دفع تجاوز و دفاع مقدس به جبهه‌های حق علیه باطل شتافتند جمع بیشتری از مهندسان برای مشارکت در جهاد علیه استکبار جهانی بسیج، و به جبهه‌ها عزیمت نمودند که دست گلچین روزگار بهترین آنان را با شهادت انتخاب نمود.

پس از پذیرش آتش بس و شروع دوران سازندگی بار دیگر مسئولیتهای سنگین و طاقت‌فرسای آبادی میهن عزیز بر دوش مهندسان مخلص و فداکار قرار گرفت. برای حفظ انسجام مهندسان بسیجی کشور با استفاده

از قانون تشکلهای صنفی نیروی مقاومت بسیج مقدمات راه‌اندازی و فعالیت این مجموعه ایجاد گردید لذا جمعی از پیشگامان مهندسان بسیجی که در دستگاههای اجرایی و نهادهای مختلف کشور به فعالیت مشغولند با تشکل مجدد خود و «در راستای اهداف و برنامه‌های نیروی مقاومت بسیج» به عنوان هیئت مؤسس، جامعه مهندسان بسیجی را تشکیل داده و پس از مدت کوتاهی این خبر را از طریق رسانه‌های گروهی به اطلاع مهندسان کشور رسانده و با توجه به اطلاع‌رسانی گسترده اولین همایش مهندسان بسیجی کشور به صورت فراخوان عمومی در سال ۱۳۷۶ در تالار علامه امینی دانشگاه تهران تشکیل و بدون هیچ گونه محدودیت، فرم‌های عضوگیری بین حاضرین توزیع و از همین طریق تعداد کثیری از مهندسان متعهد و متخصص خواستار عضویت در جامعه مهندسان بسیجی گردیدند. از آن تاریخ تاکنون نیز همه ساله همایش‌های عمومی در تهران تشکیل و خبر برگزاری آن از طریق رسانه‌های عمومی به اطلاع مهندسان رسیده و همچنین اخباری از چگونگی برگزاری آنها در صدا و سیمای جمهوری اسلامی و روزنامه‌های سراسری منعکس گردیده است.

علاوه بر تشکیلات مرکزی جامعه در تهران، به مناسبت‌های مختلف و با توجه به استقبال قابل توجه مهندسان بسیجی دفاتر استانی نیز تشکیل گردیده که در سطح کشور حضوری فعال دارند.

با توجه به سابقه موضوع، روشن می‌شود برداشت نگارنده مقاله محرمانه؟! چرا؟! کاملاً از سر بی‌اطلاعی و بی‌خبری و عدم توجه به واقعیت‌های ملموس جامعه مهندسان کشور بوده و تعجب است که چگونه یکی از نمایندگان محترم مردم در مجلس شورای اسلامی که خود نیز مهندس و از مهتران نظام مهندسی هستند تا این حد نسبت به تحولات جامعه مهندسی کشور بی‌اطلاع باشند که اگر دعوتنامه‌های عمومی جامعه مهندسان بسیجی را ندیده و نخوانده باشند لاف می‌بایست اخبار آنرا از صدا و سیما و یا در مطبوعات شنیده و یا خوانده باشند.

با توجه به ابهامات و سوالات پیش آمده در مقاله مذکور علاوه بر توضیحات فوق موارد زیر نیز جهت مزید اطلاع جامعه مهندسی کشور اعلام می‌گردد:

۱. در مورد اینکه آیا بسیج متعلق به عده‌ای خاص است این توضیح ضروری است که بر اساس رهنمودهای امام راحل(ره) و مقام معظم

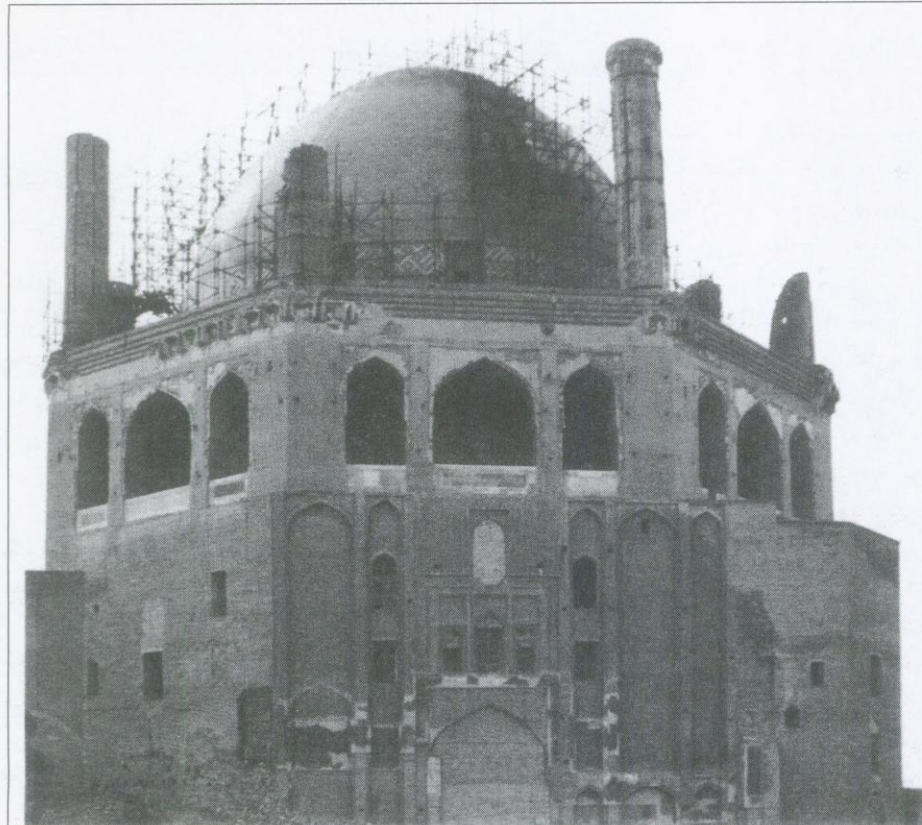
رهبری مدظله العالی انتظار می‌رود تمام ملت شریف ایران با تمسک به کتاب خدا و عترت حضرت ختمی مرتبت(ص) برای اعتلای اسلام و ایران عزیز و مقابله با هر تهاجمی همواره آماده بسیج باشند و با این تعریف هر فردی که معتقد به آرمانهای والای نظام اسلامی و بسیج می‌باشد بسیجی است و اگر دارای تخصص در یکی از رشته‌های مهندسی باشد یک مهندس بسیجی محسوب می‌شود.

۲. نگارنده با برداشتی اشتباه از حرف (م) در شماره نامه‌ای از جامعه آن را دال بر محرمانه بودن دانسته که متأسفانه این برداشت اشتباه مقدمه‌ای بر مطالب بعدی گردیده است؛ برای هر کسی که کمترین آشنایی با سیستم‌های مکاتبات داشته باشد روشن است که برای طبقه‌بندی محرمانه هر نامه‌ای، باید مهر محرمانه بر روی آن نقش ببندد و بعید می‌نماید نگارنده با سوابق اجرایی و سیاسی به این نکته پی نبرده باشد و از حرف (م) در شماره نامه چنین استنباطی را کرده باشد!

۳. موضوع دعوت یک سازمان از اعضای خود برای تشکیل جلسه یک رسم قابل قبول است و لزومی ندارد برای هر دعوتی آگهی عمومی در جراید و رسانه‌ها انتشار یابد و اگر چنین روشی غیر قابل قبول باشد چنین سؤال مشابه‌ای از سازمان نظام مهندسی استان تهران نیز وجود خواهد داشت که چرا در خصوص موضوعات مختلف و تشکیل جلسات به جای اعلام به اعضای سازمان اقدام به دعوت عمومی اعم از مهندسان عضو و غیر عضو... نمی‌نماید.

۴. مورد بعدی که نگارنده از مطلب نامه این جامعه سوء برداشت نموده، موضوع استنباط منطقی از جلساتی مانند جلسه مجمع عمومی ۸/۵/۲۷ است که پیش‌بینی شده بود نتایج حاصل می‌تواند به ابقاء و یا انحلال هیئت مدیره بینجامد و اتفاقاً ادامه کار قبل از انحلال در نامه آمده که به آن توجهی نشده و علت به کار بردن این عبارات برای مهم تلقی نمودن جلسه و تأکید بر حضور همه اعضای نظام مهندسی که با جامعه مهندسان بسیجی نیز مرتبط هستند بوده است.

۵. جامعه مهندسان بسیجی با استناد از اساسنامه خود اعتقاد به لزوم غنی‌سازی و اعتلای فرهنگ جامعه مهندسی کشور داشته و دارد و جایگاه بسیجی بودن ایجاب می‌نماید از ورود به هرگونه مناقشه‌ای که در آن رنگی از منافع سیاسی و گروهی دسته‌های خاص مطرح باشد پرهیز نماید ولی در جهت مشارکت به منظور حل مشکلات کشور همواره آماده همکاری بوده و باز هم این آمادگی را اعلام



می‌نماید و چنانچه سازمان نظام مهندسی کشور و سازمان نظام مهندسی استان تهران در زمینه‌های مختلف علاقه‌مند به این همکاری داشته باشند در چارچوب اساسنامه خود از هیچگونه همکاری در جهت رشد فرهنگ مهندسی و حفظ و ارتقا حقوق مهندسين دلسوز کشور دریغ نخواهد ورزید.

۶ در پایان بار دیگر اعلام می‌گردد جامعه مهندسين بسيجي اعتقاد دارد قانون‌گرایی و شایسته‌سالاری و یک دست شدن مهندسين متخصص و متعهد کشور و همکاری سازمان‌های صنفی به منظور ایجاد فرهنگ مناسب برای استفاده از حد‌اعلای توان مهندسين و کوتاه نمودن دست افراد بی‌تخصص از فعالیت‌های تخصصی بهترین راهکار ممکن است و در این راستا مهندسين بسيجي هم‌چنان که در دورانه‌های سخت انقلاب و دفاع مقدس راسخ بودن و پایمردی خود را به اثبات رسانده‌اند هم‌چنان آماده ورود به این صحنه برای آبادانی هرچه بهتر ایران اسلامی بوده و خواهند بود.

دیبرخانه جامعه مهندسين بسيجي
سید مهدی حسینی

وزارت مسکن و نظارت استصوابی آن بر سازمان نظام مهندسی

شیوه‌های نوین زندگی، اندیشیدن و مناسبات، راه خویش را در ذهن آدمیان با پشت سر گذاردن هر مانعی که با آن روبرو شوند به آهستگی اما با استواری می‌گشایند و به پیش می‌روند. آقای مهندس ادب در مجمع مورخه ۸۰/۷/۳۰ در حسینیه ارشاد به عنوان رئیس بعد از انتخاب ناظرین و منشی جلسه از طریق آرای حاضرین طی نطق کوتاهی به دلیل به حد نصاب نرسیدن جلسه پایان آن را اعلان می‌نماید. در ادامه اظهار داشتند چون محل حسینیه تا ساعت ۷ در اختیار ماست می‌توانیم با بحث آزاد جلسه را ادامه دهیم و برای ادامه اداره جلسه خواستند که نسبت به ریاست او برای ادامه کار چنانچه مایلند با بلند کردن دست نظر خود را اعلان نمایند که مورد موافقت قرار گرفت. آن‌چه در این رابطه مهم است اظهار تواضع ایشان و احترامش به رأی حاضرین هرچه می‌بود.

نقطه مقابل ایشان آقای مهندس غرضی بودند که به محض قرار گرفتن آقای مهندس ادب در پشت تریبون با بلند کردن دست و صدای رسا اعلان نمودند، هم شما به عنوان رئیس مجمع فعلی و هم مصوبه مجمع ۸۰/۵/۲۷ مبنی بر رسیدگی به وضعیت مالی سازمان از بدو تأسیس تاکنون که خواست اعضا در مجمع بود غیر قانونی است و اصرار داشتند قبل از رسمیت یافتن جلسه با استناد به قانون موضوع را اثبات

نمایند. آقای مهندس ادب و آقای مهندس غرضی نمایندگان دو نحله فکری متفاوتند که دو سرب یک طیف قرار گرفته‌اند که هم بین آن دو و هم خارج از نگاه آنها به زندگی و نحوه اندیشیدن، کس و کسانی دیگری هم وجود دارند و مجمع ۸۰/۷/۳۰ حسینیه ارشاد انعکاسی از این نگاهها بود.

نظرات مطرح شده و برخوردهای اشخاص و حتی نامه‌نگاریهای انجام شده بین سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران و وزارت مسکن و شهرسازی به وضوح نشان‌دهنده این موضوع بود. قوانین به منظور تسهیل امور و تنظیم مناسبات فی مابین اعم از اجتماعی، اقتصادی و... وضع می‌شوند نه برای مانع‌تراشی و سد کردن سیر طبیعی و به هنگام امور، لذا چنانچه قانونی تحت شرایطی خاص به تصویب رسیده باشد و امروز به عنوان عاملی بازدارنده در سیر طبیعی امور عمل نماید. و یا کسانی برای حفظ موقعیت خود درصدد سوءاستفاده از قانون برآیند باید تغییر نمایند. عقل نیز چنین حکم می‌کند.

(مقاله‌ی نمایشنامه در هفت پرده با آن که تا پرده پنجم پیش رفته آن و هیئت خاص را حکایت می‌کند) اصرار بر قانون‌گرایی و تأکید بر اجرای قوانین موجود که امروز بسیار هم تبلیغ می‌شود و اشاره آقای مهندس غرضی در مجمع به ماده ۵۳ و اصرار ایشان به قانونی بودن دلایل ایشان برای اثبات غیرقانونی بودن مصوبه مجمع

نمایند. آقای مهندس ادب و آقای مهندس غرضی نمایندگان دو نحله فکری متفاوتند که دو سرب یک طیف قرار گرفته‌اند که هم بین آن دو و هم خارج از نگاه آنها به زندگی و نحوه اندیشیدن، کس و کسانی دیگری هم وجود دارند و مجمع ۸۰/۷/۳۰ حسینیه ارشاد انعکاسی از این نگاهها بود.

نظرات مطرح شده و برخوردهای اشخاص و حتی نامه‌نگاریهای انجام شده بین سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران و وزارت مسکن و شهرسازی به وضوح نشان‌دهنده این موضوع بود. قوانین به منظور تسهیل امور و تنظیم مناسبات فی مابین اعم از اجتماعی، اقتصادی و... وضع می‌شوند نه برای مانع‌تراشی و سد کردن سیر طبیعی و به هنگام امور، لذا چنانچه قانونی تحت شرایطی خاص به تصویب رسیده باشد و امروز به عنوان عاملی بازدارنده در سیر طبیعی امور عمل نماید. و یا کسانی برای حفظ موقعیت خود درصدد سوءاستفاده از قانون برآیند باید تغییر نمایند. عقل نیز چنین حکم می‌کند.

(مقاله‌ی نمایشنامه در هفت پرده با آن که تا پرده پنجم پیش رفته آن و هیئت خاص را حکایت می‌کند) اصرار بر قانون‌گرایی و تأکید بر اجرای قوانین موجود که امروز بسیار هم تبلیغ می‌شود و اشاره آقای مهندس غرضی در مجمع به ماده ۵۳ و اصرار ایشان به قانونی بودن دلایل ایشان برای اثبات غیرقانونی بودن مصوبه مجمع

نمایند. آقای مهندس ادب و آقای مهندس غرضی نمایندگان دو نحله فکری متفاوتند که دو سرب یک طیف قرار گرفته‌اند که هم بین آن دو و هم خارج از نگاه آنها به زندگی و نحوه اندیشیدن، کس و کسانی دیگری هم وجود دارند و مجمع ۸۰/۷/۳۰ حسینیه ارشاد انعکاسی از این نگاهها بود.

نظرات مطرح شده و برخوردهای اشخاص و حتی نامه‌نگاریهای انجام شده بین سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران و وزارت مسکن و شهرسازی به وضوح نشان‌دهنده این موضوع بود. قوانین به منظور تسهیل امور و تنظیم مناسبات فی مابین اعم از اجتماعی، اقتصادی و... وضع می‌شوند نه برای مانع‌تراشی و سد کردن سیر طبیعی و به هنگام امور، لذا چنانچه قانونی تحت شرایطی خاص به تصویب رسیده باشد و امروز به عنوان عاملی بازدارنده در سیر طبیعی امور عمل نماید. و یا کسانی برای حفظ موقعیت خود درصدد سوءاستفاده از قانون برآیند باید تغییر نمایند. عقل نیز چنین حکم می‌کند.

(مقاله‌ی نمایشنامه در هفت پرده با آن که تا پرده پنجم پیش رفته آن و هیئت خاص را حکایت می‌کند) اصرار بر قانون‌گرایی و تأکید بر اجرای قوانین موجود که امروز بسیار هم تبلیغ می‌شود و اشاره آقای مهندس غرضی در مجمع به ماده ۵۳ و اصرار ایشان به قانونی بودن دلایل ایشان برای اثبات غیرقانونی بودن مصوبه مجمع

بدانها اشاره می شود بازگو می کنید.

مدیرکل محترم دفتر سازمانهای مهندسی و تشکلهای حرفه ای وزارت مسکن طی نامه شماره ۴۰۳/۱۴۱ مورخه ۸۰/۷/۱۸ و با استناد به ماده ۵۳ خواستار ارسال مصوبه هیئت مدیره می شود و در پاسخ به درخواست ریاست محترم سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران مبنی بر معرفی دو نفر حسابدار و یا حسابرسی به سازمان برای رسیدگی به وضعیت مالی سازمان از بدو تأسیس تاکنون که بنا به مصوبه مجمع ۸۰/۵/۲۷ شده بود رافاقد محمل «قانونی» می داند و با این استدلال که ترازنامه های مالی سازمان در سالهای گذشته به تصویب مجمع عمومی رسیده و از وظائف و اختیارات مجمع فعلی نمی باشد آن درخواست را رد می کند.

آقای مدیرکل محترم، اولاً به عرض جنابعالی برسانم نقد و بررسی و تجزیه و تحلیل آن چه گذشتگان ما کرده اند و گفته اند و یا حتی وعده آن را داده اند از وظایف فرد فرد ما از جمله خود شماسست. ثالثاً به قول یک ضرب المثل ایرانی «آن را که حساب پاک است از محاسبه چه باک است؟» در ادامه مدیرکل سازمانهای مهندسی و تشکلهای حرفه ای وزارت مسکن طی نامه شماره ۴۰۳/۱۴۷ مورخه ۸۰/۷/۲۸ به شورای امنیت کشور مجمع مورخه ۸۰/۷/۳۰ اعضای سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران در حسینییه ارشاد را غیر قانونی اعلان می کند و خواستار اقدامات پیشگیرانه می شود؟! آقای مهندس ادب با همان نگاه خود در یکی از بندهای نامه شماره ۱۱۰/۸۰/۳۱۳۴ مورخه ۸۰/۷/۲۹ به ریاست شورای امنیت کشور می گوید، «مجمع مهندسان» عضو سازمان، جمعی فرهیخته است و علی رغم تمام اختلاف سلیق که لازمه چنین مجموعه هائست، هیچگاه نه تنها اقدامی علیه امنیت ملت و مملکت ننموده اند، بلکه خود از مدافعان امنیت پایدار و آزادیهای فردی و اجتماعی هستند، این شیوه عمل و نگاه کردن به مهندسان «از سوی وزارت مسکن و شهرسازی» توهین به جمع ایشان تلقی می گردد.»

ده نفر از ۲۵ نفر عضو هیئت مدیره همصدا با مدیرکل محترم دفتر سازمانهای مهندسی و تشکلهای حرفه ای وزارت مسکن و شهرسازی مجمع ۸۰/۷/۳۰ را کان لم یکن می کنند و آقای مهندس ادب در نامه مورخه ۸۰/۷/۲۶ به روزنامه های همشهری و اطلاعات اعلان می نماید که مجمع آگهی شده تشکیل می شود. آقای دکتر فرید اعلم طی مصاحبه تلفنی با روزنامه همبستگی بر تشکیل مجمع مورخه ۸۰/۷/۳۰ تأکید می گذارد. این که یکی از مهندسان از آقای مهندس ادب می پرسد بفرمایید پشت

پرده چه خیر است تا ما هم بدانیم، چگونگی تأمین منافع صنفی اعضای سازمان را در هنگامه این چالشها مورد پرسش قرار می دهد، خواستار راه حلی ملی جهت برون شدن از مشکلات موجود با هدف تأمین منافع بدنه اعضای نظام مهندسی می شود. و این که بعضی از آقایان مهندسان هم باین خیر خواهانه به منظور تأمین هرچه بیشتر منافع صنفی اعضا ضمن اشاره به مشکلات مهندسان به ذکر نصیحت به طرفین اکتفا می کند و بسیاری از سوالات دیگر همه نشان از آن است که بن بست موجود همچنان باقی است. اما به نظر من اولین گام برای حل مشکلات موجود که ناشی از تلقی استصوابی مسئولین وزارت مسکن و شهرسازی نسبت به سازمان و مصوبات آن و قوانین موجود است، افزایش سطح مشارکت اعضا در امور مربوط به خودشان حول محور منافع صنفی آنان و شفاف کردن مواضع افراد مختلف چه در هیئت مدیره و چه در وزارت مسکن به منظور رشد کیفی، آگاهی صنفی اعضا نسبت به مصالح خودشان جهت تصمیم گیری در مجمع آتی می باشد.

مصطفی اردستانی گلی

زرمه انعزال سازمان برای جلوگیری از حسابرسی

با نگاهی به بحثها در مجمع عمومی مهندسين استان تهران در چند ماهه اخير خيلي از مسائل روشن تر مي شود مخصوصاً اگر از مطالب منتشر شده در نشریه پیام در چند ماه اخير (شماره های ۱۷، ۱۸ و ۱۹) را خوانده و از آن آگاه شده باشیم.

قبل از هر چیز باید به یاد داشته باشیم که مجمع عمومی سازمان برای سالهای طولانی بدون رعایت تشریفات قانونی برگزار می شد. طبق ماده ۵۶ آیین نامه اجرایی قانون سازمان نظام مهندسی مجمع عمومی سازمان نظام مهندسی باید توسط هیئت رئیسه ای مرکب از رئیس، یک منشی و دو ناظر اداره شود و طبق قانون منشی و دو ناظر لازم است از بین اعضای حاضر در مجمع عمومی با اکثریت نسبی انتخاب شوند. این مسئله پس از سالها بی توجهی بالاخره در زمانی که مسائل و مشکلات سازمان در نشریات و روزنامه ها بازتاب یافت، ریاست وقت سازمان نظام مهندسی استان پذیرفت که ماده ۵۶ آیین نامه اجرایی قانون سازمان نظام مهندسی اجرا شود. در اینجا نیز از تلاش عده ای از مهندسين مستقل به ویژه مهندسين مشهور به گروه مهندسين منفرد باید قدردانی کرد. حال که فضای جدیدی ایجاد شده است و مجمع عمومی غیرقانونی یا به عبارت دیگر فرمایشی

اداره نمی شود فرصت بحث و اظهار نظرها بیشتر شده است و برعکس مجمع تشریفاتی قبلی، امروز مهندسين می خواهند بیشتر بدانند و می توانند سوالات متعددی را مطرح و در مسائل اظهار نظر می کنند. اگر آرامش ظاهری مجمع گذشته دیگر حکم فرما نیست، ولی به دلیل فضای جدید گفتگو باید از مسببین ایجاد این فضای نو کمال تشکر و قدردانی را داشت. عده ای که از این شفاف سازیها احتمال خطر می کنند سعی در غیرواقعی و در مواردی غیرقانونی جلوه دادن این مجمع دارند. برای نمونه می گویند مجمع عمومی امروز سازمان شایسته این قشر فهمیده یعنی مهندسين نیست. البته نظم و آرامش خواست همه انسانهای شریف است ولی بی تردید سکوت قبرستان گونه، شایسته این قشر آبادگر نیست.

گفتنی است که بخش عمده ای از سروصداها در مجمع ناشی از تلاش همین افراد است که سعی دارند حتی یک مسئله داخلی را به کمک عده ای از کارکنان دولتی به شورای امنیت ملی ببرند. آیا واقعاً موضوع این بحث ها و حسابرسی اینقدر بحران ساز است که امنیت ملی را درخطر بیندازد؟ علیرغم تمام فشارها و تلاش هایی که شد همه دیدیم که مجمع عمومی فوق العاده در زمان مقرر در محل تعیین شده برگزار شد، ولی خطری برای امنیت ملی در پیش نیامد.

در مجمع عمومی ۸۰/۵/۲۷ وقتی تراز سالانه تصویب نشد، اکثریت حاضر در مجمع لزوم حسابرسی پیشنهادی یکی از اعضای هیئت مدیره سازمان را به تصویب رساند. چرا تصویب پیشنهاد رسیدگی به حسابهای سازمان از ابتدا، باید عده ای را اینگونه وحشت زده کند؟ تلاش های مختلف برای غیرقانونی جلوه دادن این مصوبه خود دلیل بر آن است که اکثریت مهندسين حاضر در مجمع عمومی حق داشتند بدانند، حسابها، از روز اول تاکنون چگونه بوده است. فرض کنیم حسابهای سالهای قبل درست بوده و تصویب نیز شده است، ولی شکل تصویب آن به دلیل در اختیار نبودن اطلاعات لازم از جمله صورت حسابهای تراز در دست اعضا و با توجه به رعایت نشدن ماده ۵۶ آیین نامه اجرایی قانون خود دلایل کافی و محکم برای لزوم رسیدگی به حسابهای گذشته است. با فرض آنکه همه حسابها درست باشد، چه نگرانی وجود دارد که با هرگونه اقدام از جمله بایکوت جلسات تلاش می شود جلسات هفتگی هیئت مدیره تشکیل نشود؟ تا از این راه تاریخ مجمع تعیین نشود. وقتی ریاست سازمان مرکزی اعلام می دارند در شهرستانها برای صد تومان و حتی کمتر، اعضا از مسئولین سازمان

اعتبار و منزلت جامعه مهندسی در کفه آزمون نظام مهندسی

چندی است قانون تشکیل سازمان نظام مهندسی با هدف نهادینه کردن و سامان بخشی به نظام مهندسی ساختمان در جهت اعتلا و حل مشکلات این صنعت از تصویب مراجع قانون کشور گذشته و اجرا می گردد. بخش بسیار کوچکی از آیین نامه اجرایی این قانون مفصل مربوط به برگزاری آزمون است که عضویت اعضا و اخذ پروانه اشتغال به کار مهندسی را منوط به گذراندن آن نموده است و بر همین اساس مسئولان ذیربط هر سال حدود ۲ بار اقدام به برگزاری آزمون مذکور می نمایند. با احترام به این مراجع و با تأکید بر هدف بسیار والای تشکیل این سازمان به عنوان عضوی از جامعه مهندسين معمار و شاهدان عینی نتایج حاصل از نحوه برگزاری آزمون یاد شده بر خود فرض دیده ایم که در این ارتباط با مسئولان مربوطه بارها رایزنی کنیم ولی با کمال تأسف مسئولان محترم تاکنون به اعتراضات مربوطه یکجانبه نگریسته و با پافشاری بر نحوه عمل خویش دائماً بر بال و پر چنین آزمون افزوده و آن را به مثابه سد و مانعی درآورده اند که به گفته خود ایشان مخاطبان را مجبور به بازگشت و تهیه نردبان برای گذار از آن بنمایند! آن چه که در پی خواهید خواند انعکاس و چکیده سؤالات و اعتراضات اشکار و پنهان بسیاری از مهندسين و فارغ التحصیلان رشته معماری تحصیل کرده در این مرزوبوم می باشد که پس از حداقل ۹ سال تحصیل و کار در زمینه های مختلف معماری برای اخذ پروانه اشتغال جهت طراحی و نظارت ساختمان در شهرها، ملزم به گذراندن چنین آزمون گشته اند و هیچکس به این سؤال جواب نمی دهد که چرا در هر آزمون بیش از نیمی از ایشان مردود می گردند؟ و تنها این آمار را دلیل بر ناکارآمدی شرکت کنندگان و صحنه بر عمل خویش می دانند و در خوشبینانه ترین حالت فارغ التحصیلان نیازمند و بیگانه را در آزمون سعی و خطا قرار می دهند و به طور پیوسته در برگزاری آزمون بدون هیچ معیار و عدالتی دخل و تصرف می نمایند و معلوم نیست چه کسی مسئول ضرر و زیانهای شرکت کنندگان است که علیرغم حقوق انسانی و ملی خویش در این آزمون ها شرکت می کنند و آن چه را که جزو مباحث اصلی آزمون است را به خوبی مطالعه و پاسخ می دهند ولی معلوم نیست با چه معیاری قبول نمی شوند و مع الاسف باید چند سال هم بدین دلیل ممتنع از کار در حرفه خویش که برای آن زحمت زیاد هم کشیده اند، بمانند.

مجمع عمومی که درخواست جلسه فوق العاده را نموده است و حدود تاریخ برگزاری آن را اعلام داشته آیا هیأت مدیره که یک ارکان پایین تر از مجمع عمومی است می تواند مصوبه مجمع عمومی را اجرا نکند؟ آیا تعیین نکردن تاریخ مجمع خود به نوعی مخالفت یا مجمع عمومی و خواست اکثریت اعضا که رکن بالاتر است نمی باشد؟

عده ای تلاش دارند اصولاً موضوع رسیدگی به حسابها را کاری خلاف قانون جلوه دهند، آیا شفاف سازی که در سطح جامعه در دوران اصطلاحات به شعار روز تبدیل شده است را می توان نادیده گرفت؟ همانگونه که اکثریت اعضای حاضر در مجمع درخواست نمودند این حسابرسی توسط حسابرسان خبره و قسم خورده انجام می شود آیا باید گفت این کار غیرعادی و اصولاً غیرقانونی است؟ آیا فکر نمی شود مخالفت با حسابرسی به شایعه احتمال وجود خلاف کاری در حسابهای گذشته دامن می زند؟

فرار از حسابرسی و رفتن دنبال شعار انحلال سازمان آیا راه حل است؟ آیا فکر نمی کنند که ۶ ماه پس از انحلال سازمان نظام مهندسی استان تهران- آن هم در صورت پذیرش این موضوع که زیاد هم محتمل نیست و در شرایط فعلی بعید هم به نظر می رسد- باید انتخابات انجام شود و همین مهندسين عضو سازمان مجدداً رأی خواهند داد و هیأت مدیره را تعیین می کنند، مگر آنکه تصویب شود می توان ۶ ماه را به ۶ سال و بیشتر نیز کشاند، تصور خامی که کمترین احتمال انجام آن هم در واقعیت وجود ندارد.

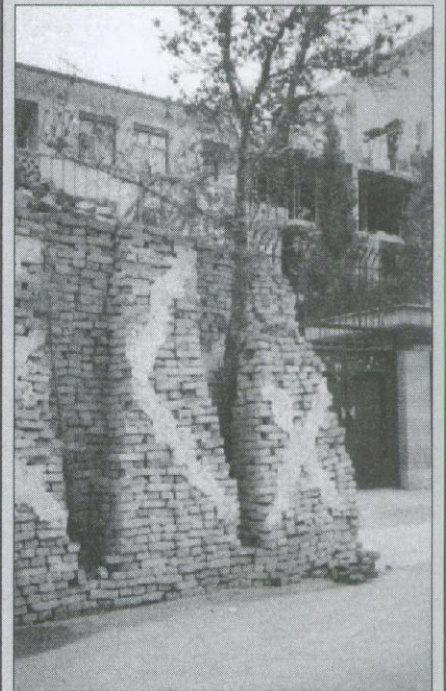
آیا فکر تعطیل همیشگی سازمان و دادن مسئولیت ها به وزارت مسکن و شهرسازی با سیاست های روز کشور و درخواست مشارکت اعضا و ایجاد نهادهای غیر دولتی (N.G.O) مخصوصاً در پی انتخابات شوراهای شهر و روستا هم خوانی دارد؟

اگر قرار بود کارهای مهندسين در دست دولت باشد وزیر مسکن وقت پیگیری تصویب و اجرای قانون سازمان نظام مهندسی را در دستور کار قرار نمی داد. موضوع استقلال بیشتر سازمان امروزه شعار بخش عظیمی از مهندسين است. آیا فکر رفتن به سمت انحلال و یا تعطیل این سازمان در استان تهران برای همیشه می تواند جایگاهی در این برهه از زمان در بین اعضای سازمان نظام مهندسی با حدود ۲۵۰۰۰ عضو در تهران داشته باشد؟ زمزمه انحلال و سوسه ای بیش نیست! پاسخ به این سؤالات برای کسانی که روح زمانه را درک کرده باشند مشکل نیست! امضاء محفوظ

می خواهند پاسخ گو باشند، حال چرا این روش قانونی در مورد استان تهران که بزرگترین استان کشور است نباید اجرا شود؟ این دو گونه برخورد کردن را چگونه می توان توجیه نمود؟ این چه منطقی است که وقتی مجمع تراز را تصویب نکرد، کار مجمع عمومی عالی ارزیابی می شود، ولی تصمیم به رسیدگی به کلیه حسابها از بدو تأسیس توسط همان مجمع عمومی را غیرقانونی می دانند؟

اعتراض به غیرقانونی بودن آخرین جلسه مجمع عمومی فوق العاده (۸۰/۷/۲۰) از سوی مخالفین وقت زیادی را گرفت. اصل بحث مخالفین تشکیل این مجمع عمومی فوق العاده تکیه بر ماده ۵۳ آیین نامه اجرایی قانون بود. نگاهی به این بند از قانون موضوع بحث را روشن تر می کند. در ماده ۵۳ آیین نامه اجرایی قانون سازمان نظام مهندسی می خوانیم: «جلسات مجمع عمومی به طور عادی سالی یک بار و به طور فوق العاده به تعداد دفعاتی که در اجلاس عادی مجمع عمومی تعیین می شود، به دعوت هیأت مدیره تشکیل می شود».

حفظ محیط زیست!



امیر آباد - خیابان دوازدهم - در قوانین شهرداری آمده است درختانی را که در محدوده حریم کارگاه ساختمانی قرار دارند، باید حفظ کرد. در غیر این صورت، به شرط پرداخت هزینه کلانی، باید از مراجع مربوطه مجوز گرفت. در این جا ظاهراً درخت حفظ شده اما در واقع فضایی ایجاد شده است که مرگ تدریجی آن را در پی دارد.

پس از تصویب قانون تشکیل سازمان نظام مهندسی ساختمان و متعاقب آن اقدامات به موقع و قابل تقدیر وزارت مسکن در تصویب آیین نامه‌ها به نظر می‌رسد که فرصت بسیار خوبی فراهم آید تا کلیه مهندسیین مرتبط با رشته ساختمان در قالب یک نظام هماهنگ و با پشتیبانی این سازمان و در چارچوب قوانین حقوقی بسیار خوب به فعالیت حرفه‌ای خویش ادامه دهند و دست بسیاری از ناکارآمدان غیرمتخصص و سودجو از دامان این صنعت مقدس و با پیشینه کشور، کوتاه گردد و کلیه درس خواندگان و زحمت کشیدگان این رشته‌ها در جایگاه واقعی خویش قرار گیرند و دست در دست هم در جهت اعتلای صنعت ساختمان کشور گام بردارند.

ولیکن نحوه برگزاری آزمون پیش‌بینی شده جهت عضویت در این سازمان و اخذ پروانه اشتغال که حدود ۴ سال است برگزار می‌گردد علیرغم آن که دریچه بسیار مفیدی برای شناخت و آگاهی و هماهنگی متخصصین و سایر دست‌اندرکاران ساختمان با منابع و استانداردهای تخصصی و قوانین کشوری می‌توانست باشد مع الاسف دارای نقایص و مشکلاتی است که نتیجه آن دور شدن از اهداف مقدس پیش‌بینی شده برای تشکیل این سازمان (نظام مهندسی) و برعکس طرد بیش از ۶۰٪ نیروهای متخصص جامعه و به جاشیه راندن این افراد می‌شود که در نتیجه یا موجب اشتغال ایشان به کارهای غیر از تخصص حرفه‌ای ایشان می‌گردد یا آنها را به خارج کشور سوق می‌دهد و یا حداقل موجب انزوا و قرارگیری ایشان در نقطه سیاه و کوری می‌شود که جامعه و کشور علیرغم نیاز فراوانی که به مهندسیین معمار متخصص دارد (به گفته صریح مسئولان ذیربط) و علیرغم آن که بسیاری به ناحق جای ایشان را در این زمینه و هنر گرفته‌اند، نتواند از خدمت ایشان بهره گیرد.

از سوی دیگر هم در آن دسته کسانی که موفق می‌شوند این آزمون را بگذرانند نوعی بی‌انگیزگی به وجود می‌آورد که تنها به رعایت قوانین و آیین‌نامه‌های خشک موجود پردازند و در بازار خرید و فروش برگه قرار گیرند و در این حرفه (که به دلیل جنبه‌های زیباشناختی از آن به هنر و معماری یاد می‌کنند) دیگر بیان سلیقه‌ها و حس عشق به اعتلا و پیشرفت و دلسوزی برای وضعیت تابه‌نهار عرصه معماری و شهرسازی، تقریباً از بین رفته است کما این که از زمان تشکیل این سازمان هم به مانند قبل از آن به شهادت تمامی جامعه معماران، هیچ‌گونه پیشرفتی در حل مشکلات عدیده معماری و ساخت و ساز (مگر در موارد خاص و توسط

صاحبان قدیمی این هنر که به هیچ عنوان چنین موانعی را پیش پا نداشتند) نکرده‌ایم که هیچ، بلکه پسرقت هم داشته‌ایم، دلیل آن هم هیچ چیزی نمی‌تواند باشد الا ایجاد این موانع و فیلترهای مختلف که تنها نتیجه آن حذف بی‌دلیل اکثریت دانشجویان و فارغ‌التحصیلان در هر دوره، و مهمترین ثمره آن باز شدن بازار خرید و فروش برگه‌ها می‌باشد که تصور نمی‌کنم در کشورهای پیشرفته‌ای که مسئولان محترم روش کار ایشان را مثال و حجتی برای خویش می‌دانند چنین بازارهایی رونق داشته باشند. آیا این هدف مجلس و وزارت محترم مسکن و شهرسازی از تصویب قانون تشکیل سازمان نظام مهندسی و وضع آیین‌نامه مربوطه بوده است؟

آیا غیر از این است که در این زمینه هم در برخورد با مسایل آن راحت‌ترین راه انتخاب شده است بدون آن که به عواقب آن بیاندیشیم به مثالی که در پی می‌آید و واقعی است توجه کنید: در شهرک کرج در تقاطع بزرگراه ملارد و خیابان سرحدآباد پل عابر پیاده‌ای در حد و استانداردهای پلهای خوب موجود در کشور وجود دارد و ایضاً تابلوها و چراغهای راهنمایی مربوطه. چندی است که سازمان ترافیک شهر کرج در این نقطه و بر سر راه اصلی بزرگراه اقدام به نصب سرعت گیر آن هم از نوع بلندترین و بدساخت‌ترین آن نموده است که تمامی خودروهای عبوری بزرگراه را مجبور به توقف کامل در این مکان می‌نماید و در عین حال آنها را متحمل خسارات عدیده و در معرض خطر تصادف شدید قرار می‌دهد. تصور بفرمایید که در سر راه یک بزرگراه که شریان اصلی ارتباطی است و سرعت ماشین در آن بین ۷۰ الی ۱۰۰ کیلومتر در ساعت می‌باشد و ماشین‌های سبک و سنگین بیشماری از آن عبور می‌کنند ناگهان در سر راه با یک سرعت گیر از نوع آن چه که در محله‌های با درصد امنیتی بالا قرار دارد مواجه می‌شوید که باید سرعت ماشین را به صفر رسانیده و در ضمن متحمل خطرات فراوان برخورد ماشین‌های سبک و سنگین از عقب و ایضاً صدمات وارده به اتومبیل خود باشید. سؤال آنست که چه کسی مسئول خسارات جانی و مالی وارده بر رانندگان بیگناهی است که هر روز در این مسیر رفت و آمد می‌کنند و وقتی به شخص مسئول اداره ترافیک در این زمینه مراجعه نمودیم جواب تنها این بود: در این محل عابرین پیاده در خطر هستند و تا به حال کشته هم داده‌اند. گفتیم اگر یکی از عابرین علیرغم وجود پل هوایی از وسط بزرگراه عبور می‌کند و یک راننده هم بهر حال باعث مرگ او می‌شود چه ارتباطی با هزاران

راننده دیگری دارد که هر روز در آن مسیر با احتیاط رفت و آمد می‌نمایند و باید چنین توانی پردازند؟ و حرف حساب هم که جواب ندارد! این هم دقیقاً عین جوابی است که یکی از مسئولان محترم صدور پروانه هنگام انعکاس نظر خود به ایشان شنیدیم: ما فارغ‌التحصیلانی (حتی خارج از کشور) داریم که بلد نیستند یک خط هم بکشند. سؤال ما این است که:

۱. این افراد چند درصد جامعه مهندسیین را تشکیل می‌دهند؟

۲. خط کشیدن را با چه معیار و میزان مشخص و غیر قابل تردیدی می‌توان سنجید؟

۳. آیا پیش گرفتن چنین روندی مصداق بستن در مسجد به خاطر یک بی‌نماز نیست؟

آیا انصاف است به خاطر معدود افرادی که

علیرغم وجود حداقل اطلاعات و راهکارهای لازم، به هیچیک از قوانین و معیارهای موجود توجه نمی‌کنند، کلیه فارغ‌التحصیلان زحمت کشیده را متحمل ضرر و زیان‌ها و خطرات فراوانی که این عمل ناسنجیده به دنبال دارد کرد؟ و آیا این تنها و مناسب‌ترین راه حل است؟ آیا این یک راه حل ناسنجیده و حذف‌گرا و انحصارطلبانه نیست؟ اگر به فرض محال بیش از نیمی از فارغ‌التحصیلان دانشگاهها (آن‌طور که از نتیجه آزمون در هر دوره و بخصوص دوره‌های اخیر استنباط می‌شود) مشکلات علمی دارند آیا فکر نمی‌کنید که این یک مشکل ملی است و راه حل آن مطمئناً از دید یک سازمان خارج است و تنها کسانی که گناهی ندارند خود دانشجویان هستند که با هزاران مشکل وارد مراکز آموزش عالی می‌شوند؟ آیا در دانشگاه‌ها مقررات ملی ساختمان ایران حتی به صورت دروس اختیاری تدریس می‌شود؟ از مسئولان محترم تقاضا داریم آن چه را که آمده و در پی خواهد آمد با دقت و حسن نظر مطالعه نموده و با چاره‌اندیشی برخورد نمایند حتی این امر را با پرسش‌نامه‌ای از کلیه شرکت‌کنندگان (اعم از قبول شده و مردودین) و ایضاً دانشجویان پی‌گیری نمایند. چه این حکایت دردی است که شاید به نوعی گریبانگیر کل جامعه می‌باشد و آن عدم اتخاذ روشهای مناسب در برخورد با نیروهای متخصص و زحمت کشیده کشور همان کسانی علاوه بر تحصیل دانشگاهی یعنی سالها مطالعه، تحقیق و تحمل سختیهای فراوان در مراکز آموزش عالی کشور با تمام کمبودهایی که این مراکز از لحاظ امکانات عملی دارند به فراخور تخصص آکادمیک خویش مشغول خدمت در این سرزمین بوده و می‌باشند و حداقل به جرأت می‌توان گفت که در حد نیازهای بسیار ابتدایی بازار ساختمان امروزی معلومات دارند و این حق مسلم ایشان است که بعد از تحصیل در هر

زمان و در هر مکانی از این سرزمین پهناور که مایل باشند مشغول خدمت گردند و جایز نیست که ایشان را در مسیر اشتغال خود در کشورشان دلزده و مطرود کرده و خلاصه هرگونه برخورد تدافعی صورت داد. مگر این حق هر انسانی نیست که بعد از زحمت فراوان تحصیل و اخذ درجات علمی در حیطه مورد علاقه خویش خدمت کند آیا این به نوعی همان تصور غالب نیست که چون گرفتن پروانه اشتغال برای این قشر محل درآمدی (نه چندان مطلوب) خواهد شد پس باید ایشان را همانند بسیاری موارد دیگر به نوعی در تنگنا قرار داد تا به راحتی به آن نرسند؟ اگر این طور نیست پس حتماً مسئولان ذریبط تصور می نمایند که فارغ التحصیلان قصد استخدام در مؤسسه ای را ندارند که مسئولان آن ارگان حق دارند تا شاخص محدودی را آن هم بیشتر با رأی و سلیقه خویش انتخاب نمایند، آیا این طور است؟ اگر این طور نیست پس به چه حقی حتی برگزیدگان آزمون مقررات ملی ساختمان را با امتحان اسکیس رد می کنید؟ این عمل با کدامیک از حقوق قانونی و اساسی اعضای جامعه مطابقت دارد؟

توجه مسئولان محترم را بدین نکته جلب می کنم که این آزمون شکل اولیه خود که منظور نظر مسئولان محترم هم چیزی فراتر از آن نبوده است می توانسته به نوعی مفید هم واقع شود چون علاوه بر سنجش حداقل اطلاعات لازم برای یک مهندس در رابطه با موضوع ساختمان ایشان را تشویق به شناخت و ملزم به پیروی از منابع و مراجع قانونی کشور می نماید ولیکن پیچیده کردن و هوش آزمایی و سنجش سرعت عمل و برگزاری امتحانات طراحی و اسکیس با موضوعات بعید و زمانهای محدود و موارد مشابهی که در هر دوره بر رنگ و لعابش، آن هم به دور از معیارهای علمی و شاخص های استاندارد اضافه می شود چه سودی دارد؟

تنها شائبه ای که پیش می آید این است که این آزمون بدین شکل که قریب دو الی سه دوره است برگزار می گردد هیچ هدفی جز حذف بیش از نیمی از فارغ التحصیلان دانشگاهی کشور (که اگر به آمار مراجعه کنیم با توجه به این که اکثراً دو الی سه دفعه در این آزمون شرکت نموده اند در هر بار بیش از ۷۰٪ برای هر سال فراغت از تحصیل) ندارد که نتیجه آن انحصارطلبی با تحدید و متعاقباً ایجاد بازار کار سیاه یعنی همان خرید و فروش برگه ها (یعنی در اصل خرید و فروش هنر و فن مقدس ساختمان!!) و در خوشبینانه ترین حالت باز کردن دست سودجویان امر آموزش های جدید الظهور! آزمون مقررات ملی ساختمان است. آیا این هدف آزمون است بوده است؟

آیا مهندسين معمار مملکت اینقدر در سطح پایین علمی قرار دارند که علیرغم حداقل ۹ سال تحصیل و کار باید فقط چند ساعت در این کلاسها بنشینند تا صاحب فن مهندسی ساختمان شوند؟ آیا این است اهداف تشکیل سازمان نظام مهندسی؟ آیا این همان نهادینه کردن و کمک به توسعه و حل مشکلات مهندسی ساختمان است؟

ضمناً آیا جز این است که مسئولان محترم فعلی خود زمانی پروانه اشتغال گرفته اند که یا اصلاً آزمونی وجود نداشت یا اگر هم بود (طی حدود ۲ سال اخیر) بدین شکل با مشخصاتی که ذکر شد نبود؟ اگر اینچنین است پس باید روی تمام گذشته مهندسی مملکت خط بطلان کشید و این دوران را نقطه عطفی در شکوفایی هنر معماری در ایران دانست!

آیا اگر تعداد شرکت کنندگان و فارغ التحصیلان بیشتر می شود باید اعمال محدودیت ها را (با بالا بردن درجه آزمون) بیشتر کرد و آیا بازار کار ساختمان مملکت اینقدر از نیروی متخصص واقعی اشباع شده که ناچار به جلوگیری از ورود بیش از نیمی از ایشان در هر سال به این بازار می باشیم؟

اگر اینچنین نیست پس حتماً تصور می کنید که با این شکل آزمون و بالا بردن محدودیت های آن مهندسان مملکت را صاحب فن می کنید؟ آیا مسئولان محترم و هیچیک از مهندسان با سابقه کشور حاضر به شرکت در یک چنین آزمونی می باشند؟

آیا جز این است که با چنین آزمونهایی آن هم بدین شکل ناسنجیده شما هم مانند همان مسئول ترافیک که مثال آن ذکر شد همه را با یک چوب می زنند به دلیل آن که شاید در میان کل جمعیت معمار کشور عده ای انگشت شمار بنا حق درجه مهندسی گرفته اند؟ آیا می دانید بیش از ۹۰٪ آنها که مردود شده اند دارای سابق کاری بسیار خوب در پست های مختلف این کشور (چه شخصی و چه دولتی) می باشند؟ پس آیا این شما مسئولان محترم را حداقل بدین فکر نمی اندازد که شاید نحوه برخورد و برگزاری آزمون ایراد اساسی دارد؟ شاید هم تصور بر آن است که ایشان در این مقام ها نیز بنا حق قرار دارند؟

اگر اصراری هم بر برگزاری آزمون وجود دارد چرا سوالات دوره های گذشته با این بخصوص دوره اخیر از لحاظ نوع و زمان و نحوه ارائه تفاوت های اساسی دارد؟ هدف از چنین آزمونی چه بوده است آیا هدف مسئولان محترم آشنایی با مقررات ملی ساختمان می باشد یا سنجش سرعت عمل و هوش و حافظه مهندسان؟

توجه مسئولان محترم را نسبت به بعضی از مواد امتحانی جلب می کنیم با این توضیح که

مواد امتحان مربوط به آزمون بسیار مباحث لازم و مفیدی می باشند ولی نتیجه عملی و اجرایی آنها متأسفانه کاملاً منفی است:

۱. آیا تعداد سوالات و زمان ۱۰۰ ثانیه برای هر خواندن و پاسخ هر سؤال کافی و معقول می باشد؟

۲. سوالات پیچیده و مبهم که بعضاً بدور از مفهوم واقعی منابع مورد آزمون می باشد؟

۳. دلیل حذف ۳ الی ۴ سؤال در لحظه برگزاری آزمون حاکی از بروز اشتباه نمی باشد؟

۴. دلیل اضافه شدن کتب دیگر که مرجع و تخصصی می باشند و مناسب با آزمون تستی نمی باشند چیست؟

۵. آیا حداقل نباید اگر به آزمون تستی ۴ سؤال عملی هم اضافه می کنید (که این خود جای تعجب دارد) حداقل زمان را هم اضافه کنید.

آیا این با دوره های گذشته قابل قیاس است در دوره های گذشته همین زمان بود مضاف بر این که اینقدر سوالات درهم ریخته و پیچیده نبود و ضمناً اصلاً سؤال عملی ارائه نشده بود.

۶. در مورد اسکیس هم باید بپرسیم اولاً پس آن سؤالی عملی ذکر شده در بالا چه بوده است؟ و ثانیاً هدف از برگزاری امتحان اسکیس طراحی حداقل با این موضوع باز و پیچیدگی و محدودیت زمانی چیست؟ آیا تصور بر آن است که ملاک سنجش صاحب فن بودن یک مهندس معمار در همین ۴ ساعت مشخص می شود و تمامی حداقل ۹ سال تحصیل و اشتغال وی و گرفتن نمره قبولی از بهترین و شناخته شده ترین مراکز آموزش عالی این مملکت هم نمی تواند به اندازه این امتحان اسکیس (که اصولاً اسکیس شرایط و زمان و هدف دیگری را دنبال می کند و در این آزمون محل اعراب ندارد) ملاک قضاوت باشد؟ همه می دانیم که مقوله طراحی یک مسئله با هزاران راه حل می باشد که واکنشهای سلیقه ای متفاوتی را برمی انگیزد حال چگونه می توان انتظار داشت که با برگزاری چنین اسکیزی آن هم با این موضوع باز و محدودیت بتوان بر توانایی یک مهندس معمار که می خواهد و بدون هیچ پیش شرطی حق دارد که در گستره این کشور در تمام زمینه های مرتبط با تخصص آکادمیک خویش خدمت کند، قضاوت کند؟

در همین جا پیشنهاد می گردد که بهتر و معقولتر آن است که جایگاه اشتباه اسکیس در این آزمون را صرفاً با چند سؤال طراحی و عملی (جزئیات ساختمانی) که قطعاً جوابهای مشخصی را دارند (و سلیقه ای نمی باشند) اصلاح و بهینه نموده و بدین ترتیب این بخش هم گزینه ای از این امتحان گردیده و از حکم (غیر عادلانه) پیش شرط قبولی آزمون خارج می گردد.

واقعاً اگر تصور بر آن است که با بیچاندن و

برگزاری کنگره سراسری مهندسان

سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران

بر اساس مصوبه بیست و سومین جلسه هیأت مدیره مورخ ۸۰/۱/۲۵ بدینوسیله از کلیه اعضای محترم سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران دعوت می شود تا در کنگره سراسری مهندسان که توسط سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران برگزار می گردد، شرکت فرمایند.

دستور جلسه:

- ۱ - بررسی مشکلات ساخت و ساز شهری
- ۲ - بررسی مسائل و مشکلات مهندسان در همکاری با سازمان های دولتی
- ۳ - بررسی مسائل مربوط به سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران و قانون نظام مهندسی
- ۴ - سایر موضوع های مورد توجه مهندسان

زمان و تاریخ برگزاری کنگره:

روز شنبه ۱۸ اسفندماه
از ساعت ۱۵ لغایت ۱۹

محل برگزاری:

محل برگزاری کنگره متعاقباً توسط روزنامه های کثیرالانتشار مصوب مجمع عمومی به اطلاع اعضای محترم سازمان خواهد رسید.

به منظور هرچه بهتر برگزار شدن این کنگره از اعضای محترم درخواست می شود در صورتی که علاقمند به ارائه مطلب یا مقاله خاصی در خصوص هر یک از موارد دستور جلسه فوق می باشند، برای زمان بندی ارائه مطالب مورد نظر دبیرخانه سازمان را مطلع نمایند.

هیأت رئیسه

سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران

بالا بردن درجه سختی آزمون بار علمی مهندسی کشور بالا می رود که باید بگویم این کاملاً اشتباه هست زیرا مشکلات این فن در کشور ارتباطی با این آزمون ندارد بلکه تنها ریشه در نیازهای مادی و کمبودهای اجتماعی و اخلاقی و فرهنگی و نارساییهای حقوقی دارد و حتی ارتباطی به مراکز آموزش عالی هم ندارد که اگر اینها حق شود نیاز به هیچگونه آزمونی و محدودیتی هم نیست و در غیر این صورت اگر هزاران آزمون و فیلتر هم اعمال شود باز نه تنها هیچ دردی دوا نمی شود بلکه این انحصار و محدودیت (با فراری دادن بسیاری از دانش آموختگان) باعث بروز فقر علمی بیشتر در جامعه مهندسی کشور می گردد.

آیا فکر نمی کنید تنها تنگنای اقتصادی، نیاز و بیکاری و پراکندگی و وسعت جامعه مهندسین (همانند بسیاری دیگر از نارساییهای موجود در جامعه) تنها عامل عدم اعتراض جدی به این شکل برخورد بوده است نه موافقت با آن؟

خلاصه آن که نتیجه و پیامد چنین آزمونهایی زیر سؤال بردن مدرک تحصیلی و روند آموزش دانشگاهی (که بعضاً در سطح بین المللی هم دارای اعتبار بسزا هستند)، بی مهری و بی عنایتی به زحمات و سختیهای چندین ساله فارغ التحصیلان، ناامیدی و بی اعتمادی نسبت به مراجع قانونی، ایجاد انگیزه برای مهاجرت به خارج از کشور، رونق بخشیدن به بازار سودجویان و دلالان خرید و فروش تخصص؟! به قیمت تباهی کیفیت و ارزشهای این صنعت ارزشمند و نهایتاً با کمال تأسف و تأثر صدمه به اعتبار، حیثیت و منزلت جامعه مهندسی می باشد. لذا از مسئولان محترم می خواهیم که به سوالات و موارد یاد شده دقیق و مثبت بپایندیشند و پاسخ منصفانه بدهند و خاطرنشان می کنیم که سنجش کارایی به منظور صدور جواز فعالیت مهندسان معمار را محدود به چنین آزمونهایی (حداقل بدین شکل ناسنجیده و قمع کننده) ننموده و به جای ایجاد موانع در پیش روی ایشان، با معرفی منابع قانونی (که این مهم به خوبی صورت پذیرفته) و استفاده از تعهدنامه های حرفه ای و ایجاد زمینه های حقوقی مؤثر، موجبات خدمت کلیه زحمت کشیدگان را به این مرز و بوم فراهم آورند و ملاک قضاوت را مؤکداً عمل به تعهدات اجرایی ایشان قرار دهند.

پاسخ مقتضی مسئولان را خواهانیم و آمادگی خویش را برای حضور در جلسه ای مشترک و باز با ایشان اعلام می داریم.

جمعی از مهندسین معمار

آرش میرشکرای - محمد مهدی همتی

طرح پیشنهادی نحوه دریافت «گواهینامه صلاحیت حرفه‌ای» و «پروانه اشتغال به کار مهندسی»

دکتر مهدی قالیبافان

بدون تردید برای کسب «صلاحیت حرفه‌ای»، تنها مسیر منطقی، کارکردن و کسب تجربه‌ای است و باید ترتیبی اتخاذ شود که مهندسان جوان بلافاصله پس از اتمام دورهٔ دانشکده، بتوانند به نحوی مطمئن و در معیت و زیر نظر مهندسان باتجربه، به کار مهندسی مشغول شوند.

پس از حداقل چهار سال کار حرفه‌ای مهندسی برای دارندگان دانشنامه کارشناسی، سه سال برای کارشناسان ارشد و دو سال برای دارندگان دانشنامه دکترا، مهندسان تازه‌کار می‌توانند با ارائه مدارک مثبت، برای گرفتن گواهینامه صلاحیت حرفه‌ای اقدام و برای گذراندن آزمون ارزیابی صلاحیت حرفه‌ای ثبت نام کنند و در صورت موفقیت در امتحان، «گواهینامه صلاحیت پایه ۳» در رشته و زمینه مورد نظر خود را دریافت دارند.

لازم به ذکر است که مدت انجام خدمت نظام وظیفه عمومی در این چهار سال منظور نمی‌شود مگر درحالتی که متقاضی گواهی صلاحیت، در مدت انجام خدمت، به کار حرفه‌ای مهندسی مشغول بوده باشد.

مهندسان دارای «گواهینامه صلاحیت پایه ۳» می‌توانند مسئولیت کارهای ساده ساخت و ساز را، راساً در محدوده‌ای که در مقررات مربوط تعیین می‌شود، به عهده گرفته و به انجام برسانند ولی کارهای بزرگتر را، باید زیر نظر مهندسان رده بالاتر انجام دهند. به عبارت دیگر، بسته به اهمیت کار، مهندسی باتجربه‌تر و باصلاحیت حرفه‌ای بیشتر باید مسئولیت کار آنها را بپذیرد.

حداقل چهار سال پس از دریافت «گواهینامه صلاحیت حرفه‌ای پایه ۳»، مهندسان می‌توانند با ارائه مدارکی دال بر اشتغال به کار مهندسی، تهیه و تسلیم گزارشی مكتوب از کارهایی که در مدت چهار سال انجام داده‌اند و منعکس کردن امتیازهایی که مطابق مقررات به کارهای مزبور تعلق می‌گیرند، در گزارش، متقاضی دریافت «گواهینامه صلاحیت حرفه‌ای پایه ۳» شوند و در صورت رسیدن امتیازها به حد نصاب، گواهینامه مورد نظر را دریافت دارند.

کسب امتیاز علاوه بر کارهای حرفه‌ای انجام شده، ممکن است از طریق گذراندن آزمون، شرکت در کلاس‌های بازآموزی، تدریس در کلاس‌های بازآموزی، حضور در کنفرانس‌های علمی و حرفه‌ای، سخنرانی و ارائه مقاله در کنفرانس‌های مزبور، نوشتن یا ترجمه مقاله در زمینه حرفه، تألیف یا ترجمه کتاب، ابداع و ارائه روشهای نو در مورد حرفه مهندسی و... صورت پذیرد.

با دریافت «گواهینامه صلاحیت حرفه‌ای پایه ۲» دامنه کارهایی که مهندس می‌تواند راساً مسئولیت انجام آنها را به عهده بگیرد گسترده‌تر می‌شود، ولی هنوز بخشی از کارها را باید زیر نظر و به مسئولیت مهندسان رده بالاتر به انجام برساند. حداقل پنج سال پس از دریافت گواهینامه مزبور، می‌تواند متقاضی دریافت «گواهینامه صلاحیت حرفه‌ای پایه ۱» باشند و در صورت رسیدن امتیازهای کسب شده به حد نصاب، به دریافت گواهینامه نائل گردند.

پس از دریافت «گواهینامه صلاحیت حرفه‌ای پایه ۱»، مهندس قادر خواهد بود مسئولیت انجام همه خدمات حرفه‌ای لازم برای ساخت و ساز متعارف را در زمینه رشته خود متقبل شود ولی برای ساختمان‌های ویژه، همچنان پذیرش مسئولیت توسط یک مهندس رده بالاتر ضرورت خواهد داشت.

حداقل شش سال پس از دریافت «گواهینامه صلاحیت حرفه‌ای پایه ۱»، به همان ترتیب که در بالا گفته شد، می‌تواند متقاضی دریافت «گواهینامه صلاحیت حرفه‌ای پایه ارشد» باشند و در صورت رسیدن امتیازهای کسب شده به حد نصاب، مشروط بر این که در مرحله ارتقا از پایه ۲ به پایه ۱ یا از پایه ۱ به ارشد، بخشی از امتیازها را از طریق قبولی در آزمون کسب کرده باشند، «گواهینامه صلاحیت حرفه‌ای پایه ارشد» را دریافت دارند.

بدیهی است که به کار گرفتن فرآیند ارتقای حرفه‌ای مهندسان به شرح فوق، مستلزم مطالعات و بررسیهای همه جانبه‌ای است که باید با نظر تشکلهای حرفه‌ای و سازمانهای نظام مهندسی ساختمان استانها برنامه ریزی و انجام شوند و از جمله، به عنوان اولین قدم باید به تعیین امتیازها و حد نصاب امتیازها مبادرت گردد.

برگزاری آزمونهای ارزیابی صلاحیت حرفه‌ای، رسیدگی به پرونده‌های متقاضیان و صدور «گواهینامه‌های صلاحیت حرفه‌ای» باید توسط تشکلهای حرفه‌ای و اهل حرفه صورت گیرند.

لازم به ذکر است که مهندسان پس از دریافت «گواهینامه صلاحیت حرفه‌ای» می‌توانند به مراجع ذی ربط مراجعه و نسبت به گرفتن «پروانه اشتغال به کار مهندسی» اقدام نمایند.

در حرفه مهندسی هم، نظیر هر حرفهٔ دیگر، پس از اتمام تحصیل و دیدن آموزش‌های نظری لازم (یا در حین دیدن آموزش) حرفه‌مندان به تدریج صلاحیت حرفه‌ای، قابلیت اعمال حرفه و آمادگی پذیرش مسئولیت انجام مستقل کار را در میدان عمل و از طریق کاربرد آموخته‌های نظری کسب می‌نمایند.

به طور بدیهی، کسب صلاحیت حرفه‌ای به درجات مختلف، امتیازی دیگر و ارزشی است که بر امتیاز و ارزش حاصل از دیدن آموزش‌های نظری افزوده می‌شود و طبعاً کسب این امتیاز، همانند هر دستاوردی دیگر، مستلزم صرف وقت و کوششی مناسب است.

اعمال موفقیت‌آمیز حرفه، در همه موارد با کسب صلاحیت حرفه‌ای ملازمه دارد ولی گرفتن گواهینامه صلاحیت حرفه‌ای، مگر در مواردی که مقررات موضوعه ایجاب نمایند، اجباری نیست. به علاوه در مواردی که اعمال حرفه مستلزم داشتن مجوز ویژه یا «پروانه اشتغال» باشد، معمولاً صدور پروانه منوط به داشتن گواهینامه صلاحیت حرفه‌ای خواهد بود.

با عنایت به مراتب فوق، هر مهندس می‌تواند پس از فراغت از تحصیل، در مؤسسه یا سازمانی شروع به کار نماید و با کسب تجربه، مدارج مختلف صلاحیت حرفه‌ای را طی کند بدون این که نیاز به گواهینامه صلاحیت حرفه‌ای داشته باشد و یک مهندس می‌تواند گواهینامه صلاحیت بگیرد ولی متقاضی «پروانه اشتغال» نباشد و مهندسی دیگر با همین شرایط، متقاضی پروانه اشتغال باشد اما به دلایلی دیگر، مثلاً عدم سکونت در محدودهٔ مورد نظر، علی‌رغم داشتن گواهینامه صلاحیت حرفه‌ای، موفق به گرفتن مجوز ویژه در محدودهٔ مزبور نگردد.

با توجه به آن چه گذشت ملاحظه می‌شود که کسب «صلاحیت حرفه‌ای»، گرفتن «گواهینامه صلاحیت حرفه‌ای» و داشتن «پروانه اشتغال به کار مهندسی» سه مقوله مجزا ولی در ارتباط با یکدیگرند و ارجح است که همه این مقولات زیر چتر واحد «پروانه اشتغال» بررسی نشوند.



دستور العمل ضوابط صدور یا تمدید پروانه اشتغال به کار مهندسی در موارد استثنایی

۱. به منظور محاسبه سابقه کار، مبنای محاسبه تاریخ اخذ اولین مدرک تحصیلی و مدت سابقه، براساس آخرین مدرک تحصیلی در همان رشته (به استناد ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان) خواهد بود به عنوان مثال: برای دریافت پروانه اشتغال به کار پایه ۱ دارندگان مدرک تحصیلی لیسانس علاوه بر قبولی در آزمون مربوطه باید دارای حداقل ۱۲ سال سابقه کار پس از اخذ مدرک لیسانس باشند. ولی چنانچه در فاصله این مدت مهندسی مثلاً پس از ۵ سال از تاریخ اخذ مدرک لیسانس موفق به اخذ مدرک فوق لیسانس شود سابقه مورد نیاز برای دریافت پروانه اشتغال به کار پایه ۱ یازده سال پس از اخذ مدرک لیسانس خواهد بود.

۲. مهندسی دارای پروانه اشتغال به کار مهندسی بدون پایه‌بندی (پروانه‌های اشتغال به کار مهندسی که قبل از اجرای ماده ۱۱ آیین‌نامه اجرایی قانون صادر گردیده است) در صورت اثبات کارکرد در رشته تخصصی، پروانه اشتغال به کار مهندسی در پایه ۳ دریافت خواهند نمود ولی برای ارتقای پایه باید در آزمون پایه‌بندی شرکت نمایند.

۳. مهندسی که از گواهی قبولی آنان دو و یا بیش از دو سال می‌گذرد ولی موفق به اخذ پروانه اشتغال نشده‌اند، می‌توانند مطابق بند ۲ پروانه اشتغال به کار مهندسی دریافت نمایند.

۴. برای مهندسی که از گواهی قبولی آنان کمتر از دو سال می‌گذرد در رشته‌های مختلف به صورت زیر اقدام می‌گردد.

الف: برای رشته ترافیک، شهرسازی و نقشه‌برداری قبولیها در پایه مربوطه معتبر می‌باشند.

ب: برای رشته‌های برق، مکانیک و

معماری در صورت اثبات به فعالیت در حرفه در طول این مدت قبولی در پایه مربوطه معتبر خواهد بود.

ج: در رشته عمران با توجه به تفکیک محاسبه و نظارت، قبولی در آزمون فقط برای صدور پروانه با صلاحیت نظارت معتبر است و برای احراز صلاحیت محاسبات باید در آزمون مربوطه شرکت نمایند. (البته پروانه پایه ۳ در حد نظارت و محاسبه صادر خواهد شد).

تبصره: در ضمن پذیرفته‌شدگان در آزمون یک دوره گذشته (آزمون تیرماه ۸۰) از این ماده مستثنی بوده و تابع مصوبات و ابلاغیه‌های دفتر آموزش و تدوین مقررات ملی ساختمان خواهند بود.

۵. در اجرای ماده ۱۱ آیین‌نامه اجرایی قانون فوق‌الذکر مهندسی که پروانه اشتغال به کار مهندسی بدون آزمون در رشته عمران دریافت نموده‌اند برای تمدید پروانه در پایه مربوطه باید مطابق دستورالعمل نحوه تعیین صلاحیت مهندسان عمران (دستورالعمل پیوست) اقدام نمایند.

۶. مهندسی که قبل از مدرک لیسانس دارای سابقه کار با مدرک کاردانی باشند به استناد دستورالعمل مصوب به شماره ۱۹۳۳۷ مورخ ۷۷/۹/۱۹ در صورتی که دارای مدرک تحصیلی کاردانی معماری و کارشناسی عمران (یا بالعکس) باشد سابقه کار کاردانی برای دریافت پروانه اشتغال به کار مهندسی فقط برای تعیین حدود صلاحیت نظارت از قرار هر پنج سال، یکسال و حداکثر ده سال مورد محاسبه قرار می‌گیرد.

سیدمحمد صادق موسوی خلخالی
مدیر کل دفتر سازمانهای مهندسی و تشکلهای حرفه‌ای
نادر نجیمی
مدیر کل دفتر تدوین و ترویج مقررات ملی ساختمان

دستورالعمل نحوه

تعیین صلاحیت مهندسان عمران

در اجرای مواد ۴ و ۱۲ و ۲۱ آیین‌نامه نظام مهندسی و کنترل ساختمان برای تفکیک صلاحیت مهندسان عمران در زمینه‌های نظارت و محاسبات بدینوسیله شرایط صدور پروانه اشتغال و ارتقای پایه مهندسان عمران و همچنین شرایط مصاحبه حضوری به شرح زیر اعلام می‌گردد.

الف- متقاضیان صدور پروانه اشتغال و ارتقای پایه (ر.ک. به جدول پایین صفحه) * موارد استثنا:

۱. شرکت کنندگان در آزمون مورخ ۷۹/۹/۳ تا پایان سال جاری فرصت دارند پس از شرکت در مصاحبه حضوری در صورت موفقیت، پروانه پایه ۱ محاسبات دریافت نمایند.

۲. متقاضیانی که جزو قبول شدگان آزمونهای مبنای مهندسی زلزله (سالهای ۷۱ الی ۷۴) می‌باشند نیازی به شرکت در آزمون کتبی نداشته و می‌توانند در مصاحبه حضوری شرکت نمایند و پس از موفقیت در آن براساس سنوات آنان پروانه اشتغال به کار پایه ۱ یا ۲ محاسبات دریافت نمایند.

ب- متقاضیان تمدید پروانه اشتغال (ر.ک. به جدول صفحه بعد)

** برای اخذ صلاحیت محاسبات در پایه ۲ مطابق شرایط پایه ۲ باید در آزمون محاسبات شرکت نماید.

شرایط مصاحبه حضوری

پذیرفته‌شدگان در آزمون کتبی محاسبات پایه ۱ و موارد استثنا فوق‌الذکر به منظور شرکت در مصاحبه حضوری ضروریست نسبت به ارائه سه پروژه محاسباتی شاخص (حداقل یک پروژه بتنی و یک پروژه فولادی) ترجیحاً بلندتر از ۳ طبقه (بدون احتساب زیرزمین) به گروه تخصصی عمران استان اقدام نمایند. این پروژه‌ها باید شامل دفترچه و نقشه‌های محاسباتی و معماری با ذکر محل احداث پروژه، نام کارفرما و تاریخ انجام کار باشد. گروه تخصصی عمران استان، صلاحیت متقاضیان را از حیث علمی و تجربی ارزیابی نموده و در صورتی که واجد شرایط لازم جهت مصاحبه باشند نسبت به معرفی آنان به دفتر تدوین و ترویج مقررات ملی ساختمان جهت انجام مصاحبه حضوری اقدام نمایند. دفتر پس از انجام مصاحبه حضوری نتیجه آن را جهت صدور یا تمدید پروانه اشتغال

محاسبات	پایه ۳- موفقیت در آزمون کتبی پایه ۲- موفقیت در آزمون کتبی محاسبات پایه ۱- موفقیت در آزمون کتبی محاسبات مصاحبه حضوری *
نظارت	پایه ۳- موفقیت در آزمون کتبی پایه ۲- موفقیت در آزمون کتبی نظارت پایه ۱- موفقیت در آزمون کتبی نظارت

متقاضیانی که در سال های گذشته به استناد قانون، بدون آزمون پروانه اشتغال دریافت نموده اند.

متقاضیانی که در سال های گذشته با آزمون پروانه اشتغال دریافت نموده اند.

تمدید پروانه نظارت در تمامی پایه ها بلا مانع است.

که شرایط بیمه اعضای سازمان و حق بیمه سالانه آنها به شرح زیر می باشد:

۱. برای افرادی که سال گذشته تحت پوشش قرار داشتند:

- تا سن ۶۴ سالگی برای هر نفر ۲۵ هزار تومان
- از ۶۵ سالگی تا ۶۹ سالگی تمام ۵۰٪ اضافه
- از ۷۰ سال به بالا ۱۰۰٪ اضافه

۲. برای افرادی که اولین بار تحت پوشش قرار می گیرند:

- تا سن ۶۴ سالگی برای هر نفر ۳۰ هزار تومان
- از ۶۵ سالگی تا ۶۹ سالگی تمام ۵۰٪ اضافه
- از ۷۰ سال به بالا ۱۰۰٪ اضافه

- برای افراد تحت تکفل، همانند بیمه شده اصلی حق بیمه منظور می گردد.

پوشش های بیمه

- پرداخت هزینه های بیمارستانی تا سقف ۲ میلیون تومان
- پرداخت هزینه زایمان تا سقف ۴۰۰ هزار تومان
- پرداخت هزینه های پاراکلینیکی تا سقف ۲۰۰ هزار تومان در سال برای هر نفر می باشد.

توضیح

همسر، فرزندان، پدر و مادر و افرادی که به تبع بیمه شده اصلی، دفترچه تأمین اجتماعی یا خدمات درمانی دریافت نموده اند، تحت تکفل محسوب می شوند.

برای اطلاع کلیه اعضا

بدین وسیله به اطلاع آن دسته از اعضای که اعتبار کارت عضویت آنان منقضی شده است و یا تاکنون کارت عضویت دریافت ننموده اند می رساند، کارتهای عضویت جدید آنان صادر و در محل سازمان آماده تحویل می باشد. لذا از اعضای محترم درخواست می شود نسبت به تحویل گرفتن کارت عضویت خود هرچه سریعتر اقدام فرمایند.

۱. مراجعه اعضا به یکی از دفاتر نمایندگی سازمان (آدرس دفاتر نمایندگی سازمان در تابلوی اعلانات نصب شده است)
۲. تکمیل برگ درخواست تسهیلات بانی تأسیس دفتر کار مهندسی که از سوی دفتر نمایندگی در اختیار اعضا قرار می گیرد.
۳. صدور معرفی نامه به نام عضو متقاضی استفاده از وام به بانک صادرات از سوی سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران
۴. ارائه معرفی نامه صادره به عضو متقاضی استفاده از وام بانک صادرات، از سوی دفتر نمایندگی مربوطه، برای ارائه به یکی از شعب بانک صادرات به منظور تشکیل پرونده در بانک و کسب اطلاعات مربوط به شرایط بانک برای استفاده از تسهیلات وام اجاره به شرط تملیک

اطلاعیه در رابطه با وضعیت بیمه

بدین وسیله به اطلاع کلیه اعضای سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران می رساند

به استان اعلام می نمایند.
تذکر: متقاضیانی که موفق به کسب امتیاز لازم در مصاحبه حضوری نشوند حداقل بعد از یک سال می توانند درخواست مصاحبه حضوری مجدد نمایند.

تذکر مهم: متقاضیان رشته عمران که درخواست انتقال به تهران را داشته و در فاصله ۸۰/۴/۱ (زمان اجرای دستورالعمل در تهران) تاکنون نسبت به تمدید پروانه خود در استان اقدام نموده اند باید مطابق با شرایط تهران نسبت به تعیین صلاحیت محاسبات اقدام نمایند.

شرایط وام

سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران

عضو محترم، اطلاعاتی در رابطه با وام به شرح زیر به استحضار می رساند:

براساس توافق فی مابین سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران و بانک صادرات مقرر گردید از تاریخ ۷۸۷/۱ به منظور خرید دفتر کار مهندسی، وامی در اختیار اعضای سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران قرار گیرد.

مشخصات وام

۱. مبلغ وام: ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
۲. مدت بازپرداخت وام ۱۰ سال
۳. نرخ سود وام ۲۵٪

مراحل صدور و معرفی نامه برای استفاده از تسهیلات وام اجاره به شرط تملیک

همشهری، ۱۳۸۰/۸/۱۲:

مشاور وزیر مسکن و شهرسازی در امر فن آوری: برای افزایش سقف وام مسکن باید منابع داخلی را جذب کرد

تولید انبوه مسکن در سال‌های اخیر و نیز اختصاص مبلغی به عنوان وام مسکن برای خرید واحدهای مسکونی، موجب شد برخی تصور کنند که تحت این شرایط بسیاری از خانوارها می‌توانند به خرید واحدهای مسکونی اقدام کنند. اما آنچه این روزها از سوی کارشناسان صنعت ساختمان مورد توجه قرار گرفته، این است که این مبلغ وام تکافوی خرید واحد مسکونی را برای برخی خانوارها نمی‌کند. از سوی دیگر گروهی نیز این پرسش را مطرح می‌کنند که برای رفع معضل خرید مسکن و کاهش قیمت آن، چرا به این بخش یارانه تعلق نمی‌گیرد.

صالح آبادی مشاور وزیر مسکن و شهرسازی در امر فن آوری با تأکید بر ناکافی بودن میزان وام بانکی پرداختی به متقاضیان خرید مسکن، به این دو پرسش پاسخ داد. وی که در حاشیه سمینار صنعت ساختمان با خبرنگار ما گفت‌وگو می‌کرد با اشاره به معضل تهیه مسکن توسط خانوارها در شهرهای بزرگ گفت: وام بانکی ۲/۵ میلیون یا ۵ میلیون تومانی که برای تهیه مسکن اختصاص یافته است، در حال حاضر برای خرید یک واحد مسکونی کافی نیست.

وی افزود: برای جبران این نقیصه باید سقف وام افزایش یابد. در حال حاضر در دنیا سقف وام را براساس قیمت بنا مشخص می‌کنند و این معلوم است که با ۵ میلیون تومان هیچ کس نمی‌تواند در تهران و در شهرهای بزرگ یک واحد مسکونی خریداری کند. بنابراین برای افزایش سقف وام باید منابع داخلی را جذب کرد و حتی از بانک جهانی کمک گرفت.

وی افزود: اگر در این خصوص اقدام لازم صورت گیرد، می‌توان سقف وام را افزایش داد. وی در رابطه با این که چرا به بخش مسکن یارانه تعلق نمی‌گیرد، اظهار داشت: مسکن کالایی نیست که به آن سوبسید داده شود. بلکه اگر زمینه استفاده از تکنولوژی‌های جدید ساختمانی فراهم شود، در واقع به نوعی پرداخت یارانه صورت گرفته است. به عنوان مثال در حال حاضر، در دیگر کشورها کسانی که از سیستم‌های نوین ساختمانی استفاده می‌کنند به نوعی که مصرف انرژی را در ساختمان کاهش دهند، دولت به آنها

یارانه پرداخت می‌کند.

وی گفت: ما تلاش کردیم از طریق مجلس این موضوع را در سال‌های آینده دنبال کنیم که بودجه‌ای در اختیار ما بگذارند تا بتوانیم به این بخش کمک کنیم.

صالح آبادی اضافه کرد: من به شدت مخالف هستم که در تهران تسهیلات بدهند، چون تهران یک کلان شهر نیست، بلکه شهری غول‌آسا و غیر قابل کنترل است.

وی گفت: باید اولویت پرداخت وام و تسهیلات ابتدا به روستاها، سپس به شهرهای کوچک و در نهایت به شهرهای بزرگ تعلق گیرد و پرداخت بهره آن را هم دولت به شکل بلاعوض به عهده بگیرد. این حرکت پلکانی می‌تواند کمک مؤثری باشد برای بخش مسکن. همانگونه که وزارت نیرو با شناسایی کسانی که با استفاده از آن دسته از وسایل برقی که مصرف انرژی الکتریکی را کاهش می‌دهند و معرفی آنها به بانک‌ها، بهره وام آنها را مستقیماً می‌پردازد.

مشاور وزیر مسکن و شهرسازی در امر فن آوری در ادامه تأکید کرد: من پیشنهاد می‌کنم دولت به آن دسته از سازندگان مسکن که از تکنولوژی‌های جدید برای ساخت واحدهای مسکونی استفاده می‌کنند تا مصرف انرژی را کاهش بدهند، وام پرداخت کرده و بازگرداندن بهره آن را نیز به عهده بگیرد.

ایران، ۱۳۸۰/۸/۱۶:

تأثیر لغو مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران بر افزایش تخریب باغات کشور

ابطال بندهای ۴ و ۷ مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مبنی بر ممنوعیت تفکیک و واگذاری زمین برای امر مسکن در داخل حریم شهرها، همچنین صدور هرگونه مجوز تفکیک و پروانه ساخت بنا برای اراضی زراعی و باغات واقع در حاشیه شهرها تا قبل از رسیدن تراکم جمعیت به حد پیش‌بینی شده واکنش‌هایی را در بین کارشناسان شهرسازی به دنبال داشته است.

برخی کارشناسان ابطال این مصوبه را زمینه‌ساز دلال بازی زمین در حریم شهرها و عامل تخریب اراضی کشاورزی و باغات می‌خوانند و برخی دیگر ارایه چنین مصوبه‌ای را از سوی شورای عالی شهرسازی و معماری خارج از وظایف این شورا می‌خوانند و آن را مغایر قانون می‌دانند. شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در مصوبه ۷۸۷/۱۰ تغییر کاربری

اراضی زراعی و باغات دارای کاربری کشاورزی در طرحهای مصوب شهری همچنین تفکیک زمین و واگذاری آن برای امر مسکن به افراد، شرکت‌های تعاونی یا ارگانهای دولتی و غیر دولتی و نهادها در داخل حریم شهرها را ممنوع اعلام کرده بود.

گزارش خبرنگار ما حاکی است که در رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری آمده است: با توجه به اینکه اعمال انواع حقوق مالکانه در اراضی واقع در حریم و حوزه استحفاظی شهرها از قبلی تفکیک زمین‌ها و باغات و اراضی کشاورزی و تبدیل کاربری و فروش آنها و الزام شهرداری به صدور پروانه لازم با رعایت قواعد و ضوابط مربوط است، همچنین عنایت به حدود صلاحیت و اختیارات مقرر در قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران بندهای ۴ و ۷ مصوبه مورخ ۱۳۷۸/۸/۱۰ شورای عالی شهرسازی و معماری ایران که تفکیک و واگذاری زمین برای امر مسکن در داخل حریم و حوزه استحفاظی شهرها و همچنین صدور هرگونه مجوز تفکیک و پروانه احداث بنا برای اراضی زراعی و باغات واقع در حاشیه شهرها را تا قبل از رسیدن تراکم جمعیت به حد پیش‌بینی شده ممنوع کرده است، مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در وضع مقررات دولتی تشخیص داده و باطل اعلام می‌شود. کمال اطهاری کارشناس مسکن و اقتصاد شهری در گفت‌وگو با خبرنگار «ایران» در خصوص مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران می‌گوید: براساس قوانین موجود و مصوبات هیأت وزیران، هرگونه تفکیک زمین و تغییر کاربری در حریم شهرها باید مطابق طرحهای جامع شهری و منطقه‌ای باشد، اما ابهامات قانونی موجود به ویژه در اعمال طرح‌های منطقه‌ای باعث می‌شود که به صورت بدون برنامه باغات و اراضی تفکیک، تغییر کاربری‌ها صورت گیرد و گسترش نامناسب در شهرها به وجود بیاید که ارایه این مصوبه از سوی شورای عالی برای جلوگیری از این اقدامات صورت گرفته بود.

وی با اشاره به اینکه به موجب قانون، زمینهایی که در اختیار سازمان‌ها قرار دارند، فقط در صورت تصویب برای ایجاد طرح‌های عمومی عمرانی می‌تواند تغییر کاربری یابد، تصریح کرد: بسیاری از سازمان‌ها در چارچوب اهداف جزئی خود مانند مسکن کارگران از ابهامات قانونی استفاده کرده و درصدد توسعه زمین‌های در اختیار خود برمی‌آیند و بخش

خصوصی نیز به همین ترتیب که این امر می‌تواند عوارض نامطلوبی را برای شهرها به دنبال داشته باشد.

همشهری، ۱۳۸۰/۱۰/۱۳:

پیش‌بینی هزینه ساخت مسکن در سال آینده

هزینه ساخت یک متر مربع واحد مسکونی در استان تهران سال آینده حدود ۸۰ هزار تومان خواهد بود. به این ترتیب برای ساخت یک آپارتمان ۱۰۰ مترمربعی به طور میانگین ۸ میلیون تومان مورد نیاز است.

مهندس «قانع» مدیر سرمایه‌گذاری بانک مسکن استان تهران، در همایش مدیران تعاونی‌های مسکن ضمن اعلام این پیش‌بینی افزود: تعاونی‌های مسکن در زمان شکل‌گیری، مسائل مختلف نظیر تعداد اعضا، نحوه عضوگیری، مدیریت، خرید زمین و انتخاب پیمانکار را در نظر می‌گیرند بدون این‌که به نحوه تأمین منابع مالی ساخت مسکن توجه کوچکی کنند.

به گزارش «ایسنا» وی گفت: بانک‌ها تنها زمانی موظف به پرداخت تسهیلات در بخش مسکن هستند که با پرداخت آن رقم، واحد مسکونی تکمیل و آماده بهره‌برداری شود. اما این قانون حتی در یک مورد از تعاونی‌های مسکن انجام نشده و تمام این تعاونی‌ها پس از ساخت ۱۵ یا ۲۰ درصد از یک واحد مسکونی در جهت اخذ وام از بانک اقدام کرده‌اند. قانع اظهار داشت: در بانک مسکن پرونده تعاونی‌های مسکن موجود است و حتی پس از ۲۹ سال از اخذ وام، آنها هنوز در جهت بازپرداخت وام خود اقدام نکرده‌اند.

وی مصوبه قانونی پرداخت وام مسکن برای هر واحد مسکونی را ۳ میلیون تومان ذکر کرد و افزود: شورای پول و اعتبار در آخرین تصمیم خود، میزان وام مسکن را به ۴ میلیون تومان افزایش داده اما هنوز مصوبه آن برای اجرا به سیستم بانکی ابلاغ نشده است.

همبستگی، ۱۳۸۰/۱۱/۱:

مهندس غرضی دستور داد:

حساب بانکی نظام مهندسی تهران مسدود شود

در پی بروز اختلاف و دودستگی در هیأت مدیره سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران و تعطیلی متوالی جلسات هیأت مدیره به علت شرکت نکردن جناح اقلیت به رهبری مهندس غرضی در این جلسات، طی هفته‌های اخیر شرایطی به وجود آمده بود که هر دو جناح گفت‌وگوهای تفاهم‌آمیزی را شروع کنند و جو متشنج هیأت مدیره می‌رفت که روی آرامش

بیند. اما با درخواست رئیس شورای مرکزی سازمان نظام مهندسی (کشور) جناب آقای مهندس غرضی، مبنی بر مسدود کردن حساب این سازمان در استان تهران مجدداً جو متشنج بر هیأت مدیره سازمان در تهران حاکم گشت.

لازم به ذکر است که درخواست بسته شدن حساب بانکی این سازمان در پی تنها مصوبه شش ماهه اخیر این سازمان مبنی بر خرید یک ساختمان برای سازمان استان تهران به وقوع پیوست.

گفتنی است که سازمان نظام مهندسی استان تهران، سازمانی مستقل از شورای مرکزی بوده و صاحب حساب نیز، هیأت مدیره این سازمان در استان تهران است.

همبستگی، ۱۳۸۰/۱۱/۲:

طی نامه‌ای به رئیس جمهور:

تشکیک در رأی مهندس غرضی

بهاء‌الدین ادب طی نامه‌ای به رئیس جمهور اعلام کرد که رأی آوردن مهندس غرضی به عنوان رئیس سازمان نظام مهندسی به ۴ دلیل مشکوک است. متن نامه به شرح زیر است:

جناب آقای سید محمد خاتمی، رئیس جمهور

احتراماً نظر به این‌که طبق ماده ۷۰ آیین‌نامه اجرایی قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان لازم است کلیه اوراق و دفاتر و مدارک مربوط به انتخابات ادواری سازمان‌های نظام مهندسی استان‌ها به دبیرخانه نظام مهندسی در هر استان تحویل داده شود و با توجه به پیگیری‌های متعدد تاکنون وزارت مسکن و شهرسازی این مدارک را به دبیرخانه سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران تحویل نداده است، تعدادی از اعضای سازمان استان تهران نسبت به رأی آقای سید محمد غرضی به دلایل زیر مشکوک می‌باشند:

۱- انتخاب اعضای هیأت مدیره هر استان بر طبق ماده ۵۷ آیین‌نامه اجرایی از وظایف مجمع عمومی است و فقط در اولین دوره از وظایف وزارت مسکن و شهرسازی بوده است و در این دوره برخلاف آیین‌نامه اجرایی و با دخالت وزارت مسکن و شهرسازی برگزار شده است.

۲- بازرسان منتخب و معرفی شده که از صبح تا شب بر اخذ آرا نظارت داشته‌اند را در هنگام شمارش آرا اخراج نموده و بدون نظارت بازرسان منتخب شمارش آرا انجام شده است.

۳- با وجودی که تعداد شرکت‌کنندگان در انتخابات کمتر از دوره قبل بوده است، نتیجه شمارش آرا با تأخیر دو ماهه به سازمان اعلام شده است.

۴- مکاتبات و درخواست‌های قانونی در مورد ارسال مدارک انتخابات تا امروز بدون پاسخ مانده است.

تأخیر در تحویل مدارک انتخاباتی یکی از دلایل رکود در کارهای جاری سازمان و باعث ناراحتی اعضای سازمان می‌باشد و بر اساس ماده ۱۰۸ آیین‌نامه اجرایی قانون نظام مهندسی عضویت ایشان در شورای مرکزی سازمان منوط به عضویت در هیأت مدیره استان تهران است و بالطبع در این شرایط ایشان نمی‌تواند در شورای مرکزی سازمان نظام مهندسی نیز عضویت داشته باشد. خواهشمندم به منظور جلوگیری از تأخیر در انتخابات هیأت ریس سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران و جلوگیری از بی‌نظمی در امور استان‌ها از طریق شورای مرکزی، دستور فرمایید مدارک انتخابات اعضای هیأت مدیره سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران را طبق قانون و آیین‌نامه مربوط به دبیرخانه این سازمان تحویل نمایند. قبلاً از دستور مساعدی که خواهید فرمود سپاسگزارم.

جام جم، ۱۳۸۰/۱۱/۳:

رئیس هیأت مدیره کانون مهندسان معمار:

افراد غیر متخصص، اختیار صنعت ساختمان را در دست دارند

رئیس هیأت مدیره کانون معماران معمار دانشگاه تهران گفت: وزارت مسکن باید با تدوین لویحی مانع فعالیت افراد غیر متخصص در کار ساخت و ساز شود.

به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، انوشه منصوری افزود: امروز صنعت ساختمان ایران در اختیار افراد غیر متخصص است و انتظار نمی‌رود که معماران متخصص سهم ۵ درصدی در ساخت و ساز کشور داشته باشند.

وی با انتقاد از عملکرد وزارت مسکن و شهر سازی در گزینش مهندسان گفت: عملکرد این وزارتخانه به گونه‌ای است که مورد اعتراض همه قرار گرفته است و برگزاری آزمون هیچگاه ملاک کیفیت کار معمار محسوب نمی‌شود و به اعتقاد اعضای کانون، در این زمینه به مهندسان معمار جوان ظلم می‌شود.

منصوری تصریح کرد: وزارت مسکن و شهرسازی به جای اینکه با برگزاری آزمون سبب منزوی شدن و حاشیه‌نشینی نسل معماران جوان شود، بهتر است آنان را در صحنه فعالیتهای اجرایی مورد ارزیابی قرار دهد.



نامه‌ای به رییس جمهور

حضرت حجت الاسلام والمسلمین، جناب آقای

سید محمد خاتمی

ریاست محترم جمهوری

با سلام، پیرو نامه سرگشاده شماره ۸۰/۲۹۰۵ مورخ ۸۰/۵/۶، اینجانب و عطف به نامه شماره ۲۱۱۱۴ مورخ ۱۳۸۰/۵/۷ جناب آقای سید محمد ابطحی، ریاست وقت دفتر رئیس جمهور، به عنوان جناب آقای مهندس عبدالعلی زاده، وزیر محترم مسکن و شهرسازی، متأسفانه، تا این تاریخ پس از گذشت ۴ ماه، از تاریخ نامه‌های فوق‌الذکر، وزارت مسکن و شهرسازی، کوچکترین اقدامی در جهت اصلاح امور ساخت و سازهای شهری و استفاده بهینه از توان بالقوه مهندسی در سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران، به منظور ارتقای کیفیت ساختمانها، ننموده است. در حالیکه چنانچه وزارت محترم مذکور در فوق با این قضیه دلسوزانه برخورد می‌نمود، نتایج کوتاه مدت این عمل، افزایش ضریب اشتغال مهندسان و در میان مدت ارتقای کیفیت ساخت و سازهای شهری می‌بود. مطالب فقط جهت استحضار و ادای وظیفه، معروض گردید. با اعتذار و سپاس- بهاءالدین ادب

نامه‌ای به وزیر

شماره: ۸۰/۷/۱۴

تاریخ: ۱۱۰/۸۰/۲۸۷۴

جناب آقای مهندس علی عبدالعلی زاده

وزیر محترم مسکن و شهرسازی

احتراماً، همانگونه که مستحضرید در قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان و آئین‌نامه اجرایی آن وظایف و اختیارات هر بخش مشخص گردیده، متأسفانه چندی است مشاهده می‌شود پاره‌ای از مدیریتهای آن وزارتخانه با اتخاذ سیاستی جدید سعی در کمرنگ کردن نقش و جایگاه قانونی نظام مهندسی استانها به ویژه استان تهران داشته و با واگذاری اختیارات سازمانهای استان به نهادهایی که نه تشکیلات و نه جایگاه قانونی مناسب دارند، باعث سردرگمی و بعضاً تعطیلی امور جاری این سازمانها شده‌اند، صدور بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های مغایر با قانون و آئین‌نامه اجرایی و مصوبات هیأت مدیره نظیر حدود صلاحیت، ظرفیت اشتغال و محدود ساختن

اختیارات استان، دولتی نمودن بیش از پیش نظام مهندسی و واگذاری اختیارات قانونی استانها به نهادهای انتسابی که نمونه‌های فراوانی از آن وجود دارد و عداللزوم تقدیم خواهد شد، از آن جمله می‌باشند. آخرین نمونه از این اقدامات صدور ابلاغیه شماره ۴۰۳/۱۰۴۱ مورخ ۸۰/۵/۲۸ مدیر کل دفتر سازمانهای مهندسی و تشکل‌های حرفه‌ای به ریاست شورای مرکزی نظام مهندسی می‌باشد که بدون توجه به جایگاه قانونی و شرح وظایف آن شورا درخواست گردیده کمیته‌های تخصصی مرکز از متخصصان صاحب نظر طی بررسی و احصا تمامی رشته‌های مرتبط با امور مهندسی ساختمان، به تفکیک نسبت به تدوین شرح خدمات جامع رشته‌های اصلی و رشته‌های مرتبط با آن و تعیین حدود صلاحیت رشته‌ها و همچنین تعیین مبانی قیمت‌گذاری خدمات مهندسی اقدام لازم معمول و نتیجه را به این وزارتخانه اعلام نمایند.

جنابعالی استحضار دارید شرایط اقلیمی، فرهنگی، امکانات فنی و... در استانهای کشور متفاوت بوده بنابراین تدوین شرح خدمات مهندسی یکنواخت و نیز تعیین مبانی قیمت‌گذاری آن برای کل کشور نه تنها غیرعلمی بلکه غیرعملی می‌باشد و دقیقاً قانونگذار به این موضوع عنایت داشته در ماده ۳۳ قانون از سازمانهای استان خواسته متناسب با شرایط ویژه هر استان پیشنهاد تغییرات خاص در مقررات ملی ساختمان قابل اجراء در آن استان را بنماید و به همین منظور در بندهای ۶ و ۹ ماده ۱۵ قانون هیأت مدیره استان موظف گردیده در تدوین مقررات ملی ساختمان که خدمات مهندسی بخشی از آن است، با وزارت مسکن و شهرسازی مشارکت و همکاری نماید. همچنین پیشنهاد تغییرات خاص متناسب با شرایط ویژه هر استان در این مقررات و مشورت با گروههای تخصصی و کسب نظر ایشان و استفاده از این نظرات در تصمیم‌گیری‌ها در بندهای ۳۶ و ۳۷ ماده ۷۳ (اختیارات و وظایف هیأت مدیره استان) و نیز ماده ۷۷ آئین‌نامه اجرایی قانون تصریح شده است. در خصوص تعیین مبانی قیمت‌گذاری خدمات مهندسی نیز که در ابلاغیه مذکور از شورای مرکزی درخواست شده، صراحتاً در بند ۱۵ ماده ۱۵ قانون و بند ۱۵ ماده ۷۳ و ماده ۱۱۷ آئین‌نامه اجرایی قانون جزو اختیارات و وظایف هیأت مدیره استان بوده و غیر قابل واگذاری می‌باشد. بنابراین ارجاع این گونه امور به نهادهای فاقد اختیار قانونی

لازم، تنها موجب آشفتگی امور، تداخل مسئولیتها و نهایتاً انفعال سازمانهای استان می‌گردد. لذا مستدعی است در جهت رفع مشکلات پدید آمده دستورات مقتضی صادر فرموده و ترتیبی اتخاذ فرمایید که دستورالعمل‌های صادره توسط ادارات تابعه، اولاً، در چارچوب قانون و آئین‌نامه و مقررات مصوب صورت گیرد. ثانیاً، هماهنگ با سیاست کلی اعلام شده جناب آقای خاتمی ریاست محترم جمهوری در جهت کم کردن تصدی‌گری دولت و تمرکززدایی بوده و به موجب ماده ۳ قانون نظام مهندسی سیاست‌گذاریها براساس جلب مشارکت هرچه وسعتر مهندسان در انضمام امور حرفه‌ای خویش باشد. والسلام

بهاءالدین ادب

رویدادهای نگران‌کننده

در حرفه مهندسی

همکاران گرامی

اخبار نگران‌کننده‌ای از وقایع و اتفاقات حرفه مهندسی و معماری می‌رسد. - جلسه مجمع عمومی سازمان نظام مهندسی استان تهران به تشنج کشیده شده است.

- سازمان نظام مهندسی استان تهران با دودستگی شدید مواجه گشته و عملاً فلج گردیده و ظاهراً عده‌ای قصد دارند این سازمان را منحل کرده و تحت قیومیت وزارت مسکن و شهرسازی درآورند.

- وزارت مسکن و شهرسازی، به عنوان مسئول اجرائی قانون نتوانسته و یا نخواسته که بین سه رکن اصلی در ساخت و سازهای شهری، یعنی دولت، مدیریت شهری و نهادهای حرفه‌ای و تخصصی (بخصوص نظام مهندسی)، روابط مشخص را تعیین نماید.

- از سوی دیگر این وزارتخانه با سیاستها و دخالت‌های نادرست خود، عملاً بحران موجود در حرفه مهندسی و معماری کشور را حادث کرده که از نمونه‌های آن می‌توان از دخالت این وزارتخانه در انتخابات نظام مهندسی استان تهران و یا برگزاری آزمون‌های مقررات ملی ساختمان یاد کرد که به لحاظ شیوه و محتوا، این آزمونها، همواره با نقد و حتی اعتراض شدید اهل حرفه مواجه بوده است. - مطالبات انباشته شده معماران و مهندسان

تاکنون پاسخ درخوری را نیافته و همچنان افراد و نهادهای فاقد صلاحیت در این حرفه دخالت می‌نمایند.

رشته معماری همچنان مورد تعرض سایر رشته‌ها قرار داشته و در بسیاری از استانها ماده ۱۲ قانون نظام مهندسی به اجرا در نیامده است.

همکاران عزیز

این گونه مسائل نشان‌دهنده آن است ظاهراً سیاست‌های کهنه و قیم مآبانه گذشته هنوز بر این حرفه تسلط دارد و شواهد گواه آن است که نسیم اصلاحات در این بخش مهم نوزیده و به همین دلیل روز به روز مشکلات گذشته و موجود افزایش می‌یابد.

به راستی ریشه این مشکلات در کجا نهفته است؟

به اعتقاد جامعه مهندسان معمار ایران به عنوان یکی از فراگیرترین تشکلهای حرفه‌ای مهندسی مشکل اصلی را می‌توان در تفکر ریشه‌دار و تاریخی جستجو نمود که دولت را متصدی همه امور دانسته و به عنوان قیم کلیه حرف از جمله حرفه‌های مهندسی عمل می‌نماید، و همچنان سازمان نظام مهندسی را به عنوان جزیی از تشکیلات دولتی (وزارت مسکن و شهرسازی) قلمداد کرده و برای نهادهای حرفه‌ای و تخصصی کوچکترین ارزش و نقشی قائل نمی‌باشد.

بنابراین جهت حل ریشه‌ای مشکلات و نگرانی‌های پیش آمده و حرکت به سمت پاسخگویی به مطالبات انباشته شده، ضروری است که قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان با هدف استقلال از دولت و همچنین استقلال تمام رشته‌های مهندسی و از جمله معماری از سایر رشته‌های دیگر مورد بازنگری قرار بگیرد. جامعه مهندسان معمار ایران

چه شد ارتقای سطح دانش مهندسان؟

مجله محترم پیام نظام مهندسی

با سلام

احتراماً به استحضار می‌رساند مسأله ارتقای سطح دانش مهندسان عضو سازمان نظام مهندسی ساختمان از رسالت‌های اصلی سازمان می‌باشد. متأسفانه برداشتن گام عملی در این راستا تاکنون به تعویق افتاده و هیچ سازماندهی مشخصی به مهندسان عضو معرفی نگشته است. اخیراً کلاسهای آموزشی محاسبه ساختمان و تهیه دفترچه محاسباتی و آمادگی مهندسان عمران برای امتحان‌های گزینش دوره‌ای، به صورت غیر قابل کنترل و بدون مجوز رایج گشته است. ضروری است سازمان نظام مهندسی برای اینگونه کلاس‌ها و آموزشگاههای آزاد ضوابطی

تنظیم نموده و به خصوص خود سازمان، در این مورد دست به اقدام عملی زده و در تهران و شهرستان‌ها ارگان‌های آموزشی با کیفیت بالا تهیه نماید تا دوره‌های جامع علمی کاربردی برای مهندسان حرفه‌ای محاسب و غیره تشکیل گردد. در این مورد دوره حل پیشنهاد می‌شود:

۱. فروش اوراق قرضه به اعضا، برای تشکیل یک مجتمع آموزشی معتبر برای دوره‌های جامع علمی کاربردی مهندسان اعضای سازمان

۲. مکاتبه و درخواست تشکیل دوره‌ها توسط دانشگاه‌های دولتی، آزاد و یا دانشگاه جامع علمی کاربردی تا توسط این ارگان‌های معتبر، و در سطح کشور دوره‌های آموزشی جامع علمی کاربردی به صورت (غیرانتفاعی) شهریه گرفته و کمر همت به آموزش مهندسان و ارتقای سطح دانش مهندسان ببندند.

نکته اصلی که نباید فراموش شود نقش پیام نظام مهندسی برای فراخوانی گسترده در امری چنین مهم، هم در میان اعضا و هم مجامع علمی-دانشگاهی برای تشکیل مجتمع‌های آموزشی معتبر دوره‌های جامع علمی-کاربردی است.

امید است در اولین شماره‌های آتی پیام نظام مهندسی شاهد گام‌های جدی در این راستا باشیم.

مهندس مهدوی

عضو سازمان نظام مهندسی

وجاهت قانونی ندارد

شماره: ۸۰۴/۷

تاریخ: ۸۰/۷/۱۴

جناب آقای مهندس بهاء‌الدین ادب

عضو محترم هیأت مدیره سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران

با سلام،

بازگشت به نامه شماره ۷۹۰/۷ مورخه ۸۰/۷/۸ که از طریق نمابر وصول شد ایفاد می‌دارد:

۱. نظر به این که دوره مأموریت هیأت رئیسه محترم سازمان استان در تاریخ ۸۰/۷/۸ خاتمه یافته و در انتخاب جدید رأی لازم را به دست نیاورد لذا تصدی نامبردگان تحت عنوان هیأت رئیسه هیچگونه وجاهت قانونی نداشته و مکاتبات انجام شده با عنوان مذکور بی اعتبار می‌باشد.

۲. از آنجایی که در جلسه مجمع عمومی عادی مورخه ۸۰/۵/۲۷ گزارش بازرس اصلی در خصوص عملکرد هیأت مدیره استماع نشد در حالی که وفق بند "پ" ۵۷ آیین نامه اجرایی آن یک تکلیف قانونی است لذا هرگونه اقدام بعدی

بدون لحاظ داشتن بند یاد شده محکوم به رد است.

۳. همانگونه که در جلسه مورخه ۸۰/۶/۳

هیأت مدیره کتباً به اطلاع رسانیده شد جدای از آنکه طرح حسابرسی مجدد وضعیت مالی سازمان از بدو تأسیس تاکنون دارای اشکال شکلی می‌باشد اساساً مصوبات مجمع قبلی از مصادیق بارز اعتبار قضیه مختومه بوده و لذا پرداختن به آن هیچگونه استناد قانونی ندارد. باتشکر

حسن محمد حسن زاده

بازرس اصلی سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران

نشریه پیام- هیأت رئیسه فعلی وقتی سازمان را تحویل گرفت، سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران مبلغ هفتاد میلیون ریال بدهکار بود. اینک بیش از دو میلیارد ریال موجودی دارد. حتماً هیأت رئیسه‌ای باید انتخاب شود و طبق صورتجلسه وضع موجود را از هیأت رئیسه فعلی تحویل بگیرد. تا انتخاب آن هیأت رئیسه، این اعضا خود را به انجام وظیفه و گردش امور جاری سازمان که دادن حداقل سرویس و پاسخگویی به امور روزمره اعضای محترم است مکلف می‌دانند. امر حسابرسی هم مصوبه مجمع است، نه هیأت رئیسه که بتواند بنا به نظر حضرتعالی آنرا کان‌لم یکن کند.

نقش مهندسی ترافیک

تاریخ: ۱۳۸۰/۷/۲۳

شماره: ۲۴۳۴

جناب آقای مهندس بهاء‌الدین ادب

با سلام

احتراماً، بازگشت به دعوتنامه حضور در همایش «نقش مهندسی ترافیک» به شماره ۸۰/۷/۹/۱۱۰/۳۴۳۶ مورخ ۸۰/۷/۹ ضمن تشکر فراوان از همت بلند جنابعالی در خصوص نهادینه کردن مطالعات قبل از احداث و همچنین با توجه به امکان ارائه نظرات و پیشنهادات در این خصوص موارد ذیل به استحضار می‌رساند:

الف) با توجه به ماهیت علم مهندسی ترافیک به نظر نباید از عناوین تخصیص و یا توزیع سفرها در شرح خدمات این بخش استفاده شود، چرا که بر فرض انجام موارد فوق به صورت ناقص و تنها با داشتن آمار تردد، آن هم در ابعاد چند خیابان و ندیدن گستره وسیعتری از اثرات این تصمیم و یا نداشتن ظرفیت‌های تعیین شده مطالعات جامع حمل و نقل شهرها، نه تنها باعث کاهش معضلات مربوطه نمی‌گردد بلکه خود می‌تواند یکی از عوامل مؤثر در تغییر کاربریهای موجود و افزایش

بار ترافیکی بدون در نظر گرفتن اثرات آن بر شبکه حمل و نقل شهری باشد.

به عبارتی دیگر باید چهارچوبهای کلی و مکانیکی دقیق جهت احداث توسط مراجع ذیصلاح تأیید و در صورت نیاز توسط مهندسين ترافیک چگونگی دسترسی ها و کاهش اثرات منفی احداث بررسی گردد.

ب) کسب اطلاعات آماری و یا نحوه زمانبندی چراغهای راهنمایی باید توسط مراجع مرتبط شهری مورد تأیید و در صورت لزوم کنترل و نگهداری گردد.

ج) تهیه و ارائه طرحهای ترافیکی اعم از اصلاح هندسی و یا نحوه دسترسی به معابر باید حتماً توسط حوزه معاونت حمل و نقل شهرداری ها بررسی و مورد تأیید قرار گیرد.

د) با توجه به فراوانی و تنوع نرم افزارهای کامپیوتری در خصوص بررسی گزینه های مختلف ترافیکی و تعیین پارامترهای مقایسه ای، پیشنهاد می گردد مشاوران محترم ترافیکی به نوعی ملزم به استفاده از این گونه نرم افزارها باید باشند.

محمود سیادت

مدیر عامل شرکت کنترل ترافیک تهران

معرفی نماینده

تاریخ: ۱۳۸۰/۱۰/۴
شماره: ۴۰۳/۲۰۷۹۵

سازمان محترم نظام مهندسی ساختمان استان تهران
سلام علیکم

نظر به این که سازمان مجری ساختمان ها و تأسیسات دولتی و عمومی طی نامه ای به شماره ۸۰/۷/۲۳ م/۵۳۷۱۰۲۰۱ س مورخ ۸۰/۷/۲۳ خواستار روشن شدن نحوه و چگونگی استفاده و بهره برداری از ساختمان مورد استفاده آن سازمان که مالکیت آن متعلق به سازمان مجری می باشد. خواهشمند است نسبت به معرفی نماینده ای تام الاختیار به سازمان فوق الذکر جهت مذاکره و تصمیم گیری در این خصوص اقدام مقتضی مبذول و نتیجه را به این وزارتخانه اعلام فرمایند.

سید محمد صادق موسوی خلخالی

مدیر کل دفتر سازمان های مهندسی و تشکلهای حرفه ای

محلّی برای سازمان

جناب آقای مهندس سید محمد صادق موسوی خلخالی

مدیر کل محترم دفتر سازمان های مهندسی و تشکلهای حرفه ای وزارت مسکن و شهرسازی

احتراماً، بازگشت به نامه شماره ۴۰۳/۲۰۷۹۵ مورخ ۸۰/۱۰/۴ هیأت مدیره محترم سازمان نظام

مهندسی ساختمان استان تهران، موضوع خرید محلی مستقل برای سازمان مطرح و به تصویب رسید. حال موجب امتنان خواهد بود با مساعدت های جنابعالی و ریاست محترم سازمان مسکن و شهرسازی استان تهران در واگذاری زمینی مناسب به سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران تسریع فرمایید.

حسن فریداعلم

نایب رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران

مکاتبات وزارت مسکن با سازمان

نامه هایی که در زیر آمده است روند مکاتبات بین وزارت مسکن و شهرسازی و سازمان را درباره موضوع حسابرسی و سایر مسائل بین دوطرف نشان می دهد.

دستور فرمایید!

تاریخ: ۱۳۸۰/۷/۱۸
شماره: ۴۰۳/۱۴۱۱

سازمان محترم نظام مهندسی ساختمان استان تهران
باسلام

عطف به نامه ۱۱۰/۸۰/۲۸۲۸ مورخ ۸۰/۷/۱۱ در مورد دعوت به مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران مورخ ۸۰/۷/۳۰ مقتضی است دستور فرمائید به استناد ماده ۵۳ آئین نامه اجرایی قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان، مصوبه هیأت مدیره سازمان را در این مورد ظرف ۲۴ ساعت طی فاکس به این وزارتخانه ارسال نمایند.

سید محمد صادق موسوی خلخالی

مدیر کل دفتر سازمان های مهندسی و تشکلهای حرفه ای

فاقد اعتبار قانونی است

تاریخ: ۱۳۸۰/۷/۲۵
شماره: ۴۰۳/۱۵۶۳

سازمان محترم نظام مهندسی ساختمان استان تهران
سلام علیکم

پیرو نامه شماره ۴۰۳/۱۴۱۱ مورخ ۸۰/۷/۲۴ در مورد ارسال مصوبه هیأت مدیره سازمان در مورد دعوت به تشکیل مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران در تاریخ ۸۰/۷/۳۰ نظر به عدم اقدام لازم در خصوص ارسال مصوبه هیأت مدیره و با عنایت به نظر این وزارتخانه در مورد موضوعات مطروحه در مجمع عادی ۸۰/۵/۲۷ به شرح

مذکور در نامه ۴۰۳/۱۴۱۰ مورخ ۸۰/۷/۲۴ در خصوص حسابرسی و با توجه به اظهار نظر صریح بازرس محترم اصلی سازمان استان تهران از نامه مورخ ۸۰/۷/۲۴ که فتوکپی آن ارسال می گردد، تشکیل مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده مورخ ۸۰/۷/۳۰ فاقد اعتبار قانونی می باشد.

سید محمد صادق موسوی خلخالی

مدیر کل دفتر سازمان های مهندسی و تشکلهای حرفه ای

حسابرسی، هرگز!

تاریخ: ۱۳۸۰/۷/۱۸
شماره: ۴۰۳/۱۴۱۰

جناب آقای مهندس ادب

رئیس محترم سازمان نظام مهندسی استان تهران

سلام علیکم

در پاسخ به نامه شماره ۷۹۰ در مورخ ۸۰/۷/۱۸ در خصوص انتخاب دو نفر به عنوان حسابدار یا حسابرس سازمان به منظور رسیدگی به وضعیت مالی سازمان از بدو تأسیس تاکنون، بدین وسیله به استحضار می رساند نظر به این که ترازنامه های مالی آن سازمان در سالهای گذشته به تصویب مجمع عمومی رسیده و این امر به منزله مفصلاً حساب محسوب می گردد. لذا، رسیدگی به مصوبات گذشته مجمع عمومی در وظایف و اختیارات مجمع عمومی فعلی نبوده و این بند مصوبه مجمع عمومی فاقد محمل قانونی می باشد.

سید محمد صادق موسوی خلخالی

مدیر کل دفتر سازمان های مهندسی و تشکلهای حرفه ای

غیر قانونی است!

تاریخ: ۱۳۸۰/۷/۲۸
شماره: ۴۰۳/۴۷۰

شورای محترم امنیت ملی کشور

محترماً به استحضار می رساند در روزنامه های اطلاعات مورخ ۸۰/۷/۸ و همشهری مورخ ۸۰/۷/۱۰ اطلاعیه ای تحت عنوان تشکیل مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران در روز دوشنبه مورخ ۸۰/۷/۲۰ در محل حسینیه ارشاد با امضای هیأت مدیره سازمان استان تهران درج گردیده است از آن جاکه این اطلاعیه بدون تصویب هیأت مدیره سازمان یاد شده صادر شده است، علی هذا هرگونه تجمع در حسینیه ارشاد در تاریخ مذکور از نظر این وزارتخانه غیر قانونی است. خواهشمند است دستور فرمایید اقدامات پیش گیرانه لازم به عمل آید.

سید محمد صادق موسوی خلخالی

مدیر کل دفتر سازمان های مهندسی و تشکلهای حرفه ای

تاریخ: ۱۳۸۰/۷/۲۹
شماره: ۱۱۰/۸۰/۳۱۲۹

جناب آقای مهندس سید محمد صادق موسوی
خلخال

مدیر کل محترم دفتر سازمانهای مهندسی و
تشکل های حرفه ای وزارت مسکن و شهرسازی

بازگشت به نامه شماره ۴۰۳/۱۴۶۲ مورخ
۸۰/۷/۲۵ موضوع تشکیل مجمع عمومی عادی به
طور فوق العاده اشعار می دارد:

۱- دعوت مجمع عمومی برای روز ۸۰/۷/۳۰
به استناد مصوبه هیأت مدیره نیست بلکه به
استناد مصوبه مجمع عمومی سازمان نظام
مهندسی ساختمان استان تهران است، که
بالاترین مرجع و رکن سازمان استان می باشد و
خود مجمع مذکور در مورخ ۸۰/۵/۲۷ تاریخ
بعدی جلسه مجمع را معین نموده است.

۲- چنین به نظر می رسد که همان مرجعی
که ترازنامه های سال های قبل را تصویب کرده
است (مجمع عمومی سالیانه) حق دارد نسبت به
بازنگری آن تصمیم بگیرد. لطفاً بفرمایید امر
تحقیق و تفحص با کدامیک از مواد قانونی
مغایرت دارد که مرقوم فرموده اید «وظایف و
اختیارات مجمع عمومی نیست»؟

به علاوه اظهار نظر جنابعالی به عنوان
عضوی از سازمان نظام مهندسی قابل احترام و
امتنان است لیکن دفتر سازمان های مهندسی و
تشکل های حرفه ای به استناد چه ماده ای از
قانون حکم بر غیرقانونی بودن مجمع
می کند؟!!!

۳- در مورد نامه های جناب آقای حسن زاده
یکی از بازرسان محترم نظام مهندسی ساختمان
استان تهران، بهتر است دوستانه به ایشان یادآور
شوید که در مسایلی که نه در وظیفه قانونی نه در
صلاحیت نامبرده است دخالت نکنند و به جای
ارشاد و نصیحت هیأت مدیره به مفاد ماده ۸۲
آیین نامه اجرایی قانون که تنها وظیفه قانونی وی
می باشد بپردازد.

۴- خواهشمندم دستور فرمایید در اجرای
ماده ۷۰ آیین نامه اجرایی قانون نظام مهندسی و
کنترل ساختمان مدارک انتخابات هیأت مدیره
را برای نگهداری در سازمان ارسال نمایند. تعلل
در این مورد ایجاد شک و تردید در تعداد آراء
بعضی از اعضای هیأت مدیره نموده است.

بهاءالدین ادب

رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران

بر اساس قانون و آیین نامه اجرایی

تاریخ: ۱۳۸۰/۷/۲۹
شماره: ۱۱۰/۸۰/۳۱۳۴

ریاست محترم شورای امنیت کشور
جناب آقای موسوی لاری، وزیر محترم کشور

با اهداء سلام، عطف به نامه شماره
۴۰۳/۱۴۷۰ مورخ ۸۰/۷/۲۸، مدیرکل محترم دفتر
سازمان های مهندسی و تشکل های حرفه ای
وزارت مسکن و شهرسازی به عنوان شورای
محترم امنیت کشور که رونوشت به این سازمان
نیز داده شده است اعلام می دارد که:

۱- تشکیل مجامع عادی و فوق العاده تمام
تشکل های مدنی و من جمله سازمان نظام
مهندسی ساختمان استان تهران، بر اساس قانون
و آیین نامه اجرایی و اساسنامه آن تشکل بوده و
نیازی به کسب مجوز از دستگاه های امنیتی و
انتظامی ندارد.

۲- مجمع فوق العاده مورخ ۸۰/۷/۳۰ بنا به
مصوبه مجمع عمومی عادی مورخ ۸۰/۵/۲۷ که
بالاترین رکن سازمان استان می باشد و خود
مجمع مذکور تاریخ ۲ ماه بعد برای تعیین کرده
بود، آگهی شده است. متن صورت جلسه مجمع و
آگهی های منتشره با دستور جلسات مجمع برای
وزارت مسکن و شهرسازی ارسال و از مقامات
آن وزارتخانه، نیز دعوت به عمل آمده است.

۳- جای بسی تعجب و تأسف است که ۲
روز مانده به تشکیل مجمع عمومی اقدام به
صدور چنین نامه ای که حاوی تخلفات زیر
است صورت گرفته است:

اولاً به موجب قانون وزارت مسکن و
شهرسازی و به طریق اولی، احدی از وزارت
مزبور اختیار اعلام قانونی یا غیرقانونی بودن
مجمع عمومی را ندارد.

ثانیاً اظهار نظر مشورتی پیرامون نحوه
تشکیل مجمع ضرورتی نداشت به شورای
امنیت کشور کشاننده شود و این امر عدم حسن
نیت صادرکننده نامه را به ذهن خواننده متبادر
می کند.

ثالثاً چنانچه دفتر سازمان های مهندسی و
تشکل های حرفه ای دلیلی قانونی برای تشخیص
خود داشت می توانست با مسئولین سازمان نظام
مهندسی ساختمان در میان می گذاشت تا با ارائه
توضیح لازم به نامبرده مشکل ایشان حل گردد.

۴- جمع مهندسان عضو سازمان، جمعی
فرهیخته است و علیرغم تمام اختلاف سلاقی
که لازمه چنین مجموعه هایی است. هیچگاه
برای امنیت ملت و مملکت اقدامی نه تنها
نموده اند، بلکه خود از مدافعین امنیت پایدار و
آزادی های فردی و اجتماعی هستند. این شیوه
عمل و نگاه کردن به مهندسان، توهین به جمع
ایشان تلقی می گردد.

لذا انتظار دارد برای جلوگیری از هر مسأله و
مورد احتمالی دستورات مقتضی صادر و نامه
ارسالی مدیریت کل مذکور را کان لم یکن تلقی
نمایند.

با سپاس

بهاءالدین ادب

رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران

تشکیل می شود

تاریخ: ۱۳۸۰/۷/۲۹
شماره: ۱۱۰/۸۰/۳۱۳۳

جناب آقای دکتر زید آبادی

روزنامه وزین همشهری

با سلام و احترام، عطف به خبر درج شده در
صفحه ۳، شماره ۲۵۳۸ مورخ ۸۰/۷/۲۹، آن نشریه
محترم تحت عنوان «توضیح هیأت مدیره
سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران:
«مجمع عمومی آگهی شده تشکیل نمی شود»
متمنی است، برابر قانون مطبوعات مقرر دارید
تکذیبیه ذیل در همان صفحه و با همان
مشخصات درج گردد.

با سپاس

جناب حجت الاسلام آقای دعائی

مدیر محترم روزنامه وزین اطلاعات

با سلام و احترام، عطف به اطلاعیه
درج شده در شماره مورخ ۸۰/۷/۲۶ آن نشریه
محترم تحت عنوان «قابل توجه اعضای محترم
سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران»:
متمنی است، برابر قانون مطبوعات مقرر دارید
تکذیبیه ذیل در همان صفحه و با همان
مشخصات درج گردد.

با سپاس

بهاءالدین ادب

رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان استان
تهران

«مجمع عمومی آگهی شده تشکیل می شود»

بدین وسیله، ضمن تکذیب خبر درج شده
شماره ۸۰/۷/۲۶، به استحضار کلیه اعضای محترم
سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران
می رساند که، مجمع عمومی در ساعت ۵ بعد از
ظهر مورخ ۸۰/۷/۳۰، تشکیل خواهد شد و
توضیحات زیر تقدیم می گردد.

۱- تشکیل مجمع مورخ ۸۰/۷/۳۰، برابر
مصوبه مجمع ۸۰/۷/۲۵، که بالاترین رکن
سازمان استان است، آگهی شده است.

۲- ده نفر از ۲۵ نفر اعضای هیأت مدیره،
نمی توانند تصمیم مجمع عمومی را کان لم یکن
نمایند.

۳- مسئولیت روابط عمومی سازمان، برابر
نمودار مصوب هیأت مدیره، به عهده رئیس
سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران
می باشد. درج خبر مذکور، بدون اطلاع رئیس
سازمان، تخلف آشکار است.

۴- اقداماتی از قبیل آگهی در جراید و انتشار
اخبار نظیر آن چه در روزنامه ها چاپ شده است
از مصادیق بارز، تشویش در اذهان عمومی و نشر

اکاذیب است. که سازمان حق تعقیب قانونی اقدام کنندگان را برای خود محفوظ می دارد.

در تعارض نیست

تاریخ: ۱۳۸۰/۸/۱
شماره: ۱۱۰/۸۰/۳۱۷۵

روزنامه وزین اطلاعات

برای توجه جناب حجت الاسلام آقای دعایی

در صفحه چهارم شماره ۲۲۳۲۵ مورخ ۸۰/۷/۳۰ آن روزنامه وزین مطالبی به نقل از جناب آقای مهندس خلخالی مدیر کل وزارت مسکن و شهرسازی مبنی بر غیرقانونی بودن تشکیل مجمع عمومی سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران درج شده بود که ضمن تکذیب خبر مربوطه و مغایرت بیانات ایشان با مفاد قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان، خواهشمند است دستور فرمایید متن زیر را در همان صفحه امر به درج نمایند:

جلسه مجمع عمومی فوق العاده براساس مصوبه مجمع عمومی عادی مورخ ۸۰/۵/۲۷ تشکیل شده است و با هیچ یک از مواد قانون مزبور در تعارض نیست. ضمناً اضافه می نماید که وزارت مسکن و شهرسازی و به طریق اولی واحدهای تابعه آن هیچگونه نظارت عالی بر سازمان های نظام مهندسی استانها ندارد. رابطه سازمان با مقام وزارت در محدوده موادی است که در قانون پیش بینی شده است و نظام مهندسی استان تهران هم با موازین قانونی مخالفتی ندارد.

لازم به ذکر است که در ساعت ۱۷ روز ۸۰/۷/۳۰ مجمع عمومی فوق العاده سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران در حسینیه ارشاد با حضور حدود یک هزار نفر از اعضای سازمان تشکیل شد و صورتجلسه آن متعاقباً برای اطلاع وزارت مسکن ارسال خواهد شد.

باسپاس

بهاءالدین ادب

رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران

به رکود کشیده شده

هیأت مدیره محترم سازمان نظام مهندسی ساختمان

استان تهران

با سلام

عطف به نامه شماره ۳۴۶۸-ش/م مورخه ۸۰/۷/۱ شورای مرکزی نظام مهندسی ساختمان با توجه به انقضای دوره یکساله تصدی هیأت رئیسه (از دوم مهرماه ۸۰) و عدم توفیق هیأت مدیره محترم با وجود تشکیل جلسات متعدد، تاکنون برای انتخاب هیأت رئیسه جدید و همچنین عدم توافق برای انتخاب اعضای جدید

شورای انتظامی که از تاریخ مردادماه ۸۰ دوره تصدی آنان نیز خاتمه یافته و شورای مذکور نیز به حالت تعطیل درآمده است و با بلا تصدی ماندن دورکن یاد شده، سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران عملاً به رکود کشیده شده است. شایسته است تا تاریخ ۱۵ دی ماه سال ۱۳۸۰ نسبت به انتخاب هیأت رئیسه جدید اقدامات جدی معمول و نتیجه اعلام گردد تا بیش از این تعهدات آن هیأت مدیره محترم در قبال اعضا به تعویق نیفتد. از اعلام تصمیمات متخذه قبلاً سپاسگذارم.

محمد فائزی

معاون نظام مهندسی و اجرای ساختمان

کدام رکود؟

جناب آقای مهندس محمد فائزی

معاونت محترم نظام مهندسی و اجرای ساختمان
وزارت مسکن و شهرسازی

سلام علیکم

احتراماً، بازگشت به نامه شماره ۴۰۰/۲۰۹۸ مورخ ۸۰/۱/۵ و پیرو نامه شماره ۱۱۰/۸۰/۴۸۶۵ مورخ ۸۰/۱/۸ و با تشکر از اینکه به مسائل داخلی سازمان عنایت فرموده اید. لازم است برای مزید اطلاع جنابعالی موارد زیر را به استحضارتان برسانم:

۱. به موجب ماده ۷۱ آیین نامه اجرایی قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان هیأت رئیسه سازمان برای مدت یک سال انتخاب می شوند و تجدید انتخاب ایشان در سالهای بعد بلامانع می باشد. همانگونه که مستحضری در قانون و آیین نامه مربوطه توصیه ای برای نحوه اداره سازمان در فاصله دو انتخاب هیأت رئیسه نشده است. بنابراین براساس سایر قوانین عمومی و رویه متداول نهادهای مشابه، جایگاه قانون و مسئولیت هیأت رئیسه سازمان تا انتخاب هیأت رئیسه جدید و تفویض مسئولیت، به قوت خود باقی است، و این امر شامل شورای انتظامی نیز می گردد. لذا بیان «بلا تصدی ماندن دو رکن سازمان» واقعیت ندارد.

۲. همانگونه که قبلاً نیز اعلام گردید هیأت رئیسه سازمان یک هفته قبل از پایان دوره یکساله مأموریت خود موضوع انتخاب هیأت رئیسه را در دستور جلسه هیأت مدیره قرار داده و در هر جلسه نیز پی گیری نموده است. اما به دلیل خواست غیرمنطقی و غیردمکراتیک تنی چند از اعضای هیأت مدیره مبنی بر عدم رعایت نظامنامه و حق اکثریت و توسل به شیوه های پارلمان تارستی و آبستراسیون ... این امر تاکنون محقق نگردیده، بنابراین تا هر زمان که اعضای هیأت مدیره تشخیص دهند وضع فعلی

ادامه خواهد داشت لذا تعیین هرگونه ضرب العجل برای انتخاب هیأت رئیسه فاقد مقبولیت قانونی است.

۳. در خصوص به «رکود کشیده شدن فعالیت سازمان» به استحضار می رساند نه تنها فعالیت های جاری سازمان به رکود کشیده نشده بلکه برعکس فعالیت آن در حدی است که در تمام طول حیات سازمان چنین فعالیت گسترده ای سابقه نداشته، و علی رغم بعضی کارشکنی ها و بهانه گیری های موجود و عدم تناسب پرسنل اداری با حجم فعالیت روزانه که از یک طرف به دلیل بالا رفتن تعداد اعضای سازمان (بیش از ۲۶ هزار عضو) و از طرف دیگر مسئولیتها و مأموریت های متعددی که توسط وزارت مسکن و شهرسازی برعهده سازمان گذارده شده در بهترین شکل ممکن در حال انجام است. امروز برخلاف گذشته، سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران به عنوان یک نهاد فعال و پویا در زندگی حرفه ای مهندسان در حد توان و اختیارات قانونی پاسخگوی ایشان است. لذا توصیه می گردد به جای توجه به گزارشات غیر واقعی، یکبار به صورت تصادفی به سازمان تشریف آورده تا حجم فعالیت روزمره سازمان را از نزدیک ملاحظه بفرمایید، در این خصوص سخن بسیار است که در آینده مشروح آن به اطلاع عموم مهندسان خواهد رسید.

۴. در خصوص نگرانی حضرتعالی مبنی بر «به تعویق افتادن تعهدات هیأت مدیره در قبال اعضا» به استحضار می رساند: اولاً بفرمایید این تعهدات کدام است؟! او چه میزان از این تعهدات به تعویق افتاده؟ ثانیاً: این تعهدات و تعویق آن از چه زمان به وجود آمده؟! آیا این تعهدات و تعویق ها مربوط به سه ماه اخیر است؟ یا از بدو تأسیس سازمان تا امروز این تعهدات معطل مانده است؟!!

جناب آقای مهندس فائزی!

واقعیت این است که هیچ تعهد و تکلیفی بدون داشتن اختیارت لازم مفهوم ندارد. سازمانی که در انجام حیاتی ترین وظایف قانونی، سازمانی که در برآورده نمودن اساسی ترین خواست اعضایش، دارای اختیاراتی در حد «مشارکت»، «همکاری»، «حسب درخواست» و ... می باشد! چگونه می تواند به تعهدات خود در قبال اعضایش پاسخ مناسب دهد؟! سازمانی که برای انجام ساده ترین و ابتدایی ترین خواسته هایش باید دست نیاز به سوی وزارت مسکن و شهرسازی دراز کند، سازمانی که حتی حق برگزاری انتخابات خود را ندارد و وزارت مسکن و شهرسازی باید برایش انتخابات برگزار کند و نتایج آن را نیز به دلخواه

خود اعلام نماید، سازمانی که ارکان آن باید توسط مقام محترم وزارت گزینش شوند؛ چگونه می‌تواند به تعهدات خود نسبت به اعضایش عمل نماید؟! صرفنظر از کم‌کاری و کم‌توجهی مدیران دوره‌های قبل سازمان و صرفنظر از مشکلات و مسائل داخلی هیأت مدیره فعلی، در شرایط موجود با اختیارات محدود سازمان و با وجود دولتمردانی که در وزارت مسکن و شهرسازی بندهای انقیاد سازمان را به شدت در دست دارند و به هیچ وجه حاضر نیستند ذره‌ای از تصدی‌گری دولت بر این نهاد مدنی بکاهند، به راستی چگونه می‌توان به تعهدات سازمان در قبال اعضا عمل نمود؟! جناب آقای مهندس فائزی با اطمینان از حسن نیت حضرتعالی به اطلاع می‌رساند مشکلات اصلی و محوری اعضای سازمان از ابتدای تأسیس تاکنون به شرح زیر است:

الف- مشکل مهندسان و نظام مهندسی با شهرداری و دخالت‌های غیرقانونی شهرداری در امور مهندسان و نابه‌سامانی کنترل ساخت و ساز شهری.

ب- موضوع آزمون رتبه‌بندی مهندسان که شکل و محتوای آن همواره مورد اعتراض مهندسان است.

ج- موضوع اشتغال مهندسان، تعیین ظرفیت اشتغال مناسب برای اشخاص حقیقی و حقوقی و جلوگیری از دخالت افراد فاقد صلاحیت در امر ساخت و ساز.

د- رعایت حدود صلاحیت‌ها و اجرای کامل ماده ۱۲ آیین‌نامه، الزام بکارگیری مجریان ذیصلاح.

و- استقلال سازمان و عدم دخالت دولت در امور جاری آن.

موارد فوق‌الذکر از اهم انتظارات اعضای سازمان از هیأت مدیره می‌باشد. حال بفرمایید: کوتاهی هیأت مدیره در کدام یک از موارد ذکر شده مانع رفع مشکلات مهندسان گردیده؟! با عرض پوزش از جنابعالی لازم است بدانید که در تمام موارد مذکور، کوتاهی و عدم توجه مسئولان محترم وزارت مسکن و شهرسازی در انجام وظایف و تکالیف قانونی‌شان، علت اصلی ناکامی‌های سازمان بوده است! برای جلوگیری از تطویل کلام تنها به یک مورد اشاره می‌کنم:

هانگونه که مستحضریده به موجب ماده ۳۸ قانون این وظیفه وزارت مسکن و شهرسازی است که تسهیلات لازم برای فعالیت سازمان فراهم نموده و روابط سازمان با سایر دستگاههای اجرایی در سطح ملی و محلی را تنظیم نماید. در موضوع تنظیم روابط با شهرداری که از محوری‌ترین خواسته‌های مهندسان است عملکرد وزارت مسکن و

شهرسازی چه بوده است؟ پس از سالها تلاش و مذاکره و درخواست و خواهش و... سرانجام در سال ۷۸ تفاهم‌نامه‌ای بین ریاست محترم وقت سازمان و شهردار محترم تهران به امضا رسید که وزیر محترم مسکن و شهرسازی به عنوان داور و ضامن اجرای آن امضا فرمودند. پس از اعلام آن تفاهم‌نامه سازمان به اعتبار امضای این سه مقام مسئول و در راستای اجرای تفاهم‌نامه مذکور دفاتر نمایندگی خود را در نقاط مختلف شهر تهران با صرف دهها میلیون تومان هزینه دایر نمود ولی در عمل شهردار محترم تهران بدون هیچ دلیل منطقی از اجرای تفاهم‌نامه خودداری نمود و وزیر محترم مسکن و شهرسازی علی‌رغم مسئولیتی که به عهده داشتند کوچکترین مداخله‌ای در این مورد نفرمودند و بیش از یکصد و پنجاه میلیون تومان پول سازمان که تماماً از محل پرداخت حق عضویت اعضا فراهم شده بود به دلیل این بی‌توجهی ایشان به هدر رفت!

در خاتمه به نظر جنابعالی آیا بهتر نیست مسئولان محترم وزارت مسکن و شهرسازی به جای دخالت در امور داخلی سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران و پرداختن به مسائل کم‌اهمیتی که در شرایط کنونی جامعه ما بسیار طبیعی نیز می‌باشد، کمی به وظایف و تکالیف قانونی خود در قبال سازمان بیاورند؟ آیا بهتر نیست به جای دعوت از شورای امنیت ملی برای جلوگیری از برگزاری مجمع عمومی قانونی سازمان و یا دخالت در انجام وظایف قانونی آن و دور زدن سازمان و صدور بخشنامه و دستورالعمل‌های سراپا نادرست و خلاف قانون نظیر آنچه در خصوص ظرفیت اشتغال مهندسان و حدود صلاحیت ایشان صادر شده

است و به جای حمایت و تقویت نهادهای غیرمسئول و تشویق آنها به مقابله کردن با سازمان و دفاتر نمایندگی آن و به جای اتخاذ مواضع جانب‌دارانه در اختلافات داخلی هیأت مدیره که نه تنها کمکی به حل مشکلات آن نمی‌کند بلکه آن را پیچیده‌تر نیز می‌سازد و به جای پافشاری بر روشهایی نادرست که در عمل ناکارآمدی خود را نشان داده و از نظر علمی و منطقی مردود است، به انجام تکالیف قانونی که در ماده ۳۸ قانون به صراحت عنوان شده است بپردازند! و بالاخره آیا بهتر نیست به جای هزینه کردن از شأن و منزلت والای وزارت مسکن و شهرسازی، بپذیریم نمایندگان مهندسان کشور که از فرهیخته‌ترین اقشار اجتماعی هستند نیاز به قیم نداشته و خود قادرند مشکلات و مسائل داخلی خودشان را حل و فصل نمایند؟ هر چند در قانون نیز محملی برای اینگونه دخالت‌ها وجود ندارد.

با آرزوی توفیق برای تمامی خدمتگزاران مهندسی کشور و سپاس و تشکر از دلسوزی و نگرانی و تلاش حضرتعالی برای حل معضلات داخلی سازمان، هیأت مدیره و هیأت رئیسه آن، به استحضار می‌رساند هیأت مدیره این سازمان در راستای صیانت از سرمایه‌های ملی و اعتلای مهندسی کشور و استیفای حقوق مهندسان، دست کلیه مسئولین محترم وزارت مسکن و شهرسازی را می‌فشارد و آمادگی خود را برای همکاری اعلام می‌دارد.

با تشکر

بهاءالدین ادب

رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران

غیبت بعضی از اعضا

جناب آقای مهندس محمد فائزی

معاونت محترم نظام مهندسی و اجرای ساختمان

وزارت مسکن و شهرسازی

احتراماً، بازگشت به نامه شماره ۴۰۷/۲۰۹۸ مورخ ۸۰/۱۰/۵ در خصوص انتخاب هیأت رئیسه سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران به استحضاراتان می‌رسانم:

۱. از تاریخ ۸۰/۶/۳۱ تاکنون به طور مستمر موضوع انتخابات هیأت رئیسه در دستور جلسه هیأت مدیره قرار داشته که متأسفانه تعدادی از این جلسات به دلیل غیبت برخی از اعضای محترم هیأت مدیره به نصاب قانون نرسیده و تعدادی از جلسات نیز که رسمیت یافته به محض ورود به دستور جلسه انتخابات هیأت رئیسه با خروج دسته جمعی تعدادی از اعضای هیأت مدیره فاقد نصاب لازم برای رأی‌گیری شده است.

۲. در تعدادی از جلسات که اکثریت حاصل شده است بحث‌ها برای ایجاد تفاهم و همکاری بوده و بعضاً دارای مصوباتی نیز بوده است. در جلسه مورخ ۸۰/۹/۳ آقای مهندس سیدرضا هاشمی طرحی برای انتخاب اعضای هیأت رئیسه ارائه فرمودند که مقرر گردید سه جلسه روی آن طرح اظهار نظر شود و پس از تفاهم نسبت به روش انتخاب اعضای هیأت رئیسه اقدام گردد.

۳. در جلسات گذشته هیأت مدیره مقرر گردید دبیر هیأت مدیره، غیبت اعضای هیأت مدیره را از صورت جلسات استخراج نموده و طبق نظامنامه اداره جلسات، علت غیبت و عدم حضور اعضا رسیدگی شود.

۴. نظر به اینکه بر طبق ماده ۷۰ آیین‌نامه اجرایی مدارک انتخابات هیأت مدیره تاکنون به سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران تحویل داده نشده است و بعضی از اعضا نسبت

به تعدادی آرای اعلام شده تشکیک نموده‌اند و این امر باعث شده است تا رأی‌گیری برای انتخاب هیأت رئیسه مورد تشکیک قرار گیرد لذا خواهشمندم به منظور از بین رفتن شک و تردید ایجاد شده و اجرای انتخابات هیأت رئیسه هرچه سریعتر مدارک انتخابات را به نماینده هیأت رئیسه سازمان، آقای دکتر احمدرضا سرحدی تحویل فرمایید تا از تأخیر در انتخابات هیأت رئیسه جلوگیری شود.

حسن فرید اعلم

نایب رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران
رونوشت: اعضای هیأت مدیره محترم و بازرسان محترم برای اطلاع و تسریع در اقدام لازم

از ماست که بر ماست

بعضاً همکاران محترم مهندس گلایه دارند که چرا مهندسان شأن و جایگاه در خور خود را در جامعه ندارند؟ مگر چه فرقی بین پزشکان و مهندسان هست که آنان قدر می‌بینند و در صدر می‌نشینند و مهندسان، نه؟! چرا اکثر شخصیت‌های منفی و پشت‌هم‌انداز و دغل در سریال‌های تلویزیونی را به نام مهندس می‌نامند؟ در پاسخ باید گفت، همه از دست غیر می‌نالند، سعدی از دست خویشتن فریاد. جز معدودی که از مهندسی فقط عنوان آن را یدک می‌کشند، و هر وقت مسئولیتی و پست و منصبی گرفته‌اند، تا توانسته‌اند، از مهندسان بد گفته‌اند و تا توان داشته‌اند به آن‌ها بد کرده‌اند، چه کس یا کسان دیگر باعث تنزل شأن و جایگاه مهندسی و مهندسان شده‌اند؟ عملکرد این عده معدود، طی ۲۳ سال گذشته در خصوص مهندسی و مهندسان نزد مهندسان میان سال و معمر به خوبی در یادها حفظ و بر لوح قلب و روان ایشان حک شده است. آنان تا بر مسند قدرت سوار بر اسب مراد بودند، به مهندسان تاختند و آنان را مشت می‌فروشد، چپاولگری تعهد، نزد صاحبان قدرت جلوه دادند، و هر وقت از اسب پیاده شدند، تلاش نمودند از مهندس و مهندسان استفاده‌ای نماند.

نوشتن نامه توسط ریاست شورای مرکزی نظام مهندسی ساختمان، به بانک‌های صادرات و مسکن و درخواست انسداد حساب‌های بانکی سازمان نظام مهندسی ساختمان، تنها نتیجه‌ای که داشت، تحقیر مهندس و تداعی کلاهبرداری یا قصد کلاهبرداری و کار خلاف در اذهان مخاطبین نامه، یعنی اولیای بانک است و لا غیر. همان بانکی که قرار است یکی از منابع اعتبارات

مورد نیاز مهندسان برای فعالیت‌های ساخت و ساز باشد. کارمند و رئیس و مدیرعامل بانکی که نامه‌ای دال بر درخواست انسداد حساب سازمان نظام مهندسی یعنی تشکل مهندسان را دریافت می‌کند، نزد خود می‌گوید، هیأت مدیره که منتخب اعضا هستند و به طور طبیعی باید از معتمدین قوم باشند، این معتمدین که هیأت مدیره نام دارند بین خود، چهار نفر را به عنوان هیأت رئیسه و صاحب امضای مجاز برمی‌گزینند؛ پس به طریق اولی، این برگزیدگان معتمدین، خیلی باید مورد اعتماد باشند. وقتی این امنا و این برگزیدگان معتمدین کاری کرده‌اند که رئیس شورای مرکزی، در خصوص آن‌ها نامه‌ای چنین می‌نویسد، وای به حال بقیه، که نه داعیه معتمد بودن دارند و نه سودای برگزیده شدن از بین معتمدین و با رأی معتمدین!!

منصفانه قضاوت کنید، اگر شما به جای کارکنان محترم بانک‌ها از پایین تا بالا بودید، غیر از این فکر می‌کردید؟

قدر قدرت‌های دیروز که با مارک زدن‌های آن‌چنانی به مهندسان به مناصب و مقامات رسیدند و زمانی در کسوت کمیته‌ای و اوقاتی در مسند صدارت و وزارت، هرکس که پرسش می‌کرد چرا؟ با مارک ضدانقلابی و غیر خودی و مخالف اصول و ارزش‌ها و... از صحنه بیرونش می‌کردند، امروز به شیوه‌ای دیگر، لیکن با همان قصد و فکر، حرکاتی نظیر نامه‌نگاری به بانک را پیش گرفته‌اند، با هدف و منظور بی‌اعتباری همه مهندسان!! و جامعه مهندسی!! نگویید مگر چهار نفر صاحب امضا همه مهندسی و مهندسان هستند، زیرا پاسخ می‌دهم که حساب بانکی مورد بحث حساب شخصی صاحبان امضا نبوده و نیست. نام‌های افراد فراموش می‌شود. اما نام سازمان‌ها و تشکل‌ها در اذهان باقی خواهد ماند. در این بحث و نوشتار وارد این مقوله نشدم که اصولاً رئیس شورای مرکزی نه حق قانونی چنین اقداماتی را دارد و نه چنین کارهایی را می‌تواند انجام دهد. برعکس این هماهنگ‌کننده، برابر قانون و آیین‌نامه، مأموریت حفاظت و صیانت از شئون و حیثیت مهندس و مهندسان را دارد. معلوم نیست، این نگارنده قانون و مصوب‌کننده آن که حداقل پنج سال هم به عنوان رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران در مقام اجرای آن نیز صاحب اختیار بوده‌اند، در پی چه مطلبی هستند!! می‌خواهیم مصوبه مجمع عمومی سازمان، یعنی بالاترین رکن از ارکان را اجرا، و حسابرسی را انجام دهیم تا اگر کسی تخلفی کرده است روشن شود، نمی‌گذارند!! کسی را که حساب پاک است، از محاسبه چه باک است؟ از یک طرف مانع حسابرسی شدن، و از طرفی به بانک نامه نوشتن و

انسداد حساب را بدون آن‌که چنین اختیاری را داشته باشند، خواستن، چه معنا و مفهومی دارد؟ جامعه مهندسی، جزئی از جامعه بزرگ ملت ایران است، دوره اختیارات فراقانونی گذشته است، خیال ملکوک کردن چهره‌ها، خیال باطلی است. این خواب آشفته تعبیر خوشی ندارد. همان‌گونه که ملت حقوق قانونی خود را طلب می‌کند، مهندسان نیز مطالبه‌ای جز این نداشته و نخواهند داشت. دیگر بعید است که درب بر همان پاشنه گذشته بچرخد و کسی بتواند اعتبارات کار فرهنگی را صرف تبلیغات فردی نماید، یا با ذکر صلوات، مصوبه بگیرد. اگر این چند نفر عضو هیأت مدیره و هیأت رئیسه را هم به فرض محال خسته کنید، که خسته نمی‌شوند، با لشکر مهندسان قانونمند و قانونگرا و طرفدار شایسته‌سالاری و مردم‌سالاری چه می‌خواهید بکنید؟

بهاءالدین ادب

رئیس سازمان مهندسی ساختمان استان تهران

پرداخت نکنید

تاریخ: ۱۳۸۰/۱۰/۲۴

شماره: ۳۸۲۸ ش ۳

بانک صادرات شعبه شهرک قدس - کد ۲۷۵۷۲

سلام علیکم،

ضمن ایفاد نامه شماره ۳۰۰/۲۰۹۸ مورخ ۱۳۸۰/۱۰/۵ معاون نظام مهندسی و اجرای ساختمان وزارت مسکن و شهرسازی مشعر بر خاتمه دوره یکساله تصدی هیأت رئیسه سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران در تاریخ دوم مهرماه ۸۰ که رونوشت آن برای پی‌گیری به شورای مرکزی سازمان نظام مهندسی ساختمان ارجاع شده است اعلام می‌دارد، اعضای هیأت رئیسه قبلی سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران شامل آقایان مهندس بهاءالدین ادب (رئیس)، مهندس یونس قلی‌زاده طیار (نایب رئیس اول)، دکتر حسن فرید اعلم (نایب رئیس دوم)، دکتر احمدرضا سرحدی (دبیر هیأت مدیره) از تاریخ فوق (۸۰/۷/۲) فاقد سمت بوده و نمی‌توانند از حساب بانکی سازمان مذکور نزد آن شعبه به شماره ۱۳۳۴/۲۰ برداشت نمایند.

همچنین بموجب بند ۲۴ ماده ۷۲ آئین‌نامه اجرایی قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان مصوب بهمن ماه ۱۳۷۵ حق تعیین امضا یا امضاها را مجاز به منظور برداشت از حسابهای بانکی، اعضای قراردادهای، اسناد و اوراق تعهدآور در اختیار هیأت مدیره سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران است و چون هیأت مدیره مذکور مصوبه‌ای دال بر تعیین صاحبان حقوق امضا و اعطای اختیار برداشت از حسابهای بانکی به افراد فوق تصویب نموده است:

خواهشمند است دستور فرمائید از تاریخ وصول این نامه تا زمان تعیین صاحبان حق امضا بوسیله هیأت مدیره آن سازمان هیچگونه پرداختی از حسابهای مذکور صورت نپذیرد. (نسخه‌ای از قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان و آئین نامه اجرایی آن به پیوست ایفاد می شود).

با تشکر سید محمد غرضی
رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان کشور
رئیس شورای مرکزی سازمان نظام مهندسی ساختمان

مسدود است!

تاریخ: ۱۳۸۰/۱۰/۲۵
شماره: ۳۵۴۱ ش ر م

جناب آقای تقوا

رئیس محترم بانک صادرات شعبه شهرک قدس
۲۷۵۷

سلام علیکم،

بازگشت به نامبر شماره ۱۲/۳۷۵۷/۲۷۷ مورخ ۸۰/۱۰/۲۵ اشعار میدارد:

۱- نص بندهای ۲۲ و ۲۴ ماده ۷۲ آئین نامه اجرایی قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان مصوب بهمن ماه ۱۳۷۵ مشعر بر این که افتتاح حساب بانکی بنام نظام مهندسی استان و تعیین امضاها برای برداشت از حسابهای بانکی از اختیارات انحصاری هیأت مدیره نظام مهندسی استان است، از آنچنان وضوحی برخوردار است که نیاز به هیچگونه تفسیر حقوقی ندارد.

۲- آن شعبه باید از کسانی که در مهرماه سال ۱۳۷۹ خود را بعنوان صاحب امضای مجاز برای برداشت از حساب بانکی نظام مهندسی استان تهران (بجای صاحبان حقوق امضای قبلی) معرفی کرده بودند صورتجلسه هیأت مدیره دال بر تغییر یا جایگزینی امضاها را مطالبه می نمود که چنین عمل ننموده است و صرفاً به نامه مدعیان امضای جدید اکتفا نموده است.

۳- قطع نظر از عملکرد گذشته آن شعبه در مورد حساب مذکور، حداقل از تاریخی که آن شعبه از موضوع آگاهی یافته (۸۰/۱۰/۲۵) باید از امضاکنندگان چکها مطالبه سندی دال بر تفویض اختیار امضای چکها از ناحیه هیأت مدیره نظام مهندسی تهران به ایشان را بنماید.

۴- بنابه توصیه جنابعالی در نامبر ارسالی، با جناب آقای رضایی مدیر کل محترم اداره حقوقی آن بانک مذاکره شد و قرار شد رسماً پاسخ آن شعبه را بدهند اما بهر حال ارجاع دادن شورای مرکزی به اداره حقوقی بانک یا مکاتبه آن شعبه با اداره حقوقی بانک از امور داخلی بانک محسوب می شود و رافع مسئولیت شعبه در عمل به موازین قانونی (حداقل از زمانی که از

آن مطلع می شود) نیست.
با تشکر

سید محمد غرضی
رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان کشور
رئیس شورای مرکزی سازمان نظام مهندسی ساختمان

خارج از اختیارات قانونی رئیس شورای مرکزی

مدیریت محترم حقوقی بانک صادرات

با سلام و احترام، متأسفانه، در اثر مکاتبات غیر ضروری و خارج از اختیارات قانونی رئیس محترم شورای مرکزی سازمان نظام مهندسی ساختمان، که مع الأسف، از قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان، برداشت و درکی اشتباه دارند، در مورخ ۸۰/۱۰/۲۷ با اظهار نظر آن مدیریت محترم حساب جاری شماره ۱۳۳۴ این سازمان نزد شعبه شهرک قدس کد ۲۷۵۷ مسدود گردیده و انسداد حساب مذکور صرف نظر از ضربه حیثیتی به سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران و جامعه مهندسی کشور که حراست و حفظ حیثیت آن از اهم وظایف مصرح در قانون مذکور برای شورای مرکزی می باشد، شده است؛ موجب اختلال در گردش امور سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران با بیش از ۲۶ هزار عضو و همچنین باعث زیان به اشخاص ثالث و دارندگان چکهای صادره از طرف این سازمان گردیده است. به منظور رفع سوء تفاهم، و استحضار بیشتر ضروری می دانم موارد زیر را اعلام نمایم.

۱- کلیه سازمانهای نظام مهندسی ساختمان استانهای کشور، به موجب قانون و ماده ۴۲ آئین نامه اجرایی، دارای شخصیتی حقوقی مستقل بوده، و به موجب ماده ۵۱ آئین نامه قانون هر یک دارای ارکان خاص، نظیر مجمع عمومی، هیأت مدیره، بازرسان و شورای انتظامی هستند. سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران با بیش از ۲۶ هزار عضو مهندس حداقل ۴ سال قبل از تشکیل شورای مرکزی تشکیل شده و هیأت مدیره منتخب داشته و کلیه اقدامات زیر نظر هیأت مدیره منتخب انجام شده است. به موجب بندهای ۲۳ و ۲۴، از ماه ۷۳ آئین نامه افتتاح حساب بانکی و تعیین دارندگان امضای مجاز از وظایف هیأت مدیره استان می باشد نه شورای مرکزی.

۲- در ماده ۵ قانون سازمان نظام مهندسی و کنترل ساختمان و مواد ۱۱۵ و ۱۱۶ آئین نامه اجرایی قانون مذکور، مورد استناد آن مدیریت محترم برای مسدود نمودن حساب و اجابت درخواست رئیس شورای مرکزی، و همچنین کلیه مواد دیگر قانون و آئین نامه، اختیاری به عنوان نهاد بالاتر، که حق دخالت در گردش امور سازمانهای استانها را به این شورا یا رئیس آن داده باشد، وجود ندارد. بلکه

این رکن نیز رکنی از ارکان سازمان نظامی مهندسی ساختمان و در عرض آنهاست نه بالاتر.

۳- به نظر اکثر قریب به اتفاق کارشناسان، شورای مذکور دفتر امور مشترک برای سازمانهای نظام مهندسی ساختمان استانهای کشور می باشد. هر استان با توجه به شرایط اقلیم و میزان ساخت و ساز شهری، باید دارای دستورالعملها و آئین نامه های مناسب و وضعیت حوزه فعالیت خود باشد. ممکن است امور مشترکی نیز برای سراسر کشور ضرورت پیدا کند، که این شورا فقط وظیفه هماهنگی و ابلاغ و نظارت بر اجرای آن را برابر آنچه در قانون و آئین نامه آمده است دارد. این امور نیز کلاً موارد فنی و مهندسی است، و به هیچ وجه ناظر بر امور مالی و اداری سازمانهای استانها، که ارکان خاص خود را دارند نمی باشد. یعنی نمی توان رئیس شورای مرکزی را جایگزین مجامع عمومی و هیأت مدیره ها و ریاست سازمانهای استانها نمود و اختیارات این ارکان را برای شخص و فرد نامبرده، قایل شد.

۴- صاحب امضای مجاز، نمایندگان هیأت مدیره هستند. هیأت مدیره سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران، تاکنون صاحبان امضای مجاز معرفی شده خود را، که از آغاز به کار این هیأت مدیره حساب بانکی افتتاح و چک صادر کرده اند، تغییر نداده است. مقام تصمیم گیر برای تغییر امضاها مجاز و یا انسداد حساب و هر اقدام دیگر، هیأت مدیره منتخب بوده و شورای مرکزی و به ویژه رئیس شورا، به تنهایی حق دخالت در این امور را ندارد. دخالت ایشان خلاف صریح قانون موجود است.

۵- به پیوست تصویر صورتجلسه مورخ ۸۰/۷/۱۴ هیأت مدیره سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران، که ادامه کار هیأت رئیسه موجود را تا تعیین هیأت رئیسه جدید مصوب نموده است، تقدیم می گردد.

لذا با توجه به موضوع موارد معروض شده، متمنی است ضمن بررسی مجدد و خارج از نوبت موضوع، دستور فرمائید از حساب بانکی این سازمان رفع مسدودیت گردد، تا انجام امور سازمان بیش از این مختل نگردد. قبلاً از توجه ویژه حضرتعالی و همکاران محترمتان سپاسگزاری می شود.

با سپاس

بهاءالدین ادب

رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران
رونوشت: جناب آقای احمد حاتمی یزد
ریاست محترم بانک صادرات ایران برای اطلاع و دستور اقدام سریع